



نقاشی: میترا شادفر

Global Rug Specialist

شستشو، ترمیم، خرید، فروش و ارزیابی انواع فرش



825 W El Camino Real, Mountain View

(650) 965-7847 + (408) 892-7847

Selahi Insurance Agency

مشاور شما در انتخاب بهترین بیمه،
متناسب با نیازهای شخصی و تجاری،
از معتبرترین شرکت ها

+سلامتی و دندانپزشکی +مسکن +اتومبیل، قایق و
موتورسیکلت +محل کسب +عمر و هزینه فوت

(408) 931-6434

4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA



سحر سلاحي

فرهنگسرا و مدرسه فارسی رازی



♦ آموزش فارسی ♦ تمامی سازهای موسیقی ایرانی ♦ آواز و تصنیف خوانی ♦ آرف ♦ رقص ایرانی
♦ کامپیوتر ♦ نقاشی ♦ کاردستی ♦ سلفژ و غیره، تحت نظر مدرسین و نوازندگان با تجربه و چیره دست!

* کلاس های موسیقی توسط متخصصین هر ساز موسیقی
* دو ماه کلاس های فارسی به طور رایگان
* کلاس های فارسی همراه با بازدیدهای آموزشی و کامپیوتر
* روزهای دوشنبه تا جمعه، از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر، کلاس و برنامه های
آموزشی برای دانش آموزان، بعد از تعطیلی مدارس After School Program
برای اطلاعات بیشتر لطفا با دفتر مدرسه تماس حاصل فرمایید!

با همکاری شاعر و نویسنده، مسعود سپند
زمان: جمعه ۷ نوامبر ساعت: ۶:۳۰ عصر ورودیه: ۴ دلار
با صرف چای، قهوه و شیرینی



ما مفتخر هستیم که بعضی از اساتید فرهنگسرای رازی برندگان جوایز بین المللی هستند!

Like us on Facebook:

Razi Farsi School & Art Academy

www.raziacademy.com

info@raziacademy.com

(408) 828-8494



4125 Blackford Ave. #145, San Jose, CA 95117

پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ حمله حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ
Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

(916)442-9999

980 9th Street, 16th Floor
Sacramento, CA 95814

(408)777-8867

2880 Zanker Road, Suite 203
San Jose, CA 95134

(925)777-0432

425 Market Street, Suite 200
San Francisco, CA 94105

فهرست مطالب

صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	تبلیغ-فهرست مطالب
صفحه ۳	اخبار
صفحه ۴	اخبار
صفحه ۵	اخبار
صفحه ۶	اخبار
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	با هادی خرسندی
صفحه ۱۰	اخبار
صفحه ۱۱	اخبار
صفحه ۱۲	مهرگان (هما گرامی-فره وش)
صفحه ۱۳	اخبار
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	اخبار
صفحه ۱۶	آلن دلون و ... (سعید شفا)
صفحه ۱۷	آشنا داند زبان آشنا (منصور محمدزاده)
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکنونی)
صفحه ۲۰	یادداشتی بی تاریخ (صدرالدین الهی)
صفحه ۲۱	تبلیغ
صفحه ۲۲	از در گوشه ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	نام من هیچکس است (فرسیا اعتمادزاده)
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)-داستان
صفحه ۲۵	خاتمه از دواج (کاملیا محمودی)
صفحه ۲۶	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۷	نکات مهم برای داشتن دندان سالم (میشل حق پناه)
صفحه ۲۸	انرژی مثبت=زندگی سالم و شاد(پرناز کدخدایان)
صفحه ۲۹	هیچوقت دیر نیست(آتوسا یکان)
صفحه ۳۰	نور پردازی در دکوراسیون (نسرین حسینی)
صفحه ۳۱	تقدی بر فیلم رومی (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	گنده یا گنده (بهرام گرامی)
صفحه ۳۳	سنتور یا شاهان تور (وحید باقری)-اخبار
صفحه ۳۴	تقریم برنامه های هنری - جدول-معرفی بچه ها
صفحه ۳۵	نیازمندیها - فال ستارگان-جدول
صفحه ۳۶	تبلیغ
صفحه ۳۷	خیلی قدیم های تهران (عباس پناهی)
صفحه ۳۸	تبلیغ
صفحه ۳۹	گل نم (شیدوش باستانی)
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	تبلیغ
صفحه ۴۲	زندگی (نعیمه دوستدار)-اخبار
صفحه ۴۳	اخبار
صفحه ۴۴	اخبار
صفحه ۴۵	تا نظر شما چه باشد-ادامه مطلب
صفحه ۴۶	شرابی که حافظ می نوشید... (الی نژاد)
صفحه ۴۷	دنباله مطلب
صفحه ۴۸	تبلیغ
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	اخبار-دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	انگلیسی
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی

کنسرت با شکوه

مریم جلالی

Maryam



همراه با گروه اختصاصی به رهبری

پیانیست و موسیقیدان برجسته

امیر رضا خستوان

و همراهی هنرمند محبوب بی اریا

مجید خستوان

SUNDAY OCTOBER 26th, 2014

at 7:30pm. Doors open at 7:00pm

یکشنبه ۲۶ اکتبر ۲۰۱۴

SANTA CLARA CONVENTION CENTER

5001 Great America Pkwy, Santa Clara, CA 95054

TICKET: 408-372-2168. WWW.MARYAMJALALI.COM

Special Discount for Students. Call for details



در خواست اشتراک نشریه پژواک

(408)221-8624

PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست

در آمریکا: یکساله ۷۰ دلار خارج از آمریکا: یکساله ۱۴۰ دلار

برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

ماهنامه پژواک از سری انتشارات شرکت پژواک صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۸۶۲۴-۲۲۱-۴۰۸

شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳-۴۰۸

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,

SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak was compiled as carefully as possible. Pezhvak of Persia cannot guarantee the correctness of all information contained herein and does not accept responsibility for any errors or omissions.

کاهش صادرات نفت ایران به آسیا به "زیر یک میلیون بشکه" رسید

برای اولین بار در سال جاری میلادی، صادرات نفت ایران به کشورهای آسیایی در ماه اوت ۱۹۹۳ به زیر یک میلیون بشکه در روز افت کرد.



این چهار کشور در هفت ماهه نخست سال جاری میلادی ۱۰.۵ درصد کمتر است. در مجموع کشورهای آسیایی طی هشت ماه اول سال روزانه یک میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه نفت از ایران خریدند که نسبت به دوره مشابه در سال گذشته ۲۳.۶ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

چین، بزرگ‌ترین مشتری نفتی ایران، طی هشت ماه اول سال ۲۰۱۴ روزانه ۵۷۸ هزار و ۶۳۰ بشکه نفت از ایران خرید که نسبت به سال گذشته ۳۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد، اما این کشور در ماه گذشته واردات نفت ایران را به ۳۱۱ هزار و ۶۵۳ بشکه کاهش داد که کمترین میزان طی ده ماه گذشته است.

واردات نفت هند از ایران طی ماه گذشته با بیش از ۸۱ درصد افزایش نسبت به اوت ۲۰۱۳ به ۲۷۳ هزار و ۵۰۰ بشکه رسید و متوسط واردات نفت این کشور از ایران با نزدیک به ۵۰ درصد افزایش در هشت ماه اول سال جاری به ۲۷۱ هزار بشکه در روز رسید.

او، توافق تنها در صورتی به دست خواهد آمد که تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران برداشته شود.

رادپورفردا خبرگزاری رویترز گزارش داد که علت این امر بیشتر این بوده که چین، بزرگ‌ترین مشتری نفتی ایران، در ماه گذشته کمترین میزان واردات نفت ایران از زمان توافق موقت اتمی ژنو را داشته است.

توافق‌نامه ژنو سوم آذرماه سال گذشته میان ایران و شش قدرت جهانی حاصل شد و از ۳۰ دی همان سال به مدت شش ماه به اجرا گذاشته شد و سپس در تیرماه سال جاری به مدت چهار ماه دیگر تمدید شد. بر اساس توافق ژنو که منجر به لغو بخشی از تحریم‌ها علیه ایران شد، آمریکا انتظار داشت که صادرات نفت ایران در همان میزان متوسط صادرات سال گذشته، یعنی یک میلیون بشکه در روز باقی بماند. اما گزارش‌های بین‌المللی، از جمله آژانس بین‌المللی انرژی و اداره اطلاعات انرژی آمریکا، حاکی از اوج گرفتن صادرات نفت ایران بعد از توافق ژنو بود.

در همین زمینه خبرگزاری رویترز می‌نویسد که برای نمونه واردات مشتری عمده آسیایی ایران در ماه فوریه به ۱.۳۷ میلیون بشکه در روز اوج گرفت. اکنون همین خبرگزاری بر اساس اطلاعات ردیابی کشتی‌ها و آمارهای دولتی می‌نویسد که چین، هند، ژاپن و کره جنوبی طی ماه گذشته، در مجموع روزانه ۹۲۱ هزار بشکه نفت از ایران وارد کرده‌اند که کمترین میزان از اکتبر سال ۲۰۱۳ به این سو است. این رقم از متوسط واردات نفت ایران توسط

پیش‌آمده در مذاکرات هسته‌ای گفت، تغییرات بسیار اندکی در دیدگاه‌های طرفین مذاکرات به وجود آمد. به نظر

مذاکرات هسته‌ای بدون هیچگونه پیشرفتی پایان یافت

مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۱+۵ که از ۱۰ روز پیش و همزمان با مجمع عمومی سازمان ملل متحد آغاز شده بود، بدون هیچگونه پیشرفت مشخصی پایان یافت. هنوز زمان و مکان مذاکرات بعدی مشخص نشده است. رویترز به نقل از دیپلمات‌های هر دو طرف مذاکره گزارش داد، هنوز بر سر بسیاری از مسائل اختلاف وجود دارد.

دو بیچه وله: به گزارش خبرگزاری رویترز از نیویورک برخلاف برخی ارزیابی‌های مثبت درباره امکان توافق میان ایران و گروه ۱+۵، هفتمین دور مذاکرات هسته‌ای که در نیویورک و در سطوح مختلف در

جریان بود بدون دستیابی به هیچگونه پیشرفتی به پایان رسید. رویترز به نقل از دیپلمات‌های هر دو طرف مذاکره گزارش داد، هنوز بر سر بسیاری از مسائل اختلاف وجود دارد. این خبرگزاری نوشت، هر چند انتظار دستیابی به موقتی چشمگیر در مذاکرات نیویورک دور از انتظار بود، اما این امیدواری وجود داشت که در باره برخی مسائل و نقاط مورد اختلاف پیشرفت‌هایی به دست آید.



فرانک‌والتر اشتاین‌مایر، وزیر امور خارجه آلمان در اظهارنظری درباره چشم‌انداز مذاکرات هسته‌ای گفته بود: «در ده سال گذشته هرگز چنین به توافق نزدیک نبوده‌ایم.» اشتاین‌مایر هم‌زمان اما به این حقیقت نیز اشاره کرد که آخرین گام در این مسیر، احتمالاً سخت‌ترین گام خواهد بود. یکی از نمایندگان دولت آمریکا در

مذاکرات هسته‌ای گفت، هنوز اختلاف‌های بزرگی وجود دارد و طرف‌های مذاکرات باید تصمیم‌های سختی بگیرند. دو نشست که لغو شدند نشست با شرکت وزیران خارجه ایران و گروه ۱+۵ پیش‌بینی شده بود، اما این نشست لغو شد. لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه با اعلام لغو این نشست به خبرنگاران گفت، به علت عدم پیشرفت محسوس در مذاکرات هسته‌ای دیداری که احتمال می‌رفت در سطح وزیران برگزار شود، منتفی شد.

هم‌چنین قرار بود جان کری و جواد ظریف با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کنند، اما این دیدار نیز انجام نگرفت. دیپلمات‌های غربی در شرایط کنونی ادامه گفت‌وگو با ایران را «بی‌ثمر» می‌بینند.

خبرگزاری ایسنا به نقل از تیم مذاکره‌ای ایران نوشت: «این مذاکرات در مجموع مفید و سازنده بوده اگرچه منجر به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در موضوعات مورد اختلاف نشد. با عنایت به مجموعه شرایط و بحث‌های فنی فشرده‌ای که تاکنون صورت گرفته است، دو طرف تصمیم گرفتند مشورت‌ها در آینده نزدیک از سر گرفته شود.»

حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران نیز در کنفرانس مطبوعاتی خود در نیویورک، در اشاره به مشکلات

Let us build your custom dream home



(408)-898-6474

با مدیریت علی زمانی

With more than 16 years of experience we guarantee to exceed your expectations.

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

♦ New Custom Home ♦ Room Additions ♦ Bathroom ♦ Kitchen Remodel

با تخفیف مخصوص برای هموطنان عزیز

www.alisconstruction.com

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA

Threading & Hair Design by Haleh



سالن آرایش هاله
(650)242-6477



* کوتاه کردن مو * رنگ *های لایت *بند ابرو *آرایش صورت
*براق و شفاف کردن رنگ مو *صاف کردن مو به روش کراتن

*Hair Cut *Hair Color *Highlights

*Threading *Make Up *High Gloss *Keratin

\$20 OFF
on Partial Highlights
FREE Eyebrow Threading with Haircut

Exp. 8/2014

www.halehkhairdesign.com

4060 S. El Camino Real, Suite A, Unit 26, San Mateo, CA

سیامک قادری، روزنامه‌نگار ایرانی، برنده جایزه بین‌المللی آزادی مطبوعات شد

کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران، جایزه بین‌المللی آزادی مطبوعات در سال ۲۰۱۴ میلادی را به سیامک قادری، روزنامه‌نگار ایرانی و روزنامه‌نگارانی از میانمار، روسیه و آفریقای جنوبی داد، که -به گفته این سازمان- «در حالی‌که با خشونت و سانسور روبه‌رو هستند، به کار خود ادامه می‌دهند».

جایزه امسال شده‌اند، نیز با تهدید و خطر



از کشورهای خود روبه‌رو بوده‌اند. به گفته کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران، آنگ زا از میانمار، در زمان پیش از اصلاحات سیاسی در آن کشور، با عنوان «معاند نظام» شناخته می‌شد و در دولت فعلی نیز تحت فشار قرار دارد.

به گفته این سازمان غیردولتی مدافع روزنامه‌نگاران، طی دو سال گذشته دست‌کم هشت روزنامه‌نگار میانمار با اتهام‌های امنیتی بازداشت شده‌اند. دنیاله مطلب در صفحه ۵۳

راديو فردا: آنگ زا، سردبیر «اپراوادی» از میانمار (برمه)، میخائیل زیگار، سردبیر شبکه مستقل تلویزیونی دوزد در روسیه و فریال هفاچی، سردبیر «سیتی پرس» از آفریقای جنوبی، دیگر برندگان این جایزه بین‌المللی هستند.

سیامک قادری روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویس ایرانی در زمستان ۱۳۸۹، پس از اخراج از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، به کار روزنامه‌نگاری خود به طور مستقل ادامه داد. او چندی بعد بازداشت و به اتهام «تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب» در وبلاگ خود، به چهار سال زندان و ۶۰ ضربه شلاق محکوم شد.

خبرگزاری آلمان از جوئل سیمون، مدیر اجرایی کمیته حفاظت از روزنامه‌نگاران، نقل کرده است افرادی که برندگان امسال «جایزه بین‌المللی آزادی مطبوعات» بوده‌اند، زندگی خود را به خطر انداخته‌اند، تا ما را در جریان اخبار قرار دهند. علاوه بر آقای قادری، دیگر کسانی که برنده

دکتر مسعود انصاری، حقوقدان و اسلام شناس برجسته درگذشت

نویسنده، پژوهشگر، حقوقدان و منتقد دینی برجسته دکتر مسعود انصاری در آمریکا درگذشت و همه دوستان و علاقمندان خود را جاودانه داغدار کرد.

جلد تالیف، تصنیف و ترجمه در رشته های حقوق، فلسفه، علوم سیاسی، روانشناسی، علوم اجتماعی و الهیات و بیش از سیصد نوشتار پژوهشی، سیاسی، حقوقی، روانشناسی و اجتماعی به زبانهای انگلیسی و فارسی به جا مانده است. کتاب ناسیونالیسم او برنده جایزه بهترین کتاب سال در سال ۱۳۴۶ بوده است.

فرآیند سالهای تدریس و پژوهش های او در دانشگاههای ایران، لندن، دانشگاه امریکایی بیروت، UNAFI ژاپن و دانشگاههای امریکایی، امتیازات و درجات و جایگاههای علمی زیر بوده است:

Phi Beta Kappa در سال ۱۹۸۷-سه جایزه علمی President's Award یکی از سازمان علمی NGH در سال ۱۹۹۱ و دو جایزه از سازمان NATH (سالهای ۱۹۹۵ و ۱۹۹۹) -جایزه Excellence Award سازمان International Hypnosis Federation در سال ۲۰۰۸

دکتر مسعود انصاری دانشنامه حقوق در رشته قضایی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دانشنامه فوق لیسانس در رشته روابط بین الملل از دانشگاه لندن و سه دانشنامه دکتری را در کارنامه خود داشت.



دو دانشنامه دکترای او در رشته علوم سیاسی، یکی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و دیگری از دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا و سومین دانشنامه دکترای او در رشته هیپنوتراپی از دانشگاه امریکایی پسیفیک American Pacific University بود. وی همچنین دانشنامه Career Development از دانشگاه امریکایی بیروت را دارا بود.

از زنده یاد دکتر مسعود انصاری ۳۵

دفتر حسابداری و امور مالیاتی بهنام

Accounting & Tax Services

Mitra Forozesh Behnam, MBA, RTRP, CRTP

✓ Integrity ✓ Respect
✓ Commitment ✓ Expertise

Advisor You Can Count On!

با داشتن ۲۸ سال تجربه کلیه امور حسابداری و مالیاتی شما را به بهترین وجه انجام می‌دهیم

- ✦ Accounting & Auditing
- ✦ Tax Consulting
- ✦ Tax Preparation
- ✦ Auditing Process, IRS, FTB, BOE, EDD

- ✦ حسابداری و حسابرسی
- ✦ برنامه ریزی مالیاتی
- ✦ مالیات بر درآمد
- ✦ کلیه امور حسابرسی

Work: (209)835-9655 (408)440-9622
Cell: (209)740-2764 Fax: (209)740-2764

www.behnamaccounting.com ✦ behnamaccounting@yahoo.com
504 W 11th Street, Tracy, CA 95376

تعمیر انواع موبایل و کامپیوتر

قیمت استثنائی برای هموطنان عزیز

✦ Cracked Screen Repair :

Iphone 4/4s	\$45
Iphone 5	\$70
Iphone 5c/5s	\$85
Ipad 2	\$60
Ipad 3/4	\$70
Ipad Mini	\$85
Ipad Air	\$95

✦ Unlock Factory

✦ Pc Repair \$50+Part

✦ Mac Repair \$80+Part

(408)459-0107

393 E Hamilton Ave., Suite 200, Campbell, CA 95008
www.baycotechgroup.com Info@baycotechgroup.com

نامه ۱۸ برنده جایزه نوبل به خامنه‌ای برای آزادی امید کوکبی

هیجده برنده جایزه نوبل فیزیک در نامه‌ای سرگشاده به رهبر ایران خواستار آزادی امید کوکبی، فیزیکدان ۳۲ ساله ایرانی شده‌اند. کوکبی بهمن ماه ۱۳۸۹ هنگام خروج از ایران در فرودگاه دستگیر شد. در نامه ۱۸ برنده جایزه نوبل به آیت‌الله خامنه‌ای گفته شده است که آقای کوکبی «تنها به خاطر امتناع از همکاری با مراکز تحقیقات نظامی جمهوری اسلامی ایران» زندانی شده است.

ایران امروز: امید کوکبی، سه سال و هشت ماه است که در زندان اوین زندانی است. او که دانشجوی دکترای فیزیک با تخصص لیزر در دانشگاه آستین تگزاس بود، بهمن ماه ۱۳۸۹ هنگام خروج از ایران در فرودگاه دستگیر شد. امید کوکبی بعد از چند ماه بازجویی و بازداشت موقت در نهایت به اتهام ارتباط با دولت متخاصم و کسب مال نامشروع به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

به گزارشی بی بی سی، در نامه ۱۸ برنده جایزه نوبل به آیت‌الله علی خامنه‌ای گفته شده است که آقای کوکبی «تنها به خاطر امتناع از همکاری با مراکز تحقیقات نظامی جمهوری اسلامی ایران» زندانی شده است.

برندگان جایزه نوبل فیزیک، آقای کوکبی را انسانی «شجاع» توصیف کرده‌اند و از او به خاطر «مقاومت در برابر پیشنهاد استفاده از دانشش در پروژه‌هایی که برای بشر مضر است» قدردانی کرده‌اند.

امید کوکبی رتبه ۳۹ کنکور سراسری و رتبه سوم المپیاد علمی شیمی ایران را به دست آورده است. او دوره دکتری را در پارسلون اسپانیا تمام کرد و برای تکمیل تحصیلات به دانشگاه تگزاس دعوت شد. آقای کوکبی مدتی پس از بازداشت در

انفرادی، واز آن زمان به بعد در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می‌برد. وی ترکمن و از اهل سنت است و هیچ گونه سابقه فعالیت سیاسی نداشته است.

پس از گذشت بیش از دو سال از حبس کوکبی، وی در نامه‌ای به دوست قدیمی‌اش می‌نویسد: «بنده از سال ۱۳۸۴ در نوبت‌های مختلف برای مدیریت و کار در پروژه‌های فنی مراکز امنیتی-نظامی دعوت شده‌ام که دوستان و مدارک موثقی وجود دارد که این امر را تصدیق نمایند. به عنوان مثال دعوت به کار در مرکز تحقیقات دانشگاه مالک اشتر اصفهان، ارائه بورس تحصیلی دکتری از طرف سازمان انرژی اتمی ایران و پیشنهادنامه‌های پروژه‌های سازمان صنایع دفاعی. در آخرین نمونه آن، صبح روزی که دیرتر در نیمه شب آن روز

بازداشت شدم، بنده به سازمان انرژی اتمی ایران دعوت شدم و پس از پیگیری‌های مکرر آن‌ها بالاخره مجبور شدم در آنجا حضور پیدا کنم تا در دفتر معاون سازمان جلسه‌ای برای گفتگو برگزار شود که بنده نیز صحبت‌ها و پاسخ

همیشگی خود را دادم که خوشبختانه کپی برگه ملاقات آن روز نیز موجود است.» وی می‌افزاید: «این حکم ۱۰ ساله حبس نه برای خطای رفته از کسی بلکه تنبیهی است برای کسی که حاضر نشده به خاطر اعتقادش به «آزادی انتخاب شخصی برای برگزیدن مسیر زندگی‌اش»، در داخل سیستم امنیتی و نظامی، علی‌رغم ارائه انگیزه‌های مالی و فنی فراوان آن، مشغول

به کار شود.» در دوران بازجویی کوکبی است که از وی سوال شده چرا دولت آمریکا به تو ویزا می‌دهد؟ وی پاسخ داده چون من دانشجوی آنجا هستم. پرسیده اند که هنگام درخواست ویزا در سفارت آمریکا چه چیزی بیان کرده است؟ وی پاسخ داده از دلیل من برای ادامه تحصیل در آنجا سوال کرده اند که من گفته ام به دلیل علاقه ام به این رشته و نبود امکانات این رشته در ایران بوده است، بر اساس این پاسخ‌ها وزارت اطلاعات کوکبی را به «ارتباط با دولت متخاصم» متهم کرده است. همچنین در بازجویی‌ها از وی پرسیده شده چرا دانشگاه هزینه سفرهای تو به ایران را می‌دهد که وی پاسخ داده، این یک عرف است که هزینه‌های سفرها و کنفرانس‌های چهره‌های علمی را می‌پردازند که بنا بر این پاسخ به وی اتهام «کسب درآمد نامشروع» تفهیم شده است.

او که در بند ۳۵۰ اوین محبوس است در گفتگویی که در زندان انجام داد، با تاکید بر اینکه مشغولیت‌های علمی و دانشگاهی هیچ گاه به او فرصت فعالیت‌های سیاسی را نداده است، در پاسخ به این سوال که چرا با وجود بی‌گناهی، در زندان ماندگار شده است می‌گوید: این سوالی است که هر روز از خودم می‌پرسم. در کل دوره بازجویی هم هیچ سند و مدرکی مبنی بر جاسوسی ارائه نشد. او همچنین در دیداری که همراه با سایر نخبگان المپیادی با علی خامنه‌ای داشت مورد تقدیر قرار گرفته بود.

او در دی ۱۳۹۰ در نامه‌ای به صادق لاریجانی، نوشت: «امروز که این نامه را تحریر می‌کنم حدود ۱۰ ماه است بدون هر گونه دلیل و مدرکی (و شاید در اثر یک سوء تفاهم) در بازداشت به سر می‌برم.»



خواسته‌اند سریع‌تر دستور آزادی فوری امید کوکبی را صادر کنند. آرنو لن پنزیاس برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۷۸، نیکولاس بلومبرگ برنده نوبل فیزیک ۱۹۸۱، دیوید پولیتزر برنده جایزه نوبل فیزیک ۲۰۰۴



Iman Laleparvar
MS Electrical Engineering
UCLA Graduate

Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

Professional Tutor, one on one & group all ages (1st-12th grade & College)
Specializing in SAT Math Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Johns Hopkins University MBA Candidate

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com



دکتر میشل حق پناه

متخصصی در دندانپزشکی اطفال - کودکان - نوجوانان



"Healthy smiles start here"



*روش‌های پیشگیری *رژیم غذایی *درمان با استفاده از داروهای آرامش بخش
و یا تحت بیهوشی کامل *بیماری‌های لثه کودکان *درمان‌های اورژانسی

*Preventive Dentistry *Sedation & General
Anesthesia *Special Care Patient Management

(408)866-3000

Dr. Michelle Haghpanah, D.D.S., M.P.H.

1480 Saratoga Ave., Saratoga, CA 95070

اعدام محسن امیر اصلانی و سکوت نواندیشی دینی

مهرانگیز کار

ایران از انقلاب اسلامی ببعدها پر شده است از نواندیش های دینی. اعدام محسن امیر اصلانی سحرگاه دوم مهرماه به حکم قاضی صلواتی، به جرم این که در یک جلسه دادگاه گفته است "صحت زنده ماندن حضرت یونس در دل نهنگ" محل تردید است، پرسشی را پیش روی این جماعت می گذارد که لاجرم و علی رغم خطرها و ترس ها باید به آن بپردازند. یک جریان فکری که با ادعای "اصلاح دین" و "عصری شدن دین" سالهاست متناسب با نرخ خطر، نظرات خود را انتشار می دهد. نمی تواند از این پرسش مقدر طفره رفته و سکوت اختیار کند. به فرض که دستگاه قضائی کشور پس از اعدام محسن امیر اصلانی، اتهامات عقیدتی او را در ارتباط با قرآن، زیر پوشش جرائم واقعی یا ساختگی جنسی پنهان کند، چیزی از اهمیت موضوع نمی کاهد و همچنان طرح این پرسش با جریان نواندیشی دینی ضروری به نظر می رسد: تردید نسبت به یک قصه قرآنی در فضای نواندیشی دینی چگونه تکریم می شود؟

محسن امیر اصلانی قاتل نبود، کلاهبردار نبود، تروریست نبود، و برما که نه مسلمان دو آتش هستیم، نه نواندیش دینی، معلوم نیست چرا برخی برداشت ها از دین می تواند یک چنین عقوبت دنیوی در پی داشته باشد. البته مخاطب سوال، آقای مصباح یزدی و اغلب مراجع دینی نیستند و بلکه نمادهائی از نواندیشی دینی، موضوع این پرسش اند که هرگاه به آن پاسخ ندهند، شالوده های جریان نواندیشی دینی را سست کرده اند. کتاب ها و نوشته های محسن امیر اصلانی در دسترس است و لابد مردم ایران با وجود درگیری با انواع گرفتاری های روزمره، این قدر کنجکاو دارند تا از مدعیان نواندیشی دینی، و نه آقایان محمد جواد لاریجانی و صادق آملی لاریجانی، بپرسند چرا جوانی را بر دار کشیده اند که برداشت هائی سوی برداشت های آنها از دین داشته است. از طرف دیگر چرا او را مدت نه سال در زندان های مشقت بار حبس کرده اند و

بارها حکم را شکسته اند و بار آخر، آن را به اصرار صلواتی و زیر سلطه فراقانونی او نهائی کرده اند. آیا در این رویداد و نظایر آن، این اعلام نظر آقای محمد جعفر منتظری رئیس دیوان عدالت اداری که گفته است "وظیفه اصلی قضات اجرای خواست رهبر است" منشاء اثر نیست؟ منبع: روابط عمومی دیوان عدالت اداری به نقل از بی.بی.سی فارسی

ایا همزمان با حضور حسن روحانی در مجمع عمومی سالیانه سازمان ملل متحد، اجرای این اعدام، پیام خاصی داشته است؟ تاکیدی بوده است بر این که روحانی کاره ای نیست یا کوششی است بر این که خبر در مجمع عمومی دهان به دهان بچرخد و قاضی صلواتی بشود نمادی از دژخیم های داعش مسلک که جلو دوربین انسان ها را دار می زنند و دستور می دهند طناب دار را به گردن جوانان اهل چون و چرا که تابع تفاسیر آنها از دین نیستند، بیاندازند. جوان هائی که برانگیخته شده اند تا برای ارائه

وظیفه اصلی اش بنا بر قول ریاست دیوان عدالت اداری، اجرای خواست رهبر است، پرونده را پی گرفته تا آدمکشی سرانجام اجرائی شده است. بی اعتنائی جهان به وضعیت رو به وخامت حقوق بشر در ایران، دست صلواتی و صنف او را در آدمکشی بازتر کرده و آنها



امیدوار شده اند که با همکاری برای قلع و قمع داعش، بهتر می توانند جنایت کنند. در این دوران تاریک که وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران، زیر سایه شرایط بحرانی منطقه، کمتر دیده می شود، جریان نواندیشی دینی و رهروان آنها که ناگزیر کشور را ترک کرده اند، نمی توانند نسبت به اعدام هائی که زیربنای عقیدتی دارد و به زنده ماندن حضرت یونس در دل نهنگ ربط پیدا می کند، لام تا کام سکوت کنند. اساسا صرفنظر از این که دلایل شخصی صلواتی برای دشمنی با این جوان چه بوده و چرا برای کشتن او سالها تلاش کرده، موضوع از این حیث که اگر شهروندی صحت یک قصه قرآنی را مورد تردید قرار بدهد، چگونه باید با او برخورد کرد، مورد سوال است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۲

تفاسیر دیگری از دین، تکاپو کنند. اعضای حاضر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، هر اندازه ذهن شان درگیر داعش شده باشد، شنونده سخنان حسن روحانی پیرامون محیط زیست هم بوده اند. شنیده اند از ایشان که جمهوری اسلامی برای پاکیزگی محیط زیست زحمت می کشد و پیروزی های بزرگ به دست آورده است. به نظر می رسد تعریف حسن روحانی از محیط زیست، محدود می شود به آب و هوا و سموم صنعتی. حال آن که در تعاریف روزآمد از محیط زیست، "جان انسان" و حفاظت از حق حیات انسان، در مرکز پاکسازی محیط زیست مورد توجه است. در سرزمینی که جان آدمی بها ندارد و انسان را به جرم آن که متفاوت برداشت و تفسیر می کند، و می اندیشد و اندیشه خود را بیان می کند، به دار می کشند، محیط زیست با کدام مفهوم دغدغه خاطر آقایان است؟ اگر خشکسالی مسئله است از آن روست که حیات انسان را به خطر می اندازد، اگر سمی و سربی شدن هوا مسئله است، از آن روست که تنفس اکسیژن را برای انسان دشوار می کند و صدمه به حیات و طول عمر او می زند. در سرزمینی که به نام شرع، جان انسان بی ارزش است و پیشیزی نمی ارزند و تازه پس از ۹ سال تحمل زندان و مشقت، و قیحانه یک شهروند را می کشند و می گویند مرتکب زنا به عنف شده بود، دغدغه های محیط زیستی و آلاینده ها، آدرس عوضی است که یک رئیس جمهور به جامعه جهانی می دهد. همزمان با ابراز دغدغه های رئیس جمهور، محیط زیست شهروندان ایرانی، با اعدام پر رمز و راز یک جوان که چندین بار حکم اعدام او توسط نهادهای قضائی شکسته شده و در تمام مراحل رسیدگی، یک قاضی که

دکتر تینا نافی

کایروپراکتور

معالجه تصادفات رانندگی، کاری و ورزشی

*We take the time. We listen.
We partner with our patient.*

معالجه دردهای عضلانی و ناراحتی های مفاصل و استخوان، تصادفات رانندگی و صدمات کاری با پیشرفته ترین وسائل پزشکی، دستگاههای ورزشی و فیزیوتراپی

www.drnafei.com

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود!

Tel: (510) 791-6332 ♦ Fax: (510) 791-1923
1860 Mowry Ave. Suite 201, Fremont, CA 94538

FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه

از موقعیت استثنایی پائین
بودن نرخ بهره و وامهای بدون
کارمزد استفاده نمائید



(408) 605-1138



moharandi@yahoo.com ♦ DRE#01183647 ♦ NMLS#332989

4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

مریم الف، دختری در انتظار اعدام

شیما شهرابی

یک بار بچه‌اش را تا پای مرگ بدرقه کرده است و دوباره دارد روزها را می‌شمرد تا بار دیگر عزیزش را پای چوبه دار ببرند. صدایش می‌لرزد و با التماس می‌گوید: «خانم تورو خدا کمک کنید. من مادر هستم.»

او مادر مریم الف است. مریم هفته گذشته تا پای چوبه دار رفته، طناب دار و سندیلی زیر پایش را دیده مامور اجرای حکم و آمبولانس انتقال دهنده جسد را دیده و حتماً بداندش به رعشه افتاده. با اینحال مادرش هنوز هم راضی نیست فامیلی اش رسانه ای شود و می‌گوید: «از وقتی این اتفاق افتاد و مریم منم به قتل شد همه رسانه‌ها با اسم مریم. الف از او نوشته‌اند. خواهش میکنم شما همین را بنویسید.»

مریم. الف، ۴۰ ساله، متهم به قتل است. او متهم شده که همسرش به نام اصغر را با خوردن قرص برونج به قتل رسانده است. مریم همسر دوم و صیغه‌ای اصغر است. مادر مریم می‌گوید: «اینقدر اصرار کرد که مریم قبول کرد با او محرم شود» چند وقتی بیشتر از محرمیت مریم با او نگذشته بود که اصغر از او می‌خواهد برای قاچاق دارو با هم به کردستان بروند. مریم قبول

نمی‌کند و بد رفتاری‌ها و تهدیدهای اصغر شروع می‌شود: «مریم دیگر نمی‌خواست به رابطه‌اش ادامه دهد اما اصغر او را تهدید کرده بود که اگر رابطه را تمام کند. هم فیلم‌ها و عکس‌های خصوصی‌اش را منتشر می‌کند و هم بچه‌اش را می‌کشد.» مریم از ازدواج اولش که به طلاق منجر شده یک فرزند دارد. مادرش می‌گوید: «مریم از اینکه کسی جان بچه‌اش را تهدید کند، وحشت دارد. چون او قبلاً داغ فرزند دیده. چند سال پیش یک بچه‌اش به سرطان مبتلا شد و جلوی چشمانش جان داد.»

روز حادثه مریم با چند قرص سراغ اصغر می‌رود. قرارشان در پارک بوده است. مادر مریم می‌گوید: «مریم می‌خواست او را با قرص‌های خواب آور بخواباند و موبایلش را بگیرد و عکس‌های خصوصی‌اش را پاک کند تا از شر تهدیدهای اصغر خلاص شود.» این طور که مریم در دادگاه گفته

کذب محض می‌داند و می‌گوید: «مریم با من تماس گرفت و به زور مرا از خانه بیرون آورد. او گفت که حالش بد است. بعد با هم قرار گذاشتیم. او مرا به کهریزک برد و آنجا متوجه جسد شدم.»

صفحه حوادث روزنامه‌ها، یعقوب را مرد

جوانی معرفی کرده‌اند که در منطقه یاغچی آباد تلافروشی داشته، مریم از مشتری هایش بوده و از یک سال قبل از قتل با او ارتباط داشته است. کارگهان وقتی به رابطه او و مریم پی



اصغر پس از خوردن قرص‌ها حالش بد می‌شود و داخل ماشین مریم تمام می‌کند. گزارش پزشکی قانونی نشان داده که اصغر بر اثر مسمومیت با قرص برونج کشته شده

است. مریم اما در دادگاه گفته که او قرص برونج را نمی‌شناخته و فقط می‌خواست اصغر را بخواباند. مریم بعد از اینکه متوجه می‌شود اصغر نفس نمی‌کشد با یعقوب تماس می‌گیرد. مادر مریم می‌گوید: «مریم از ترس و اینکه نمی‌دانسته چه کند با یعقوب تماس می‌گیرد و با کمک او جنازه را به بیابان‌های کهریزک می‌برد و آنجا رها می‌کنند.» اما وقتی یعقوب در دادگاه حاضر می‌شود از رابطه اصغر و مریم ابراز بی‌اطلاعی می‌کند و حرف‌های مریم را

می‌برند، او را دستگیر می‌کنند. یعقوب در جلسه دادگاه قبل از اینکه مریم اعتراف کند، ماجرای جسد و کهریزک را بازگو می‌کند و مریم که تا پیش از آن سکوت کرده بود، ماجرا را شرح می‌دهد. ماجرای که یعقوب آن را دروغ می‌داند و مریم واقعتاً محض حرف‌های مریم و شواهد موجود، قضات را راضی نمی‌کند. آنها پس از مشورت و بررسی سخنان مریم و یعقوب و شواهد پرونده، مریم را مجرم و جرمش را قتل عمد اعلام می‌کنند. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

Ali Driving & Traffic School

کلاس‌های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی.
- ♦ ما تضمین می‌کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد.
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می‌توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل‌های مدرسه ما نیز استفاده کنید.

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می‌توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس‌ها به زبان فارسی نیز عرضه می‌گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors



- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه‌ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

کامران پورشامی

متخصص و مشاور در امور خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams

Experienced Professional Realtor

Residential, Commercial, Property Management

Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478

- ♦ چگونگی تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
- ♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می‌توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale & Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343

Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020

Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

لفظ روحانی که آید جای آن
خود مضاعف میشود معنای آن!
گفتن آخوند دارد معصیت
هست کار آدم بی تربیت
گفتن آخوند می باشد گناه
میبرد نام تو در لیست سیاه
اسم تو در نامه ها خط میخورد
مهر کنسل روی دعوت میخورد
راستی وقتی که میپوشی لباس
با سران فتنه اینجوری نلاس
داده اند از رختکن راپرت تو
سبز بوده گوشه ای از شورت تو
سبز در برنامه خط قرمز است
کندنش هم واجب و هم جایز است
خاک عالم! سبزه؟ یک کن بیدرنگ!
غافل انگار از سانسور رنگ
خانم از این کشف، تو لب شد بسی
خانم شوخی ندارد با کسی
او برای وصل کردن آمده...



نه، نگو قالتاق عمامه به سر
بل بگو تاج سر نوع بشر
نه، مخوان آخوند را روباه و گرگ
بل بخوان شیر ژبان، مرد بزرگ
پشم آقا را بگو ابریشم است
همچنین آب دماغش شبنم است
وقتی انگشتی به بینی میکند
تو بگو یوگای چینی میکند
چون زند آرووغ پسران شو، که آه
در همایون بود یا توی سه گاه؟
گوز آقا را بگو صوت جلی
مایه ی فخر تشک یا صندلی
نه نگو آخوند مکار دغل
چونکه آن خانم نشسته این بغل
نه نگو پتیاره ی گردن کلفت
بل همان را گو که آن خانم بگفت:
کی به تو گفته گره کن مشت خود؟
مثل حرف V بکن انگشت خود؟
اسم روحانی که آمد در میان
در حضور مجری و اطرافیان؛
غنچه کن انگشت ها را روی لب
بوسه ای بفرست بهرش با ادب
دست خود بر سینه بگذار اینچنین
یک کمی خم شو به سوی دوربین
باسن خود را ز روی صندلی
جا به جا کن اندکی با یاعلی
پیش ما آخوند دارد اعتبار
پس تو لطفی کرده اسمش را نیارا!



با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com

صدای آمریکا و ابریشم پشم آقا

نه، نگو قالتاق عمامه به سر
بل بگو تاج سر نوع بشر
نه، مخوان آخوند را روباه و گرگ
بل بخوان شیر ژبان، مرد بزرگ
پشم آقا را بگو ابریشم است
همچنین آب دماغش شبنم است

منظور از «صدای آمریکا» در اینجا، همانا بخش فارسی صدای آمریکاست. خوانندگان نوشته های مستدل آقای مجید محمدی در باره ی صدای آمریکا توجه دارند که جدا از مصالح کلی دولت آمریکا، محتوای برنامه های این رسانه تابعی است از متغیر مصالح و منافع مدیران دوره ای آن و اینکه کدامشان اگر قرار است کلاه بیاورد، سر میآورد و از اینجا، هر کدام چند سر به جای یک کلاه میآورد و کدامشان سرهائی میآورد که جایزه هم داشته باشد! (نه خیر، نمیخواهم نتیجه بگیرم که داعش را صدای آمریکا درست کرده!) مالیات دهندگان آمریکا از میزان بسیجی بودن و خواهر زینب بودن مدیران مختلف این رسانه خبر ندارند. دکتر رامین احمدی دلایل حذف خود را از برنامه های تحلیلی صدای آمریکا اینطور برای آقای محمدی نوشته است: «از من خواستند پیراهن و کراوات سبز نپوشم یا در آغاز برنامه علامت پیروزی نشان ندهم... به من اخطار شد که از آخوند به جای روحانی استفاده نکنم... اینها جوک نیست، اغراق نیست، شرط دعوت شدن در برنامه های صدای آمریکا و احتمالاً از مصوبات کمیته ی منکرات این رسانه است.

نه، نگو آخوند، روحانی بگو!
فخر آفاق مسلمانی بگو!
حضرت آقا بگو با آب و تاب
آیت الله اش بخوان وقت خطاب
حجت الاسلام اگر گفتی به او
سین و لام اش را بکش در گفتگو
ول کن این آخوند را و هی نگو
یا اقلاً توی «وی.ای.» نگو

حمید رئیسیه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

Hamid Reiesieh
Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،
سریع، مطمئن و حرفه ای

Cell: (408)234-5793
Office: (408)298-2591



DRE#01326116 • NMLS# 344666

- ♦ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ♦ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ♦ Complimentary home evaluation
- ♦ No Cost Short Sales
- ♦ 1031 Exchange Transaction (Tax Deferred)

Your Trusted Advisor in
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ♦ www.hamidreiesi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008

دکتر فرانک پورقاسمی

متخصص و جراح پا

♦ درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
♦ درمان بیماری های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی
♦ Foot related diseases ♦ Bunion, Callus, Corn ♦ Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦ Sports Medicine & Injuries ♦ Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦ Ankle Arthroscopy ♦ Pediatric Foot Conditions ♦ Flat Feet & Orthotics ♦ Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

افزایش ۳۰ درصدی مرگ و میر ناشی از اعتیاد در تهران

به گفته بابک دین پرست، معاون کاهش تقاضا و توسعه مشارکت‌های مردمی ستاد مبارزه با مواد مخدر، در پنج ماهه نخست سال جاری، مرگ و میر ناشی از اعتیاد، در سراسر ایران ۶/۳ درصد و در تهران ۳۰ درصد افزایش داشته است.



به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، بابک دین پرست در جلسه کمیته فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر، با اشاره به اینکه وضعیت شیوع اعتیاد در ایران نگران کننده است، گفت: «علی‌رغم تمام تلاش‌های صورت گرفته در زمینه مبارزه با مواد مخدر در کف خیابان رضایت عمومی وجود ندارد.» در سال‌های ۹۰، ۹۱، ۹۲ و شش ماهه اول سال جاری، ۶۴ هزار معتاد متجاهر دستگیر شده‌اند.

به معنای منطقی بودن این حکم از نظر آن‌ها نیست. ساسان سلیمانی، ریحانه طراوتی، ندا موتنی، افشین سهرابی، بردیا مرادی، رهام شامخی و دختری به نام سپیده در اردیبهشت ماه امسال به دلیل ساخت و پخش موزیک ویدیویی بر روی ترانه «هیپی» از فارل ویلیامز بازداشت شدند. دو روز پس از دستگیری این افراد، برنامه خبری ۲۰:۳۰

به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، بابک دین پرست در جلسه کمیته فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر، با اشاره به اینکه وضعیت شیوع اعتیاد در ایران نگران کننده است، گفت: «علی‌رغم تمام تلاش‌های صورت گرفته در زمینه مبارزه با مواد مخدر در کف خیابان رضایت عمومی وجود ندارد.» در سال‌های ۹۰، ۹۱، ۹۲ و شش ماهه اول سال جاری، ۶۴ هزار معتاد متجاهر دستگیر شده‌اند.

به معنای منطقی بودن این حکم از نظر آن‌ها نیست. ساسان سلیمانی، ریحانه طراوتی، ندا موتنی، افشین سهرابی، بردیا مرادی، رهام شامخی و دختری به نام سپیده در اردیبهشت ماه امسال به دلیل ساخت و پخش موزیک ویدیویی بر روی ترانه «هیپی» از فارل ویلیامز بازداشت شدند. دو روز پس از دستگیری این افراد، برنامه خبری ۲۰:۳۰

سازندگان ویدیوی هیپی به ۹۹ ضربه شلاق تعلیقی محکوم شدند

اعضای گروه سازنده ویدیو کلیپ هیپی، به اتهام «برقراری رابطه نامشروع و فعالیت غیرمجاز در امور سمعی و بصری» به ۹۹ ضربه شلاق و ۶۰۰ هزار تومان جریمه نقدی محکوم شدند. حکم شلاق آنان به مدت دو سال تعلیق شده است.

هزار تومان جریمه نقدی محکوم شده‌اند. یکی از اعضای این گروه که در منزل مسکونی‌اش مشروبات الکلی داشته نیز به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شده است. دادگاه عمومی جزایی رسیدگی کننده به این پرونده به دلیل جوان بودن متهمان و نداشتن سابقه کیفری و نیز اظهار پشیمانی آن‌ها، این احکام را به مدت سه سال به حالت تعلیق درآورده است.

این بدان معناست که اگر در سه سال آینده این افراد مرتکب جرمی که موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت است نشوند، محکومیت آنان بی اثر می‌شود.

انصراف متهمان از درخواست تجدیدنظر
این حکم قابل تجدیدنظرخواهی است اما وکیل پرونده گفته که موکلانش از اعتراض به این حکم و درخواست تجدیدنظر صرف نظر کرده‌اند. آقای رفوگران البته تاکید کرده که انصراف موکلانش از تجدیدنظرخواهی

خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا به نقل از فرشید رفوگران، وکیل مدافع اعضای گروه



سازنده ویدیو کلیپ هیپی، خبر داد که حکم دادگاه این افراد به وکیل آنان ابلاغ شده است. به گفته آقای رفوگران، اعضای این گروه که شامل سه دختر و چهار پسر هستند به اتهام «برقراری رابطه نامشروع از طریق رقصیدن بصورت مختلط و با پوشش نامناسب» به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شده‌اند.

این افراد همچنین به اتهام «فعالیت غیرمجاز در امور سمعی بصری از طریق مشارکت در ساخت کلیپ مبتذل و انتشار آن از طریق شبکه مجازی یوتیوب» به پرداخت ۶۰۰

هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس‌های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com

هشدار پزشکان بدون مرز نسبت به تشدید شیوع ابولا

سازمان «پزشکان بدون مرز» می‌گوید مردم غرب آفریقا در مواجهه با اپیدمی ابولا، از محرومیت‌های پزشکی، فقدان اطلاعات، آموزش و امداد رنج می‌برند. خطر گسترش جهانی این ویروس بالاست. مدیر سازمان پزشکان بدون مرز هشدار داده که میزان ابتلا به ویروس ابولا در غرب آفریقا رو به افزایش است و امکانات درمانی و دارویی بیمارستان‌های محلی کفایت مبتلایان را نمی‌دهد: «افزون بر این مشکلات، مردم از بدگمانی نسبت به دولت‌های خود در رنجند.»

هم‌چنین امدادگر نیز به منطقه فرستاده شوند. او تعداد سربازان اعزامی را مشخص نکرد. وزیر بهداشت آلمان نیز از طرح‌های پزشکی و اعزام امدادگر به مناطق بحرانی خبر داد. کارشناسان آلمانی قرار است نحوه مایه‌کوبی

و اقدامات پیشگیرانه را در بیمارستان‌های مربوطه آموزش دهند. این طرح با کمک انستیتو «روبرت کخ» انجام خواهد شد. تاکنون آلمان ۲/۴ میلیون یورو کمک مالی برای حمایت از اقدامات امدادی در کشورهای مبتلا پرداخت کرده است. **پیشنهاد بیمارستان‌های سیار** محافل پزشکی آلمان پیشنهاد کرده‌اند که بیمارستان‌های تخصصی و سیار برای



مقابله با ابولا به منطقه فرستاده شوند. یکی از همکاران «انستیتو روبرت کخ» می‌گوید: «یک بیمارستان سیار و مجهز اروپایی هزار مرتبه بهتر از بیمارستان‌های موجود در آفریقا است.»

دولت لیبیا قول داده که پنج مرکز درمانی جدید در مونرویا ایجاد کند. این در حالی است که مقامات پزشکان بدون مرز می‌گویند دست کم به ده برابر این تعداد، برای قرنطینه افراد مشکوک به ابتلا نیاز هست.

بسیاری از مردم مبتلا در سیرالئون در خیابان‌ها می‌میرند و کلینیک‌ها و درمانگاه‌های موجود امکان مداوای آنها را ندارند. به دلیل بسته شدن مرزها و توقف پروازهای خطوط

هوایمایی به کشورهای مبتلا، امکان ارسال دارو یا تجهیزات به آنها فراهم نیست. برخی از امدادگران مجبورند با دستکش باغبانی یا عینک اسکی به کمک مبتلایان بروند.

برخی روستاها در سیرالئون و لیبیا برای جلوگیری از شیوع بیشتر ویروس ابولا، قرنطینه شده‌اند. در حالی که دولت‌های کشورهای غرب آفریقا بی‌صبرانه در انتظار واکسن موثر ابولا هستند، هنوز

روشن نیست کمک‌های انسان‌دوستانه کی به دست مردمی خواهد رسید که ارتباطشان با جهان پیرامون قطع شده و در معرض گرسنگی و تشنگی قرار دارند. سازمان‌های امدادی نسبت به تکرار غارت در بازارهای مونرویا هشدار می‌دهند.

شناسایی نفستین موراد

ابتلا به ابولا در خاک آمریکا

در ایالات متحده آمریکا نخستین مورد ابتلا به ابولا شناسایی شده است. یکی از بیماران بستری در کلینیک در دالاس احتمالاً در لیبیا به ابولا مبتلا شده و ممکن است افراد دیگری را نیز به ویروس ابولا مبتلا کرده باشد. بیش از سه هزار نفر در آفریقا جان خود را بر اثر ابتلا به ویروس ابولا از دست داده‌اند. این ویروس مرگبار حال به خاک ایالات متحده آمریکا نیز رسیده و نخستین مورد ابتلا به این بیماری در خاک آمریکا شناسایی شده است. به گفته توماس فریدن، مدیر مرکز دولتی مهار و پیش‌گیری بیماری در آمریکا، پزشکان این ویروس را در بدن مردی در ایالات تگزاس شناسایی کرده‌اند.

فریدن در یک کنفرانس خبری اظهار داشت که این بیمار از لیبیا به ایالات متحده سفر کرده و در زمان ورود به آمریکا، هیچ نشانه‌ای از ابتلا به ابولا در او دیده نشده است. **دنباله مطلب در صفحه ۳۲**



بابک رحیم زاده

Bobby Rahim

IRS Enrolled Agent



Personal & Business Federal & State Tax Return Filing

- Tax preparation (individual & Corporation)
- Specialized in "C," "S," & LLC Corporation
- Payroll taxes
- Monthly bookkeeping
- Tax Audit
- Accounting system & installation

- ♦ انجام کلیه امور حسابداری و حسابرسی
- ♦ رسیدگی به امور حقوق و دستمزد
- ♦ مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای افراد و موسسات تجاری

1900 Camden Ave, Suite 204
San Jose, CA 95124

www.BandRaccounting.com

(408)247-5626

(408)899-8727



حتی ژولیانوس امپراطور دانشمند رُم که از پیروان سرسخت میترا بود، به ایران لشکر کشید و یکی از علل لشکرکشی او به ایران این بود که می خواست سرزمین خدای خود مهر (میترا) را به دست آورد و وقتی به خاطر تعصب مسیحیان همراه خود در راه رسیدن به ایران کشته شد مشتی از خونی را که از پهلوی او جاری بود به سوی خورشید پرتاب کرد و گفت این فدیة ای است که من نثار خداوند خویش «میترا» می کنم.

این نهضت فکری ایرانیان با ظهور مسیحیت در اروپا کاملاً خاموش نشد و میراثی بزرگ از آداب و رسوم مهریان در جهان مسیحیت باقی گذاشت همچون عقاید دینی مربوط به بهشت و دوزخ و پل صراط و سرنوشت روح و حتی روز مقدس مسیحی یعنی یکشنبه که برابرست با Sunday یعنی روز خورشید و روز ۲۵ دسامبر جشن تولد مسیح که در واقع روز تولد «مهر» است و هم زمان با یلدای ایرانی است (یلدا شکل سُرّیانی کلمه میلاد عربی است که معادل واژه نوتل از ریشه Natalis رومی به معنی تولد است).

پیدایش مهرگان و آداب و رسوم مربوط به آن درباره پیدایش مهرگان روایات گوناگون است. «در آثار الباقیه بیرونی» این روز، روز پیروزی فریدون بر ضحاک ذکر شده است که فریدون به وسیله کاوه آهنگر بر ضحاک خونریز ستمگر پیروز شد و ضحاک را در کوه دماوند زندانی کرد و ملت را از شر او در امان داشت و آن روز را جشن گرفتند و مهرگان نامیدند، حمدالله مستوفی نیز در «تاریخ گزیده» همین سخن را ذکر کرده و روز شکست ضحاک و زندانی شدن او در کوه دماوند را مهرگان نامیده است.

از آن پس همچون فرشته ای در خدمت اهورامزدا ظاهر شد و در «مهریشت» و در سروده های کهن ایرانی، در اوستا، در قسمت «یشت ها» نیایشی بسیار زیبا برای مهر در دست است که قسمتی از آن را در اینجا نقل می کنیم:

سرود مهر:

مهر نگهدار پیمان است.
مهر و پیمان را نباید شکست، نه با راستی
پرست، نه با دروغ پرست.

مهر دارنده دشت های فراخ، اسب های تیزرو
می دهد به کسی که پیمان نشکنند
مهر نگهدار ایرانیان است.

مهر پیش از برآمدن خورشید تیز اسب،
آراسته به زینت های زرین خود بر زبرکوه
البرز بر می آید و سراسر خان و مان
ایرانیان را می نگرد.

در گردونه او هزار کمان، هزار تیر که پر
کرکس در آنها نشانده اند و ناوک زرین
دارند و هزار نیزه، هزار تبرزین، هزار خنجر،
هزار گرزه آهنین نهاده شده که به تندی به
سوی پیمان شکنان روان می گردند.

آیین مهر با گسترش قلمرو هخامنشی به
سرزمین های دیگر راه پیدا کرد و در
سده اول میلادی به رم راه یافت و اندک
اندک تمام اروپای غربی و کرانه های
دریای سیاه را فرا گرفت و مردم گروه
گروه به این آیین اخلاق و جوانمردی
و امید پیوستند و امروز بر اثر کاوش
های باستانشناسی پرستشگاههای مهر
(میترا) را در سراسر اروپا و سرزمین
های مجاور می بینیم که بسیاری از
کلیساهای بزرگ اروپا بر روی آنها
بنا شده است و به ویژه در رم اثر این
ایزد بزرگ ایرانی دیده می شود. پس
از این که امپراطوران بزرگ رُم این
آیین را پذیرفتند. آیین مهرپرستی به
سرعت در سراسر اروپا منتشر شد و



مهرگان

مربوط به اقوام میتانی است که حدود ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در آسیای کوچک حکومت می کردند و در کتیبه هایی که از این اقوام در سال ۱۹۰۸ در یُغاز کوی به دست آمده نام مهر به عنوان نگهبان و حامی عهد و پیمان به کاررفته است و مهر پشتیبان عهد نامه ای است که بین هیتانیان و میتانیان بسته شده است. نام مهر در کتیبه های شاهان هخامنشی بارها برده شده است. هخامنشیان «مهر» را بسیار گرامی می داشتند و در مهرماه این جشن را در تخت جمشید باشکوه زیاد برگزار می کردند. پس از ظهور زرتشت مقام خدایی مهر کاهش پذیرفت و زرتشت کوشش کرد تا چند خدایی را به یکتا پرستی و پرستش اهورا مزدا تبدیل کند گرچه مهر از مقام خدایی پائین آمد اما با ستایش و احترام فراوان

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان مهر بغزای ای نگار مهرچهر مهربان ایرانیان دو جشن بزرگ ملی و کهن سال دارند. یکی نوروز است که در اول فروردین ماه و هنگام تعادل بهاری برگزار می شود و دیگری مهرگان است که در هنگام تعادل پائیزی و در نیمه سال برگزار می گردد. جشن مهرگان به مناسبت تعلق به فرشته مهر و نیز به علت این که در هنگام برداشت محصول برپا می شد از اهمیت خاصی برخوردار بود همچنین به مناسبت برابری مهر روز با نام ماه مهر نیز این روز را جشن می گرفتند فرشته مهر که این جشن به او تعلق دارد در ایران سابقه ای چند هزار ساله دارد. مهر در دورانی که هند و اروپائیان باهم می زیستند یکی از خدایان آنان بود و قدیم ترین اثری که از مهر در دست است

حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Hamid Abtahi



منطقه
منطقه
منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات
در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله
می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

Location! Location! Location!

Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com ♦ DRE# 01071456



(408)-366-2180 ♦ (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070



دفتر خدمات حقوقی ایران وکیل

با مدیریت رامین کرم ویسی
وکیل پایه یک دادگستری ایران

♦ انجام کلیه خدمات کنسولی و امور حقوقی در
دادگاههای ایران ♦ اخذ شناسنامه، کارت ملی، گذرنامه
و ویزای آمریکا ♦ تنظیم انواع قرارداد و وکالتنامه

♦ حقوق بازنشستگی، امور خانوادگی، طلاق، مهریه ♦ انحصار وراثت
و مطالبه سهم الارث ♦ رفع تصرف و تخلیه املاک و فروش ملک در ایران
www.govakil.com ♦ Raminkaramveysi@yahoo.com

دفتر تهران: ۰۲۱-۶۶۹۰-۷۰۷۸

Office: (408)664-8375 ♦ Cell: (408)831-8057

1604 Blossom Hill Rd., Suite D, San Jose CA 95124

کم آبی بیسابقه در ایران: اخطار مسئولان به مردم

در تاریخ معاصر ایران و حتی در دوره‌های خشکسالی، این سرزمین هیچگاه تا بدین اندازه دچار کم آبی نبوده است. اوضاع واقعاً وحشتناک است؛ نه تعارفی در کار است و نه مبالغه‌ای. آب برخی سدها کاملاً ته کشیده، بقیه هم آب اندکی در بساط دارند. از بارندگی قریب الوقوع هم نشانه‌ای در دست نیست.

عصرایران: جعفر محمدی: در تاریخ هزاران ساله ایران و حتی در دوره‌های خشکسالی، این سرزمین هیچگاه تا بدین اندازه دچار کم آبی نبوده است.

اوضاع واقعاً وحشتناک است؛ نه تعارفی در کار است و نه مبالغه‌ای. آب برخی سدها کاملاً ته کشیده، بقیه هم آب اندکی در بساط دارند. از بارندگی قریب الوقوع هم نشانه‌ای در دست نیست.

بدتر از وضعیت آب سدها، که مقابل چشم‌ای دیده می‌شوند، وضعیت آب‌های زیر زمینی است که روز به روز ته می‌کشند و پایین‌تر می‌روند. آب‌های زیر زمینی دو نوع اند: «ذخایر استاتیک و ذخایر دینامیک».

ذخایر استاتیک، آب‌هایی هستند که در دل زمین طی سالیان دراز جمع می‌شوند و پشتوانه آبی کشورند (مانند ذخایر طلا که پشتوانه پول ملی هستند) و

حاضر آن را خواهد دید. در چنین شرایط اسفناکی که زندگی جمعی همه ما در خطر است، اتخاذ سیاست آبی مناسب با وضعیت اضطراری کنونی، از الزامات حیاتی است.

به نظر می‌رسد قوای حکومتی و مشخصاً دولت باید یک راهبرد ملی مبتنی بر چند اصل زیر را مد نظر قرار دهد چرا که بی آبی و تشنگی عمومی به سرعت پیش می‌آید:

۱- انتقال هر چه سریع‌تر صنایع آب بر از مناطق مرکزی و کم آب کشور به



این است که برداشت از منابع زیر زمینی به ذخایر استاتیک رسیده است. این مانند آن است که کشوری به حدی فقیر شود که گنجینه‌های ملی و پشتوانه‌های

سواحل جنوب، یکی از مهم‌ترین کارهایی است که باید انجام شود. به عنوان مثال هم اکنون مردم استان‌های مرکزی کشور درگیر مشکل کم آبی هستند و بحث انتقال آب از استان‌های دیگر به این مناطق، محل یک منازعه ملی است و حتی نمایندگان استان‌های مختلف در مجلس را نیز رو در

روی هم قرار داده است. حال چه نیازی است که صنایعی مانند فولاد که آب بسیاری مصرف می‌کنند در نقاط کویری و کم آب کشور باشند؟ شاید گفته شود که اشتغالزایی دارد ولی واقعیت این است که بیش از اشتغالزایی، اشتغال زدایی دارند زیرا با مصرف بی رویه منابع آب، کشاورزی و دامپروری منطقه را به خطر می‌اندازند و مشاغل بسیاری را در این حوزه از بین می‌برند.

گزارش‌های متعددی وجود دارد که برای این که برخی صنایع کار کنند، دهها چاه عمیق اختصاصی برایشان حفر شده است و این چاه‌ها، آب منطقه را می‌خورند و کشاورزان را به خاک سیاه می‌نشانند. اساساً با توجه به این که ایران کشور کم آبی است، راه اندازی صنایع آب بر توجیه اقتصادی ندارد مگر این که در مجاورت آب‌های آزاد باشد که البته آن هم مسائل و هزینه‌های خاص خود - از جمله شیرین‌سازی صنعتی آب دریا - را دارد. در ضمن می‌توان با فناوری‌های بازگردانی آب مصرفی، بخشی از نیاز صنایع را از فاضلاب‌های تجدید پذیر تأمین کرد که با توجه به این که این فناوری در ایران جدی گرفته نشده است، این قضیه هم عملاً منتفی است.

دنباله مطلب در صفحه ۵۳

نسرین حسینی

طراح و مشاور دکوراسیون داخلی

عضو انجمن طراحان داخلی آمریکا

Interior Designer-ASID Member
Home, Staging, Remodeling, Interior Design



من با در اختیار داشتن کادری مجرب و متخصص و با استفاده از جدیدترین متدها و استانداردهای روز دنیا و با هدف ارائه خدمات حرفه‌ای در زمینه مشاوره، طراحی و اجرای دکوراسیون داخلی، موفق شده گامی مؤثر در راستای صرفه جویی در هزینه و زمان برداشته تا آنچه را که در رویاهای شما پنهان است، هستی در کمترین زمان و مناسب ترین قیمت در محیط کار و منزل شما اجرا نمایم.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با من تماس حاصل فرمایید!

www.Luxorinterior.com Nasrin@luxorinterior.com

(408) 800-2151

دکتر فتانه هوشداران

کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.



Fataneh Hooshdaran, D.C.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی‌های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته‌ترین وسایل پزشکی

سر درد + رماتیسم + دیسک + شانه و زانو درد + دردهای عصبی + دردهای گردن + دردهای کمر + دردهای دست



مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و

ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

اکثر بیمه‌های درمانی پذیرفته می‌شود Serving: San Jose & Santa Clara

(408) 712-3788

1610 Blossom Hill Rd., Suite #1
San Jose, CA 95124

(408) 244-7677

2797 Park Ave., Suite #103
Santa Clara, CA 95050

ورزش از نگاه من

دکتر احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com



آقای دانی را برکنار و به جای ایشان آقای حمید درخشان را که دوسالی بود در هیچ تیمی نبود روی نیمکت داغ پرسپولیس نشانند. آقای رحیمی مدیر عامل باشگاه که سخت پشت سر علی دانی ایستاده است از آقای کله طاس می پرسد «من مدیرعامل هستم یا شما؟! من باید علی دانی را برکنار کنم یا شما؟! اگر شما از وزیر ورزش خطا میگیرید، من فقط متاسفم چون شما فقط پول دارید و من خدا را».

در تمرین پرسپولیس هر دو سرمربی ظاهر می شوند. آقای دانی در حالیکه روی نیمکت نشسته است دستپاراش پیروانی را هم همراه خود دارد. عده ائی فریاد می زند «دانی حیا کن، پرسپولیس را رها کن». او سرش را تکان می دهد. آیا فراموش کرده است که از کجا آمده و چگونه به قدرت رسیده است!! او اغلب کارهایش بسیار پیچیده است و اغلب همه را کلافه و نگران می کند و این به خاطر این است که مردی که پشت سر پرسپولیس ایستاده است مردی است که خود از همه پیچیده تر است و به آسانی به کسی باج نمی دهد. خیلی ها او را یک آدم مشکوک کله تخم مرغی می دانند، اما قضاوت تاریخ نسبت به او تا قیام قیامت تغییری نخواهد کرد و او آقای گل جهان است و بیشتر از هرمهاجمی در دنیا گل زده است. در صحبت های او صداقت به چشم می خورد. با توجه به کلمات او در صحبت هایش می توان گفت گرچه او تحصیل کرده و مهندس است، اما فرصت زیادی برای مطالعه ادبیات نداشته است. تسبیح دستی او خیلی ها را به خنده می اندازد. درست مثل ورد خواندنش. او هرگز گوش خوبی برای شنیدن ندارد. او می گوید باید یک کاغذ به من بدهند که مرا اخراج کرده اند. او در سخن خود از هیچ لفظ مبالغه آمیز و تعارفی استفاده نمی کند. پوپولیسیم یا عوام فریبی در سخنان آقای پولدار کله طاس آقای (سیاسی) تا ناف استخوان شما را می سوزاند.

در برنامه دوشنبه شب نود، علی دانی با تلفن به سئوالات عادل فردوسی پور جواب می دهد و به احمدی نژاد و دولت او در زمانی که او مربی تیم ملی بوده است می تازد. ناگهان آقای مایلی کهن هم روی خط تلفن ظاهر می شود. او با لحنی صحبت می کند که همه شوک می شوند. فردوسی پور را کی روشی پور خطاب می کند به این

در ورزش ما همه سروصداها از تهران میآید. گرچه تهران، تهرانی نیست که ما ترکش کرده ایم. شهری که ایستاده است با آپارتمان هائی که در مساحت های کوچک سر به فلک کشیده اند، جا برای پارک کردن ماشین نیست و پارکینگ وجود ندارد. ماشین های رنگارنگ تمامی فضای خیابان ها را پوشانده اند، حرکت به کندی صورت می گیرد. اگر از بالا به خیابان ها نگاه کنید فکر می کنید که در تمامی سطح خیابان پارک کرده اند و بزرگ راه های پیچ در پیچ هیچ مشکلی را حل نکرده است. خیابان ها با نام های تازه، تاکسی های فرسوده و پیرمردهایی که در روزهای بازنشستگی راننده آنها هستند و در داخل ماشینشان بدون توجه به مسافرها سیگار می کشند و به ترافیک سنگین عادت کرده اند. آنها پانزده، شانزده ساعت کار می کنند، اغلب ماشین های شخصی هم برای گذران زندگی مسافرکشی می کنند، اما فقط دربیست. اغلب آنها با کنجکاری به شما نگاه می کنند و اگر به شما اعتماد کنند خرسند می شوند که سرد دل را باز کنند. اما این همه قضیه نیست، آنها برنامه ۹۰ آقای فردوسی پور را می بینند. این برنامه ترافیک تهران را خلوت می کند، درست مثل زمان مراد برقی آقای کاردان. بحث داغ این روزها نه امضاء کردن قرارداد توسط آقای کیروش است نه پیروزی های پی در پی تیم ملی والیبالی که جای تحسین بسیار دارد و نه پیروزی حمید سوریان برای دریافت هفتمین مدال طلای جهانی که حالا تعداد مدال های طلاش از آقای عبدالله موحد، اسطوره سال های گذشته، بیشتر شده است. چرا که موحد شش مدال طلای جهانی و المپیک دارد و حمید سورمان هفت طلای جهانی و المپیک دارد. آیا در یک دنیای سالم حق او نبود که در برنامه نود باشد؟!

حتی می شد سلطان علی پروین را نشان داد که در صف انتظار ملاقات آقای خامنه ای برای ورود به بیمارستان بود، یا شکست تیم ملی امید به ویتنام با چهار گل. اما آقای فردوسی پور ترجیح میدهد به مساله آقای علی دانی - رحیمی بپردازد. در ماه گذشته آقای دانی بعد از باخت سه به یک در تهران و در برابر تراکتورسازی از کار برکنار شد. ظاهراً رئیس هیات مدیره که یک آقای کله طاس پولدار است

و مایلی کهن نمونه ای از آنهاست، او اغلب حرف های بی خون و مرده را تکرار می کند. سالها چه زود گذشته اند و بر سر دانشجوی تربیت بدنی ما چه آمده است! برآستی در جنگلی که آقای پروین در صف دیدار آقای خامنه ای ایستاده است جای همکارش مایلی کهن کجاست. آنها چنان به فوتبال دل بسته اند که گوئی آنرا ارث پدر خود می دانند. به گفتن نیازی نیست که نه تنها در ورزش ما باوجود همه تحصیل کرده های ریز و درشت، علمی وجود ندارد بلکه علم کاذب و مدارک زینتی است و اغلب نظریه های کاذب برای چیزی که نمی دانند این ورزش ما را به چنین ورشکستگی اخلاقی کشانده است. بسیاری از این آدم ها قبل از اینکه فوتبال به آنها نیاز داشته باشد آنها به فوتبال نیاز دارند تا بتوانند صاحب شغلی باشند. آیا مشکل ما مشکل همه کشورهای جهان سومی است. عدم مدیریت و عدم آگاهی و خودخواهی همه را بجان هم می اندازد چرا که در ویروس های ایدئولوژیکی همه دوست دارند سهمی داشته باشند و در ضیافت موفقیت همه سینه ستبر می کنند اما به هنگام شکست همه دوست دارند آنرا به گردن دیگری بیاورند.

معنی که او حامی کی روش است. سرو صدای او سبب می شود تا مردم دعوی علی دانی و وزارت ورزش را فراموش کنند. در نهایت فردوسی پور می خواهد که مایلی کهن آرام تر باشد. در برهوت بی حریف روزگار مایلی کهن از زمین و زمان گله می کند و مبارز می طلبد. او فراموش کرده است که وقتی مربی تیم ملی بوده است بر نیمکتی می نشسته که حسن حبیبی قبل از او نشسته بوده است. او عقاید بدون مفهوم و بی منطقی را طرح می کند. کشتی بدون لنگری از تضادها که به صخره ها می خورد و می شکند. او همه روزنه هائی را که ممکن است به راه حلی گشوده شوند می بندد. آیا برآستی من هنوز هم غیرحرفه ای و Amateur مانده ام. باید دریافت آگاهی و تجربه کجا به هم می رسند یا باهم تلاقی می کنند و کامل می شوند. ویروس های ایده لوژیکی در هوا پراکنده اند. بازیکنان دوست دارند بحث کنند، در اتوبوس، قبل از تمرین، در حین تمرین، در اطاق کنفرانس و باید گفت بچه ها بس است.

من اغلب از تقسیم بندهای افقی و عمودی و شکاف ها بیزارم و سعی می کنم آنها را متحد کنم. بسیاری از مربیان به شکیبائی بیشتری نیاز دارند

دنباله مطلب در صفحه ۰۶



لیلی و شاهین

مشاوران املاک

DOMINE GROUP

Residential & Commercials



**We charge only 4.5%
total commission to sell your
house including complimentary
Staging & Videography**

دست خود را در دستان ما بگذارید و با اطمینان کامل قدم به عرصه خرید و فروش ملک بنمائید. ما معاملات «آس» مارکت را یافته و در اختیاران قرار می دهیم. ما شما را از آخرین وضعیت املاک در مارکت کنونی مطلع می نمائیم.

تنها با یک تماس تلفنی می توانید از آنها آگاه شوید!

Lilly: (408)761-7499 Shawn: (408)916-8665

BRE#01506610 BRE# 01952057

Email: lillyyazrealty@gmail.com

3194 De La Cruz Blvd., # 10, Santa Clara, CA, 95054

چه کسی فوتبال دنیا را روی انگشتش می چرخاند؟

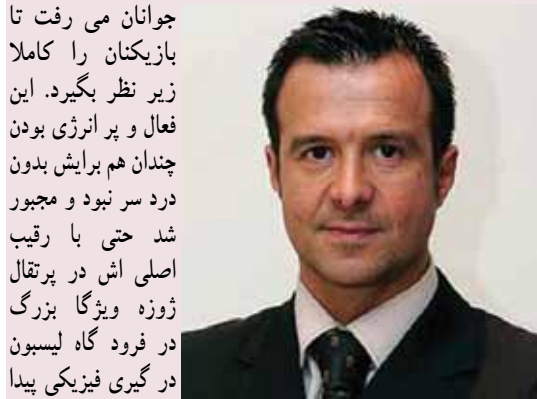
خسرو خرم

به نظر بعضی ها فوتبال دنیا را سبب بالاتر و میشل پلاتینی روسای فیفا و یوفا می چرخاند. عده ای دیگر با این نظر موافق نیستند و می گویند مسئولان باشگاه هائی همچون پرز (رنال مادرید)، آبرامویچ (چلسی)، برلوسکونی (میلان)، موراتی (اینتر میلان) و شیخ منصور (منچستر سیتی) حاکمان واقعی دنیای فوتبال هستند. گروه سوم عقیده دارند که افرادی همچون مسی، رونالدو، گواردیولا، مورینیو، فرگوسن و بکن بانر فوتبال دنیا را در چنگ خود دارند. ولی یک اسم هست که نمی شود به هیچ وجه از او گذشت و آنهم ژرژ مندس (Jorge Mendes) مدیر ۴۸ ساله پرتغالی است که دنیای اصلی فوتبال یعنی بهترین بازیکنان و مربیان را در اختیار خود دارد. آنها (مدیران برنامه های بازیکنان و مربیان)، نه بازی می کنند، نه کسی را تمرین می دهند و نه برای باشگاه ها پول تهیه میکنند ولی در دنیای فوتبال آقائی می کنند.

این لیسونیائی (پرتغال) که اسم کاملش ژرژ پائلو آگوستینو مندس که از ۳۰ سالگی وارد این شغل شده و بزرگان آنرا یکی یکی حذف نموده است. شغل های زیادی را امتحان نمود از دی-جی گرفته تا مالک نایت کلاب بودن. پدرش یک کارمند ساده دولت بود و مادرش خانه دار. همیشه دوست داشت که متوسط نباشد، می گویند که روز دوشنبه یک تجارتهای را راه می انداخت و در یک شنبه همان هفته با سود خوب می فروختش! علاقه زیادی

زیادی به خاطر توانائی های او بدست آورد. او پورتوییها را با سیستم "ارزان بخر- و گران بفروش" آشنا کرد. در این اواخر بخاطر اختلافات با پورتو به سمت بنفیکا متمایل شده است. مندس کارآگاه هایی دارد که در هنگام لزوم به او کمک می کنند. حتی می گویند که گواردیولا و زوبیزارا را شنود می کرده و از بازیکنان مورد علاقه آنها با خبر می شده است!

می گویند که یک بیزینس واقعی است، میاد تو خونت به بهانه این که قاشق بفروشد آخرش می فهمی که کل آشپزخانه را فروخته!



خیلی زود متوجه شد که فوتبالیست بزرگی نخواهد شد تا این که ۱۸ سال قبل با "نونیا" در بار خودش آشنا شد و او را توانست قانع کند که به کمک همدیگر از ویتوریا گیمارش به دپورتیو لاکرونیا ترانسفر شود.

او وارد یک کار بدون بازگشت شده بود. ترانسفرهای دیگر از راه رسیدند، ژرژ آندراد و اوگا ویژانه را که در

کند که گویا کتک خوبی هم نوش جان کرده بود. ژوزه ویژگا در همان زمان مدیر برنامه لوئیس فیگو بزرگ بود. ژرژ مندس تازاندان به سوی قلعه را فرا گرفته بود و موفق شد که مدیر برنامه بازیکنانی نظیر کریستیانو رونالدو و ریکاردو کوارژم شود.

اوچش در سال ۲۰۰۴ بود که توانست مورینیو را از چنگ ژوزه بایدک درآورد!

دنباله مطلب در صفحه ۵۰



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴(۴۰۸)

شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما

کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com



(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

چند دهه به هم گره بخورند و از ترکیب نو و کهنه، مسایل جدیدی را مطرح سازند. فیلم صرفاً روی «کنفرانس تهران» تکیه نمی کند و سعی دارد به جریانات پشت پرده و جاسوسانی که پنهانی در حال جنگ و ستیز باهم بودند و همین منجر به عدم توفیق ترور سران سه کشور بزرگ شد بیشتر توجه کند.

«تهران ۴۳» بار دیگر این پرسش را پیش می آورد که چرا فیلمسازان ایرانی درباره حوادث تاریخی و معاصر خود فیلمی نمی سازند. حوادثی نظیر «کنفرانس تهران» و هزاران ماجرای دیگر که در صد سال اخیر در ایران رخ داده آنان را درگیر سانسور و جو سیاسی روز که دلیل اصلی آنان است، نمی کند؛ ماجراهایی که در گذشته اتفاق افتاده و به تاریخ پیوسته است. در نتیجه بهانه بی نیست اگر همتی در این مورد نمی شود. بارها دیده ایم که خارجیان این کار را انجام داده اند که جای تاسف است، به ویژه که دید و نظر آنها طبعاً متوجه مقاصد خاص کشور هایشان است که باید این جای خالی را فیلمسازان ایرانی پر کنند. «تهران ۴۳» فیلمی ست دیدنی، به یاد ماندنی و تاریخی که دیدنش حتی پس از سه دهه تماشایی است.

رود و یکی از نخستین فیلم های مشترک و پرخرج خود را درباره فصلی از جنگ جهانی دوم با سبک و شیوه بی که فیلم های روسی به آن شهرت داشتند عرضه می کند.

فضا سازی، فیلمبرداری و مکان هایی که برای فیلم انتخاب شده، کلا در توفیق فیلم موثر است و مجموعاً از کلیه جهات تکنیکی و تهیه از بهترین های زمان استفاده برده که آن را دیدنی و قابل پذیرش می سازد، حتی پس از سی سال. این فیلم گرچه در زمانی که جنگ سرد هم چنان رواج داشت و فیلم های جاسوسی در اوج بودند، به خاطر حقیقتی بودن حوادث و شخصیت هایش، از حلقه فیلم های مشابه بیرون می رود ولی سعی دارد ضمن نمایش بخشی از تاریخ معاصر، تماشاچی را تا حد مقدور سرگرم کند.

نگاهی دوباره به اتفاقاتی که در زمان حوادث انتهایی فیلم رخ می دهد، تماشاچی را با چالش های جدید (هوایما ربایی، ترورهای خیابانی...) آشنا می سازد که گرچه امروز چنین اتفاقاتی (به خاطر تکرارشان) برای همگان عادی شده، اما در زمان خود توجه به مسایل جهانی را مدنظر داشت که چگونه جریانات سیاسی و تاریخی می توانند حتی پس از گذشت

«الن دلون» و «کنفرانس تهران»!

سعید شفا



کنندگان فیلم هم هست. «الن دلون» هنرپیشه معروف فرانسوی به عهده دارد و نقش مهم دیگر را یازیگر آلمانی «کورت یورگینز» که ضمناً این آخرین فیلم او

در طول جنگ جهانی دوم، زمانی که آلمان نازی و هیتلر دنیا را به لرزه انداخته بودند، سران سه کشور شوروی (استالین)، آمریکا (روزولت) و انگلیس (چرچیل)



پیش از مرگش هست بازی می کنند. موسیقی متن فیلم توسط «ژرژ گارواتز» آهنگساز ارمنی نوشته و با همکاری «شارل آزناوور» خواننده معروف فرانسوی اجرا شده است که از زیبایی خاصی برخوردار است که تا مدت ها ذهن تماشاچی را مشغول نگه می دارد.

فیلم به خاطر محتوای تاریخی و پیچیده اش از حد فیلم های معمولی طولانی تر (۱۴۵ دقیقه) است. اما این نخستین فیلم پر خرج سینمای شوروی تا زمان تهیه اش محسوب می شود که در سال ۱۹۸۱ جایزه بی نیز در جشنواره فیلم مسکو نصیبش شد.

داستان فیلم از دو بخش تشکیل می شود. بخش سیاسی آن که طرح ترور سران متفقین در کنفرانس تهران است، و بخش دوم، رابطه عاشقانه میان دو جاسوس روسی و فرانسوی است در این ماجرا که از تهران آغاز و به پاریس ادامه پیدا می کند. فیلم توسط دو نفر کارگردانی شده (الکساندرالوف، ولادمیرناموف) که فیلمنامه فیلم را هم نوشته اند.

سینمای شوروی تا پیش از این فیلم، موضوع اکثر فیلم هایش پیرامون جنگ جهانی و مسایل داخلی دور می زد، هر چند این فیلم هم چندان از این حیطه دور نیست و جنگ باز هسته اصلی فیلم است، اما چون چند کشور دیگر هم با آن همکاری دارند بالطبع از این فضا فراتر می

برای مقابله و سرکوبی هیتلر تصمیم گرفتند در سال ۱۹۴۳ در کنفرانسی در تهران گرد هم آیند. در مقابل، هیتلر نیز برای بهره گیری از موقعیت، طرح ترور این سه تن را ریخت و کسانی را مامور کرد تا در تهران این نقشه را به مرحله عمل در آورند.

سالها بعد، در دهه ۱۹۷۰، جاسوسی که مامور خنثی ساختن این نقشه بود به پاریس اعزام می شود تا کسانی را که مامور اجرای این طرح بودند و بعد از عدم موفقیت ماموریت شان ناپدید شدند پیدا کند.

«تهران ۴۳» شاید تنها فیلمی باشد که براساس، ماجراهای واقعی، درباره «کنفرانس تهران» و جریانات پشت پرده آن توسط روس ها و فرانسوی ها در سال ۱۹۸۰ ساخته شده است.

از آن جا که ماجرا در تهران اتفاق می افتد، بالطبع بخش عظیمی از آن باید در ایران فیلمبرداری می شد اما چون شروع فیلمبرداری، در سال ۱۹۷۹، به انقلاب اسلامی ایران برخورد کرد، فیلمبرداری آن به باکو و خاک شوروی تغییر مکان داد و مجبور شدند دکور صحنه های ایران را آنجا دوباره سازی کنند و از فارسی زبان هایی که در خاک شوروی زندگی می کردند به عنوان سیاهی لشکر استفاده کنند.

نقش اصلی فیلم را که یکی از تهیه

اردشیر وثوقی

کارشناس و مشاور در امور
فرید و فروش ساختمان های
مسکونی و تجاری

Find Your Happy Home



Ardeshir Vosoghi
Realtor

حجت مشاوره رایگان لطفاً با من تماس بگیرید!

(408) 342-3160

rdvhomes.com ♦ avosoghi@interorealestate.com

10275 N. De Anza Boulevard, Cupertino, CA 95014

'Your neighborhood
is my neighborhood'



احساسی وجود داشت لاید تو وجود قلق و سنگ و کلوخ بود. آقا مختار کلافه شده بود. از عز و جز من به تنگ اومده بود و عرق خراشیدگی های گردنش می سوزوند. این بود که نهیب زد: وایسا ولد زنا! این بار با موفقیت از چنگش فرار کردم. خوب وقتی چیزی نداشته باشی که بتونن ببرن، کسی خودشو برات خسته نمی کنه. اما مشکل که فقط خود قلق نبود. از مامان هم می ترسیدم. مسلما خیلی پخمه بودم که یه قلقو یه ساعت نتونسته بودم نگه دارم. این شرم آور بود و مستوجب یه تو گوشه ابدار و خدا می دونه چه عواقب دیگه ای. اون جور که من سرکوچه ایستاده بودم و به عاقبت خودم فکر می کردم و زار می زدم هیچ حاجتمندی سرقبر آقا گریه نمی کرد. احساساتی مثل ترس، شرم، خسران، غم و هزار چیز دیگه تو دلم رخت می شستن. واقعا آخر دنیا بود. حالا که کسی دلش به حال من نمی سوخت چه کار باید می کردم؟

صدای زنی با لهجه ترکی از پشت سر گفت: آگا هادی، چرا جیریه می کونی؟ گولک شوما کوچاست؟ مامان مری بود. مشک چشمم پاره شد. حق امان نمی داد که دردمو بگم.

و دوتا دگمه ام که کنده شده بود و سر و گردن آقا مختار با خراش هایی از ناخن های من. او جنگ رو برده بود و مثل یه نظامی پیروز با قلق من در دست که غنیمت جنگیش بود به سرعت میدون نبرد رو ترک کرد و به سمت مغازه برگشت و من که بازنده بودم تنها امیدم گریه و ضجه بود اما مگه می شه طرف پیروز با گریه از سهم خودش دست برداره. آقا مختار راه می رفت و من دنبالش می دویدم و به تصویر کج و کوله اش که انگار از پشت یه لیوان آب دیده می شد التماس می کردم. به تمام موجودات مقدس قسمش می دادم که دلش نرم بشه اما نمی شد. دلی که همه اش گرسنگی کشیده باشه کجا نرم می شه؟ پای چهارتا امامی رو که می شناختم وسط کشیدم اما وقتی قیمت یه قلق هشت هزار باشه امام چه کاره است. آخه به همین سادگی؟ کی باور می کنه یه قلقو هشت هزار بخری و همون بقال روز روشن از چنگت درش بیاره و فریادرسی نباشه؟ دقیقه ای بعد قلق نازنین من جلوی چشمم که کاسه خون شده بود به میون هم نوعانش تو جعبه برگشت. مطمئن بودم که قلق هم داره گریه می کنه.

طبیعی بود که اون منو به آقا مختار ترجیح بده. آدم ها که حس نداشتن پس اگر



قلک روی بخاری (بخش آخر)

از تمام دنیا فقط در چوبی سبز خونه مونو می دیدم که بالا پائین می پرید و نزدیک و نزدیکتر می شد. اما نه به اون سرعتی که من نیاز داشتم. یاهای لقی تقوی من کجا و لنگ شتری آقا مختار کجا فقط چند متر به در خونه مونده بود. مثل دونه ای بودم که به خط پایان نزدیک می شه اما همیشه این چند متر آخر تمام آرزوها رو به باد میده. دست خرکی آقا مختار که انشاء الله کفچه گدایی بشه پس گردنمو محکم گرفت و مثل موش از زمین بلندم کرد.

در یه لحظه خودم یه هوا رفتم و آرزو هام به زمین اومدن. واقعا که عمر خوشبختی چه قدر کوتاهه. دنیا حتی یه قلق خالی رو هم به ما ندید وای به این که پُرش می کردم. بدبخت که باشی همه اش باید پس گردنی بخوری. چه از ننه بابا، چه از برادر بزرگتر، چه از آقا مختار، چه از معلم و ناظم و وزیر و وکیل و کله گنده ترهاش. سواي این که آدم های بدبخت خود شونم تو سر همدیگه می زنن و برای تنوری که توش کسانی مثل خودشونو می سوزونن تاپاله فراهم می کنن. وقتی میون زمین و هوا تو چنگال اون شیردرنده دست و پا می زدم اشک تو چشمم حلقه زده بود. با امید به باز شدن اون در چوبی لعنتی مبارزه و مقاومت می کردم. اما زور خوابیده می زدم. یه بچه آهو کی از چنگ یه غول بیابونی راه خلاصی داره؟ مامان که ۲۴ ساعته مثل همه زن های محل تمام کوچه رو از لای در زیر چشم داشت انگار یه لقمه نون شده بود و سگ خورده بودش. گوش هایی که از تیزی از داخل خونه همه حوادث کوچه رو رصد می کرد یه بارکی کر شده بود. فقط وقتی شلوارمونو گلی می کردیم به موقع سر می رسید که جارو قزوینی تو سرمون بکوبه. همه جا خاک مرده پاشیده بودن. از قبرستون صدا در میومد از خونه ما صدایی نمی اومد. قلقو چنان چسبیده بودم که انگار انگکشتام مثل موم رفته بودن توش. باید دستمو می بُریدن که بتونن از من جداش کنن. آخه مال من بود. قلق من بود. من که مال کسی رو نبرده بودم. دزد نبودم. از دیوار کسی بالا نرفته بودم. مال من بود. مال خودم. بعد از نود و بوقی دری

به تخته خورده بود و مامان بزرگم برام خریده بود. حق من بود. پول من بود. هشت هزار. دیگه محال بود بتونم همچین پولی جور کنم. کی حاضر بود به یه آدم پخمه هشت هزار پول بی زبون بده که یه ساعته شوهرش بده. ظلم به این آشکاری. این درد و کجا باید برد. نه. حق نداری. نمیدم. من که شکم سیر نیستم. توی دست و بالم نریخته. چرا باید دستی رو که همیشه تو جوی پر از لجن سیاه و کرم گذاشته دنبال یه قرونی زنگ زده و میخ و واشر و هرچیز زنگ زده دیگه می گشت بگیرن و با زور بیچونن تا یه دلخوشی هشت هزار یوازش بیرون بکشن. من که سال بیاد ماه بره کسی برام چیزی نمی خره. مگه الکیه. فکر کردی شهر هرته؟ به همین راحتی؟ تو یه کاره جرأت داری یه بچه اعیانو این جور از زمین بلند کنی که انگار میخوای یه قناره آویزون کنی؟ تخم داری بچه یه آدم کت شلوار یوازی این جور بجزونی؟ بچه صغیر گیر آوردی؟ ای خدا! مامان بزرگ، مامان، هاشم. خداتونو شکر. کجائین؟ آخه چرا من؟ چرا قلق من؟ نه. آگه جونم بره این قلق نمیره. من بچه همون مامانم که از یه محل حساب می کنه. آگه شده میشکنمش اما به این سگ پدر نمیدم.

چنان تو چنگال اون سنسناس پیچ و تاب می خوردم و فحش های چارواداری می دادم که اشک و عرق و آب دهنم به هم آمیخته بود. مبارزه بود. جنگ! اولین جنگ زندگیم به خاطر اولین مالکیت. خون و خونریزی بود. مگه می شه حق مسلم تو رو یکی دیگه صرفا به خاطر بازوی قوی تر بگیره؟ آخه حتی وجود داره. و عدالتی. آخه کسی باید صدای آدمو بشنوه. اما ظاهرا نه عدالتی بود و نه کسی فریاد حق رو می شنید. بازوی قوی، پنجه ضعیف رو به راحتی باز می کنه و کسی نمی گه خرت به چند. قلق از دست من دراومد. این آقا مختار بود که پیروز این جنگ نابرابر شد. قلقو از دست من بیرون کشید و با خودش برد مثل این که قلب منو از سینه بیرون کشیده و برده باشه. حاصل اون کشاکش و تعقیب و گریز، خونی بود که از گوشه لب من می ریخت

Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی
لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

- دریافت حقوق و مزایای دولتی
- دریافت حقوق پرستاری
- اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط
- دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی
- اخذ ویزای نامزدی
- مدیکر و مدیکل، SSI
- گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی
- تنظیم اوراق مربوط به دفتر حفاظت منافع ایران در آمریکا

(408)269-7283

lida.taxesavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

آهو چشمی که هر زمانی
کشتی به کرشمه ای جهانی
ماه عربی به رخ نمودن
ترک عجمی بدل ربودن
در هر دلی از هواس میلی
گیسوش چو لیل و نام «لیلی»
قیس عامری در همان مکتب و در محضر
درس استاد به لیلی دل باخت و بین
آن دو میثاق عشق بسته شد. لیلی دل
به عشق مجنون سپرد و بذر عشق در
دلشان کاشته گردید و طولی نکشید که
به نهالی برومند مبدل شد.
یاران بحساب علم خوانی
ایشان بحساب مهربانی
یاران سخن از لغت سرشتند
ایشان لغتی دگر نوشتند
یاران ورقی ز علم خواندند
ایشان نفسی به عشق راندند
یاران بشمار بیش بودند
و ایشان بشمار خویش بودند
دیری نپائید که داستان عشق و دلدادگی
آن دو برملا گردید. شرار محبت هستی
آن دو دلداده را به آتش کشید. گفته اند
که هرکجا عشق خیمه می زند، عقل ره
می سپرد و هرجا عقل ره سپرد غم و
محنت و پریشانی آغاز می گردد.
مدتی تلاش بسیار کردند که این
راز مخفی بماند و با صبر و شکیبایی
کوشیدند تا عشق دیرین را با سکوت و
آزرم بیوشند اما
در عشق شکیب کی کند سود
خورشید به گل نشاید اندود
می گشت به گرد کوی و بازار
در دیده سرشگ و در دل آزار
قیس در فراق یار چنان دامن شکیبایی از
دست داد و جامه از هم درید که سرتا به
پا شکل و شمایل و حالات یک دیوانه
را پیدا کرده بود به طوری که مردم
دیگر او را با نام اصلی اش «قیس» نمی
شناختند و صدا نمی کردند. همه نام او
را «مجنون» گذاشتند.
او دیگر شباهتی به یک فرزند برومند
یک امیر عرب نداشت. خانواده لیلی
چون جنون قیس بدیدند و رسوائی
عشق آنان را بر سر هر کوچه و محله
ورد زبان مردم یافتند برای حفظ آبرو
لیلی را در خانه زندانی کردند و از چشم
مردم پنهان بدین ترتیب بود که بین دو
دلداده دوری و جدائی پدید آمد و چون
نمک که بر زخم می پاشند، زندگی آن
دو در محرومیت و رنج و درد به آتش
کشیده و مجنون بدین ترتیب از فراق
معشوق واقعا به تمام معنی دیوانه و
مجنون گردید. دنباله مطلب در صفحه ۵۶

به رشته نظم کشید. شروان شاه طی نامه
کوتاهی به نظامی چنین نوشت:
«ای نظامی جادو سخن، می خواهم که پس
از داستان خسرو و شیرین سحری دیگر
از سخن برانگیزی و به باد عشق مجنون
سرگذشت او را به نظم درآری. این داستان
دلکش را تاکنون در فارسی و تازی کسی
به نظم نسروده است. می خواهم که این
عشق نامه را درگفتار و شعر تو بخوانم و
خود می دانی که من قدر و ارزش سخن
را می شناسم. از تو سخن بلند می خواهم
و با همت بلندی که در نژاد و خاندان من
هست آن را پاداش خواهم داد» داستان لیلی
و مجنون که کمی بیش از چهارهزار بیت
می باشد در مدتی کمتر از چهارماه سروده
شد. این داستان چنانکه گفته شد تا این
زمان ناشناخته نبود و در بسیاری از کتاب
های ادبی به زبان عربی قصه شیدائی و
دلپاختگی قیس عامری نقل شده یا به این
داستان اشارتی رفته است و چنین می باشد
شرح این داستان:
در ملک عرب، از خاندان بنی عامر،
امیری می زیست بزرگوار، درویش
نواز و مهمان دوست، که به هنرمندی و
بزرگ منشی در جهان آن روز مشهور
و معروف بود. اما این سلطان کامروا
فرزندی نداشت و زندگانش از نور
دیده خالی و لذا کم فروغ و تاریک،
نسبت به مسکینان سخاوتمندی داشت و
به بینویان کمک می کرد و خیرات و
میراث فراوان می نمود تا بلکه خداوند
رحمتی کند و بدو فرزندی عطاء نماید.
سالها بدین منوال سپری شد، دعایش به
درگاه خداوند مستجاب گردید. همسرش
باردار گشت و برای او پسری به
ارمغان آورد. پدر و مادر از خوشحالی
در پوست خود نمی گنجیدند و پسر را
«قیس» نامگذاری کردند.
قیس دوران کودکی را سالی پس از سال
دیگر سپری کرد و جوانی رشید و خوش
سیما شد و در شهر و دیار مشهور و
زبانزد خاص و عام. در ده سالگی او را
برای کسب علم و دانش به مکتب خانه
فرستادند. در آن مکتب خانه پسران و
دختران نوجوان دیگری هم کسب فضل
و دانش می کردند و در میان آنان ماه
رویی پری پیکر از خانواده مشهور و
معروف دیگری هم به کسب علم مشغول
بود که نامش را «لیلی» گذارده بودند:
محبوبه بیت زندگانی
شه بیت قصیده جوانی
آراسته لعبتی چوماهی
چون سرو سهی، نظاره گاهی

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش:
مهندس پرویز نظامی



عشاق نامدار جهان (۲) لیلی و مجنون

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
بر جمال تو چنان صورت چین حیران شد
به تماشاگاه زلفش دل حافظ روزی
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
که حدیث اش همه جا در در و دیوار بماند
شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند
بشنوید تا نام شش زوج دلدادگان نامدار دوران کهن را در یاد خود بسپارید. نام زال و رودابه
را که با کشش عشق روی بهم آوردند. نام یوسف و زلیخا را که ناشناسانه از دو دیار دور دست
بهم پیوستند؛ نام فرهاد و شیرین را که یکی در آتش عشق می سوخت و دیگری سرببوفانی
داشت؛ نام مجنون و لیلی را که جز به خاطر هم نزیستند و چیزی به جز یکدیگر از جهان ندیدند؛
و نام وامق و عذرا که روزگاری دل به مهر هم دادند و عشق ورزیدند و جز به خاطر عشق نمی
زیستند. اگر کتاب عشق را بخوانید آن را شگفت انگیزترین کتاب جهان خواهید یافت؛ در آن
چند صفحه کوچک کوتاه و وصف شادی و چندین دفتر بزرگ داستان غم خواهید دید؛ فصل
هجرانش فصلی دراز و بحث و وصالش بحثی کوتاه است و آنجا که سخن از رنج عشق می رود
گفتگو چندان است که شرح و حواشی خود از چندین مجلد فزون می گردد.

داستان غم انگیز و دلخراش لیلی و مجنون است، نظامی گنجوی به درخواست شروان
را که از داستان های کهن قبایل عرب شاه اخستان پسر منوچهر فرمانروای شروان

دکتر کاملیا محمودی

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

Law Office of
Camelia Mahmoudi



طلاق، لیونگ تراست، وصیت نامه، مالیات

Family Law:

♦ Divorce (Litigation & Mediation)

♦ Prenuptial Agreements

Estate Planning:

♦ Wills & Living Trust

Taxation:

♦ IRS & State Tax problems

دعای خانوادگی:

♦ طلاق: دعای و موافقتی

♦ قراردادنامه قبل و بعد از ازدواج

انحصار وراثت:

♦ تنظیم وصیت نامه، تراست و وکالتنامه

امور مالیاتی:

♦ مشکلات مالیاتی و دفاع در مقابل IRS

Experience and results matter.

Our law firm has both.

Camelia Mahmoudi

Attorney at Law/J.D., LL.M. Taxation

(408)658-8580

camelia@camelialaw.com + www.camelialaw.com

2021 The Alameda, Suite 200. San Jose, CA 95126

منطقه فضول آباد

دیدید مردم چطور نگاه می کنند. هیشگی از این جور آدمها خوشش نمیاد. جلال آل احمد هم مثل ماها از پرحرفی بد می گفت. یادمه درباره به نویسنده دیگه گفته: او یک قطره جوهر را در یک سطل آب حرام میکنه. من هم این حرفشو درباره آن نویسنده سرشناس کاملاً قبول دارم و بقولی زده تو خال. بهرحال یادمون نره تو هر سنی یا جایگاهی پرحرفی نفرت آورده. این حرف اصفهانیا را گوش کن که میگن غذا باید به لقمه باشه ولی مالیده باشه. من میگم حرف زدن هم باید همین طور باشه. مفید و مختصر.

تو دنیا هیشگی گوش مفت نداره و از روده درازی هم خوشش نمیاد. ما مخلص همه اونایی هستیم که برای وقت مردم ارزش قائلند و جمع و جور بیانات می فرمایند و یا قلم می زنند.

ارایه نموده است.

«دیوان» را بشناسیم

بموجب مندرجات اوستا اقوام و طوایفی که بی جهت و بفرمان فطرت ناپاک خویش موجب رنج و آزار و زحمت سایر گروه ها را فراهم می سازند انگره مینو یا اهریمنان و پیروان ایشان موجوداتی هستند که دئو نام دارند. دنباله مطلب در صفحه ۵۰

امان از پرحرفی

همین جا بگم: آدم پرحرف، زود از چشم همه می افته. این وسط کی مقصره؟ خودش. پرحرفی مثل چکه کردن شیرآبه در شب، اعصاب می جوه. پدر آدمو درمیاره. فرق نمی کنه کی پرحرفه، استاد دانشگاه، سخنران، نویسنده، بقال سرکوچه، بابائی مامانی، خواهری، برادری فرق نمی کنه.

به آدم پرحرف همه خلاق میگن: باوه گو. البته درسته این حرف در حق اونا خیلی سنگینه ولی خب مردم چکار کنن. من هم از آدمای نویسنده پرحرف خوشم نمیاد. خیلی وقتا در همین دریاچه الیزابت فریمانت داریم پیاده روی می کنیم می بینیم یکی داره در پرحرفی چه می کنه. به موبایل دستشه مثل آره اعصاب می جوه، ول هم نمی کنه. کاش می

همراه او بوده است قریب به اتفاق آثار عکاسی عبدالله میرزا دارای عنوان هستند او هیچ عکسی را بدون توضیح رها نکرده و همواره نام و نشان عکاسخانه خود را در ذیل یا پشت عکس ثبت کرده است و در کتاب عکس نام مناظر، رجال و حتی مناصب آنها را مشخص کرده و در مورد اینبه عکاسی شده توضیحاتی مختصر را

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکنندی

فریمانت - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



پسری که در مصار میخ می کوبد

سیرج در سراسر کرمان مشهور است. خوشمزه است سیرج با داشتن یک نوع انجیر شهرت دارد در سیرج سروی که بیش از هزار سال می باید عمر داشته باشد کنار رودخانه هست که به نظر من پس از سرو ابرقو کهن ترین سرو کاشتنی است (نقل از کتاب گلگشت در وطن - از ایرج میرزا)

لغت نامه دهخدا

مهمترین تالیف دهخدا لغت نامه اوست. وی از همان هنگام که به حال انزوا در خاک بختیاری می زیست. اندیشه تالیف یک لغت نامه جامع فارسی را که معرف فرهنگ ایرانی و اسلامی و همچنین خلاصه تمدن بشری باشد در سر خود می پروراند. پیش از کودتای ۱۲۹۹ و زمانداری رضاخان دست به این کار زد و چهل و پنج سال یعنی بیش از آنچه فردوسی برای سرودن حماسه ملی ایران رنج برده بود در تدوین آن زحمت کشید. وی در این مدت با همکاری جمعی از اهل تحقیق، قریب سه تا چهار میلیون فیش از روی متون معتبر استادان نظم و نثر زبان فارسی و عربی و فرهنگ های چاپی و خطی و کتب تاریخ و جغرافیا و طب و هیات و نجوم و ریاضی و حکمت و کلام و فقه فراهم آورد و همین فیش ها بود که پایه لغتنامه را تشکیل داد لغتنامه دهخدا جامع فرهنگهای مهم فارسی و عربی است و علاوه بر آن ترکیبات و کنایات و امثال و حکم و مصطلحاتی که بسیاری از آنها در کتاب های لغت فارسی و عربی نیامده و از متون قدیمه علمی و ادبی استخراج شده و در این اثر عظیم گرد آمده است.

دومین عکاس مشهور: عبدالله میرزای قاجار دومین عکاس مشهور چنانکه گفتیم او بود البته بعد از آقا رضا عکاس. عبدالله میرزا فرزند جهانگیر میرزای قاجار است بعد از تحصیلات مقدماتی وارد دارالفنون شد و فن عکاسی را فرا گرفت و در عکاسخانه مبارکه دارالفنون به کار مشغول شد و چون ذوق و شوق فراوان به هنر عکاسی و چاپ از خود نشان داد زمان وزارت علوم علیقلی میرزا اقتصادالسلطنه به کمک معیرالممالک حدود سال ۱۲۹۵ ه.ق به فرنگستان فرستاده شد تا در رشته های عکاسی و چاپ متخصص گردد. وی همچنین عکس های بسیاری جمله از شاگردان دارالفنون و رجال مملکتی و دیگر موضوعات برداشته و در اولین و دومین سفر مظفردالدینشاه به فرنگستان

پسر بچه ای تندخو، در روستایی زندگی می کرد. روزی پدرش جعبه ای میخ به او داد و گفت هربار که عصبانی میشوی و کنترلت را از دست می دهی. باید یک میخ در حصار بکوبی. روز نخست پسر ۳۷ میخ در حصار کوبید. اما به تدریج تعداد میخ ها در طول روز کم شدند. در نهایت روزی فرا رسید که آن پسر اصلاً عصبانی نشد و توانست جلو خشم خود را بگیرد. پدرش گفته بود هر روز که توانستی جلو خشم خودت را بگیری باید یکی از این میخ های کوبیده شده در حصار را در بیآوری روزهای زیادی گذشت تا آن پسر همه میخ ها را از حصار بیرون آورد. آن وقت پدر دست پسر را گرفت و به طرف حصار برد و گفت کارت را خوب انجام دادی، اما پسر به سوراخ های حصار نگاه کن، حصار هیچوقت مثل روز اولش نمی شود. وقتی موقع عصبانیت چیزی می گویی حرف هایت مثل این شکاف های به جا مانده. شکاف هایی بجا میگذارد. مهم نیست چندبار عذرخواهی کنی چون اثر زخم ها همیشه باقی می ماندند. مراقب حرف هایت باش چون می توانند بسیار آزار دهنده باشند و اثرشان سالها باقی بماند.

مینوی اهل سیاست نبود

مجتبی مینوی پژوهشگر نامدار علاقه ای به بحث سیاسی نداشت. جزآنکه از قلدری و زورگویی بیزار بود و به شدت از رژیم آلمان هیتلری و روسیه استالینی تنفر داشت. رژیم انگلستان را می پسندید چون معتقد بود که آزادی فرد در آنجا به حد اعلی رسیده، راه قلدری بسته است، جان و مال مردم از تعرض مصون است. ایران را دوست داشت و به زبان و فرهنگ ایران عشق می ورزید و این عشق و شیفستگی با آب و گل او عجین شده بود. از بیانات اوست: عشق من و قلب من و جان من همواره مصروف ایران و متوجه ایرانیان و اسیر زبان و ادب فارسی است. دلم می خواهد به هموطنان خود ادبیات و زبان خودشان را بشناسانم و ادبیات و حکم عالم را معرفی کنم و آنها را به راه معرفت و حکمت بکشم (نقل از کتاب نیما تا روزگار ما جلد سوم)

سیرج

آمدیم به سیرج. اسلام پناه هزار و پانصد تومان داد و هفت کیلو انجیر خرید. انجیر

آرایش دائمی صورت توسط مینو پارسا



Mino Parsa/Beautician

با تکنیک منحصر به فرد در این مرکز، زیبایی طبیعی خود را نمایان کنید.

طراحی دائمی ابرو و هاشور زدن، خط لب، خط چشم، متناسب با چهره، کشیدگی پوست (lifting) از طریق ماسک و لایه برداری کامل پوست، بدون عوارض جانبی، با استفاده از مواد درجه یک و استریل در محیطی کاملاً آرام و بهداشتی

Permanant Makeup Specialist

Non-Surgical Facelift Phytic Skin Peeling



Take your pick from our affordable selection of treatments & Skin Care products, & we will take care of the rest.

Step into our discreet, relaxed clinics & you will feel instantly reassured that you have made the right choice.

Clinics in South, East & North Bay

(415) 370-3974

گفتند این آنتن رادیوست، تا سر پشت بام نباشد صدای رادیو در نمی آید. می گفتند اگر آنتن تکان بخورد صدای رادیو خراب می شود و به همین جهت اگر کلاغها روی آن می نشستند به طرفشان سنگ می انداختند که بروند و در کار پخش صدای رادیو اختلال نکنند. اما دیدن خود رادیو برای ما دنیای دیگری بود. روی یک میز چهارپایه خاتم که بی بی یک رومیزی گلدوزی شده رنگین، کار دست دخترعمو قدسی خانم عروسش را روی آن انداخته بود، جعبه قهوه ای کم رنگی در حد و اندازه یک مبل کوچک دیده می شد که روی آن جعبه هم باز یک دستمال گلدوزی دیگر انداخته و یک قاب خاتم که در آن به خط خوشی «وان یکاد» خطاطی شده بود گذاشته بودند. لابد برای اینکه کسی رادیو را چشم نزند.

آن روز جمعه بود. مدرسه ها تعطیل بود و ما همه بچه ها دعوت شده بودیم که برویم رادیو گوش بدهیم. و بعد ناهار پیش بی بی باشیم که همه ما بچه ها را برخلاف بزرگترهای دیگر آقا یا خانم با ذکر اسم کوچک خطاب می کرد. میرسید حسین خان که مثل مادر، با بچه ها خیلی مهربان بود آمد نگاهی به ساعتش انداخت و یک پیچ را چرخاند. چراغ سبزی توی پیشانی جعبه روشن شد ولی صدایی در نیامد. میرسید حسین خان توضیح داد که دارد گرم می شود. مثل الان نبود که دکمه را هنوز فشار نداده صدای زر زر بلند شود.

چند لحظه ای گذشت صدای خش خش از جعبه بلند شد و پسر عمه گفت: «گرم کرد» و بعد ناگهان صدای مهربان درشتی از جعبه برخاست که می گفت: بچه ها سلام!

صدا آرام بخش و اطمینان دهنده بود و صاحب صدا توضیح داد که امروز قصه تازه ای نقل خواهم کرد. و شروع به قصه گفتن کرد. آنقدر شیرین بود که ما چهار پنج کودک یادمان رفت که می شود شیطنت کرد و پای جعبه میخکوب شدیم.

دنباله مطلب در صفحه ۵۰

نیافتاده بود. اما رادیو برای ما دنیایی بود. نمی دانستیم چطور کار می کند و چطور برنامه هایی را روبراه می کند که شنونده فراوان دارد. وقتی الهه از من خواست که درباره برخورد با رادیو و خاطره ام از اولین دیدار با رادیو چیزی برایش بگویم این یادداشت کوتاه را نوشتم.

«روزی که گفتند میرسید حسین خان پسر عمه بزرگم که هم سن پدرم بود رادیو خریده، برای ما بچه های هفت هشت ساله خبر در اندازه سفر به کوهکشانها بود. می گفتند که این وسیله تمام اخبار عالم و آدم را از اطراف و اکناف جهان به گوش همه می رساند. اما رادیو داشتن کار هر کس نبود. در محله قدیمی ما سرچشمه اغلب خانه ها برق نداشت و معدود بودند خانه هایی که از برق چراغ موشی کارخانه حاج امین الضرب استفاده می کردند و تازه بعضی شبها هم چراغ نفتی روشن می شد چون کارخانه برق حاج امین الضرب به پت پت می افتاد. کارخانه برق تهران هم تازه در جایی که پیش از آن گویا محله عرق کشی بود و به آن رسومات می گفتند و بعدها میدان ژاله نام گرفت راه افتاده بود. در آن روزها داشتن کنتور برق از علامت تشخیص بود و کسانی هم بودند که با کنتور برق یعنی خرید و واگذاری آن به صاحبان و متقاضیان برق به آلف و اولوفی می رسیدند. یا خانه های متعدد خود را صاحب برق می کردند یعنی برایش کنتور می گذاشتند. در هر حال داشتن رادیو مستلزم داشتن برق بود. مثلا شایع بود که احمدآقا سپهد ایران یعنی مرحوم سپهد امیراحمدی چهارصد کنتور برق دارد.

روزی که برای دیدن رادیو به خانه «بی بی» عمه بزرگمان رفتیم دیدیم که روی پشت بام کاهگلی خانه یک تیر چوبی به شکل صلیبی بلند، بلندتر از تیرهای چراغ برق کوچه گذاشته اند و چهار طرف چوب را سیم کشیده اند و یک سیم از پشت بام به داخل خانه آمده است.

یادداشت های با تاریخ

صدرالدین الهی



زخمه به تار، رو به قبله

تار را کوک می کرد. اگر در جایی نشسته بود که در جهت قبله نبود برمی خاست، رو به قبله می نشست. تار را می بوسید و بر چشم می نهاد. پدرم می گفت: «بهترین شاگرد میرزا حسینقلی بوده است.» یک شب که از او پرسیدم چرا آقای عندلیبی جایش را عوض می کند و رو به قبله می نشیند؟ پدر گفت: برو از خودش پرس. و مرد محترم جواب بچه دهساله را چنین داد: باباجان موسیقی مقدس است. تار برای من مثل تسبیح دست آقایان است.

سالها بود که من دیدم روشنفکران نسل پدرم چگونه بر اثر تحلیلات اروپایی به تجدد واقعی دست یافته بودند. در تاریخ تئاتر حتما خوانده اید که اولین تروپ های تئاتر ایران را روشنفکران درس خوانده درست کردند. هیچوقت مرد بزرگوار مهربان باجناب پدرم میرسیدعلی خان نصر را از یاد نمی برم که تئاتر اروپایی ایران را پیش از نوشتن به راه انداخت و هنرستان هنرپیشگی را تأسیس کرد. میرسیدعلی خان نصر پدر صدیقه خانم کوثر دخترخاله ما بود و برای من و نوه اش حسعلی کوثر، روزهای عید وقتی به دیدنش می رفتیم به زبان ساده از تاریخ ایران حرف می زد و هرگاه به شکست ایرانیان می رسید چشم به هم می فشرد و اشک از دیده می سترد.

اینها ایرانی و مسلمان بودند و ایران را از اسلام جدا نمی دانستند. اما هیچوقت هم نمی گفتند که ایرانی تارک الصلوه مسلمان نیست. بوسیدن تار و رو به قبله نشستن نوازنده نشانه قبول حلیت «غنا» از سوی صاحبان مسلمان بود. و چنگ و عود شکستن کار اینان که می گویند مسلمانند.

اولین بار که رادیو گوش دادم

در سالهای بعد تابستانها هر وقت که با اتوبوس همراه پدرم به خانه بیلاقی مرحوم قوام الدین مجیدی پدر دکتر مجیدی خودمان در زرگنده می رفتیم، اتوبوس در ایستگاهی توقف می کرد و شاگرد شوهر داد می زد: «ایستگاه رادیو» و گاه یکی دو نفر با جعبه ساز پیاده می شدند و پدرم می گفت که می روند در رادیو ساز بزنند. هنوز ضبط صوت و استودیوهای ضبط به راه

پسر جوان با صورتی پاکیزه و چهره ای سرشار از تالو آب جوانی گیتار در بغل زده بود و می خواند. شعرهایی در ستایش تقوا و پاکدامنی و تحسین اسلام بود و شنوندگان جوان محو و جذب کلمات او. روی پرده تلویزیون نام او نوشته شد: «سلیمان احمد». چو هیچ تهلهجه ای هم نداشت نمی توانستم بفهمم که مال کدام بخش مسلمان نشین بوده است. ترانه ها به نحو دلپذیری از آسمانهای آبی و عشق های سرازیر شده در کوچه باغها می گفت. گوینده توضیح داد که در آمریکا اکنون نسل جوانی می کوشد تا اسلام را با موسیقی روز درآمزد. سلمان احمد در پایان یکی از ترانه های گیتار را بوسید، بر چشم نهاد و به حاضران تعظیم کرد و برای آنها بوسه فرستاد.

و این بوسه مرا به سالهای دور برد. پدرم دوره های شبانه متفاوتی با آدمهای متفاوت داشت. روزهای به گمان سه شنبه در منزل آقای انواری که در آنطرف خیابان سیروس به طرف پامنار واقع شده بود، گروهی از محترمین جمع می شدند. شازده علاءالدین میرزا دیده دور یک شاهزاده خوشگل سبزچشم برای آنها از متون قدیمی حرف می زد و می خواند. حاج شیخ جواد عراقی واعظ شیرین سخن و شیرین گفتار و بذله گو آخر مجلس روی صندلی می نشست و حاضران را با تصایح رندانه اش به خنده وامی داشت. اما در این دوره سه شنبه بعد از آنکه اصحاب ناباب پی کارشان می رفتند تنی چند می ماندند تا با شام خوب و مختصر، شب را به پایان برند و بعد از شام بود که آقای انواری به مستخدمش دستور می داد که برود «آن» را بیاورد. «آن» بچه سفیدی بود که جلو میرزا حسین خان عندلیبی می گذاشتند و او کارمند یا به قول آن روزگار صاحب منصب ارشد وزارت داخله سابق و وزارت کشور فعلی بود. بچه را باز می کرد و تار دسته صدفی خوش تراشی بیرون می آورد. و ما می دانستیم که نیمساعتی به زیر و بم تار میرزا حسین خان گوش خواهیم داد. میرزا حسین خان از همسن و سالهای از جهت رتبه ارشد بر خود، اجازه می گرفت و کلمه «رخصت» را بر زبان می آورد و

لادن الهی

مشاور آگاه و با تجربه

در خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

My mission is to provide an excellent service & to exceed all your expectations!



فرید منزل می تواند بزرگترین سرمایه گذاری در طول زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت کنید!

Ladan Elahi, Broker Associate, CDPE, GRI BRE # 01866376

Cell: (925)336-0227 ♦ ladan@ladanhomes.us

760 Camino Ramon #200, Danville, Ca 94526



Parvaz entertainment proudly presents

OMID

live in concert

San Jose, CA

Sat Nov 15, 2014

Center for the performing Arts

255 Almaden Blvd, San Jose, CA 95113

Doors open @7PM

Show starts @8 PM

Info/Sponsorship: 408-761-5532

844-402-4347

Ticket available @ local persian store

And online <http://www.sanjosetheaters.org>

از درگوشی‌ها

به قلم: پیرایه

از نظر ایشان شاگرد فرصت طلب برای شهرت، سر و صدا راه انداخته و مسئله ارزش گفتگو ندارد. می شود واضح و روشن منظور مادام هیلاری را دقیقاً حس کرد. می بایست بانوی اول باقی ماند. نقشه های آینده را در نظر گرفت. جای پا را محکم کرد و نردبان ترقی را پله پله و با دقت بالا رفت تا رسیدن به مقصد که از اولین قدم با وجود اختلاف سلیقه در جمیع روابط و ضوابط زندگی زناشویی می دانست چه می خواهد و چه باید بکند و چگونه راه دراز و دشوار را ببیماید تا بتواند دلخواه را دریابد و به آرزو برسد که این روزها اکثراً در حال معاشقه و مغالزه با وسیله ترقی دیده می شود. هرگز دستگیرم نخواهد شد علت و دلیل شهرت و محبوبیت این زن هفتاد ساله از خودراضی کج سلیقه را در این صحرای محشر درک کنم. همسر رئیس جمهورشان بوده، یارک الله، مفت چنگش، در عین حال بفرمائید ببینم این «عقل کل» و مظهر «فهم و کمال» در دوران کاخ نشینی و وکالت و صدارت و وزارت چه خدمتی به این ملک و ملت نموده که زیر سایه بلند پایه اش ایرانی های پناهنده هم سینه می زنند؟ طیاره سواری کرده و با عرب و عجم روبروسی فرموده. آفرین! یقین داشته باشید این ملکه بی تاج و تخت ایندیراگاندی و گلدامایر و مارگارت تاچر نمی شود که هیچ انگشت کوچیکه آنگلا مرکل هم نخواهد شد. امید نیندید که فقط ارضاء جاه طلبی و خودپسندی یک پیرزن آمریکائی است که می خواهد با پلکان ترقی اش حساب صحاف کند و بس. باشد تا محک تجربه آید به میان. عجالتاً سوار بر مرکب مراد در مورد سرکیسه کردن جیب مردم می داند بی مایه فطیر است.

تفریح و تغییر ذائقه کجا برود. ایرادی نداشت زیرا الواطی و عیاشی و هزرنگی نر جماعت ارتباطی به زن و فرزندان طرف و وضع خانوادگی پیدا نمی کرد و جزئی از امور لازم زناشویی محسوب می گردید. اجتماع پذیرفته بود، زن ها هم همچنین. اگر هم احیاناً جدائی و طلاق پیش می آمد مطلقاً تصمیم ارباب می بود و عیال مربوط راهیچ نوع دخالتی. به همین دلایل سکوت، خوش خدمتی و متانت در قبال عیاشی آقا امری همگانی و مستوجب تحسین اطرافیان و رضایت خاطر مالک، خصوصاً وقتی در سینی های شب چره و انواع مزه مشروبات الکلی و اغذیه ترش و شیرین پا منقلی و مخلفات باب طبع حضرات و البته کباب پرند و چرند و سایر مراتب بزرگی و سالتاری روانه بیرونی. بعدها دیدیم که اتفاقاً پول و مقام و منصب در هر زمان و مکانی مدرک برائت اعمال منافی اخلاق در اکثر خانواده ها جریان طبیعی دارد و بالاخره فهمیدیم پول سیر بلا و پاک کننده لکه ننگ و نیروی جاذبه دنیاست، اینجا و آنجا و قدیم و جدید هم ندارد. نمی دانم توجه کرده اید که اکثر مردان صاحب نام این دیار نیز در پس پرده جایگاه خصوصی هوسرانی افراطی و انحرافی و خواست های غیرعادی اعمال می نمایند؟ و چه بسا پس از رسوائی و هیاهوی رسانه ها در معیت عیال مربوطه در مصاحبه و نمایش ها وارد مذاکره شده دست در دست انگار نه انگار مرخص می شوند، در حالیکه در این سرزمین بلبشو زن بازنده همیشه برنده است نه همچون زن بدبخت ایران ما. خلاصه همه شاهدیم که بعد از افضاح و رسوائی ریاست جمهوری با یک نوآموز جوان، مادام هیلاری با همین آقای عیاش آمد جلوی تلویزیون و راست و خدنگ رسماً اظهار کرد که

مبارک نمی آورد. اتفاقاً ترتیب پذیرائی شب های جمعه آقا را سنگین تر می کرد که مبادا خدای ناکرده «هو» نازل شود و مسند خانم خانمها باطل. چنین بود چهره واقعی زن سرخورده آن دوره که ناشی از مذهب مکتب مردسالاری و حاکمیت مغرور زن ستیزی، در نظامی عقب افتاده. این واقعیت کور نقش زن را در جامعه عقیم آن روزی مشخص و طبعاً موقعیت متزلزل علی رغم هشیاری و بیداری واکنشی را متحمل نمی شود، چرا که پشتوانه نام و نشان و قانون و قرار مسلم اقتضای شرعی و عرف و نظریه بدون بنیاد ارباب رعیتی ازدواج زمانه است. بهر کیفیت این برداشت بردگی جنس دوم عمومیت داشت و تنها ودیعه اعیان اشراف زمانه خود طبقات مرفه بر کرسی خودکامگی سوار و قشر متوسط رو به پائین تر نیز اگر مرد مسلمان ایرانی بود از نوجوانی راه را می شناخت، جا و مکانش را بلد بود و می دانست برای

در دوران قدیم تر زمان مادر بزرگ های ما رسم بر این بود که آقایان متمکن و دولتمدار وقت در منازل بزرگ و مفصل محله های اعیان نشین «اندرونی و بیرونی» داشتند که کاملاً زنانه مردانه اداره می شد. اندرونی جایگاه زن، بچه، کلفت، پرستار، آشپز و آمد و رفت معاشرین خانواده و بیرونی در ظاهر محل دفتر دستک ارباب و رتق و فتق مراجعین و حساب و کتاب کار و کاسبی و مخارج و درآمد و غیره و در حقیقت خلوتکده و عشرتکده خصوصی مالک مطلق که بدون وقفه شب های جمعه بساط دود و دم، عرق شراب، شاهد و ساقی، صیغه یک شبه و رفقای خوشگذران اهل عیش و عشرت و چه بسا ارضاء تمایلات انحرافی. ضمناً زد و بند سیاسی و پول ساز و اداره بازار و مسجد و منبر و بده بستان ها در بخش اندرونی درگوشی قصه های بیرونی درز می کرد ولی بسیار محرمانه، خانم خانه هم می شنید و می دانست و بروی



مشاور مالی و مالیاتی

Accounting, Auditing & Tax Services

سرویس مطمئن - قیمت مناسب - توجه کامل به نیازهای شما



خدمات دفترداری

مشاوره و برنامه ریزی مالی و مالیاتی

رسیدگی و جوابگویی در حل اختلافات با مراجع مالیاتی

تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی (شخصی و شرکت ها)

Tax Planning

Tax Return Preparation

Business Bookkeeping

Tax Problem Resolution



Responsive to Your Needs

Reliable Service Reasonable Rates

www.mytaxmd.com

Tel: (408) 236-2444 Fax: (408) 236-2484

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117



به مدیریت دکتر منصور سپهر

با بیش از ۲۰ سال تجربه در تمیز کردن آب و خاک در

خشکسویی ها و پمپ بنزین هایی که آلودگی مواد شیمیایی دارند!

Phase I & II Environmental Site Assessment

Regulatory Compliance Monitoring

Soil & Groundwater Remediation

Site Closure

Tel: (925) 734-6400 Cell: (925) 381-3247

6620 Owens Drive, Suite A, Pleasanton, CA 94588

۵ موسیقی برتر فیلم

موسیقی فیلم یکی از اجزای تاثیر گذار فیلمها به شمار می آید. احتمالا شما هم بارها فیلمی را دیده اید که دارای موسیقی به شدت تاثیر گذاری بوده است و در مواردی حتی یک فیلم را با موسیقی آن بخاطر سپرده اند (مانند داستان عشق). در اینجا ۵ موسیقی فیلم برتر تاریخ سینما را معرفی می کنیم. البته گزینه ها زیاد است و انتخابها محدود.

پایپون: صحنه ای که در آن هنری (استیو مک کوین) از لوئیس (داستین هافمن) می خواهد تا به او ملحق شود تا از جزیره فرار کنند و با مخالفت لوئیس مواجه شد یکی از صحنه های جاودانه تاریخ سینماست اما تنها به یک دلیل، آن هم موسیقی ایی بود که در این صحنه پخش می شد. صحنه ایی که هنری خودش را به دریا می اندازد و لوئیس با چشمانی نگران به او نگاه می کند دارای یکی از تاثیر گذارترین موسیقی های تاریخ سینماست که حس و حال واقعا غم انگیزی به تماشاگر می دهد. فیلم زیبایی پایپون تنها در یک رشته نامزد دریافت اسکار شد و آن هم موسیقی بود. موسیقی زیبایی این فیلم اثر استاد جری گلدن اسمیت است.

پدرخوانده: وصف موسیقی متن فیلم پدرخوانده کار پیچیده ای است! مافیا، برادرکشی، قدرت و پیچیدگی روابط خانواده « کورلونه » به خوبی به این آهنگ منتقل شده است و تماشاگر را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. موسیقی متن این فیلم در بسیاری از مستندها و برنامه های تلویزیون خودمان هم پخش شده است. یکی از نمونه های جالب استفاده از موسیقی فیلم پدرخوانده در یکی از فیلمهای سینمای کشورمان بود که به صورت شش و هشت! (کاملا ایرانی) نواخته می شد! سازنده موسیقی متن این فیلم نینو روتا هست که برای ساخت این موسیقی کاندید دریافت اسکار بهترین موسیقی فیلم شد. دنیاله مطلب در صفحه ۴۹

یک عمر فعالیت هنری به او داده شد. او می گوید که نمی توان یک فیلم بد را با یک موسیقی خوب نجات داد.

The untouchables (۱۹۸۱), Mission Malena (۲۰۰۰), Bugsy (۱۹۹۱)
در سال ۲۰۰۷ یک اسکار افتخاری برای



نام من هیچکس است! فرسیا اعتماد زاده

انیوموریکونه، متولددهم نوامبر ۱۹۲۸ - رم - ایتالیا از هجده سالگی با نواختن پیانو و ترومپت کار خود را آغاز کرد. آهنگساز و رهبر ارکستر که برای بیش از پانصد فیلم و سریال موسیقی متن ساخت. به همین دلیل است که می توان او را به عنوان یکی از بزرگترین و معروفترین آهنگسازان نام برد.



در سال ۱۹۷۸ به درخواست فیفا تیم اصلی جام جهانی فوتبال آرژانتین را نوشت. او برای هر ژانر فیلمی آهنگ ساخته است (عشقی، وسترن، تاریخی، ترسناک، سیاسی و...) و همچنین با کارگردانان بزرگی کار کرده است مانند: جان کارپنتر، برایا دی پالما، مایک نیکولز و الیور استون. او همکاری تنگاتنگی با جوزیه تورناتوره داشت که با شکوهرترین آنها سینما پارا دیزو است. او پنج بار نامزد دریافت جایزه اسکار شد، اما هیچوقت برنده نشد!

The Day of heaven (۱۹۸۰)

سالن آرایش و زیبایی خوب صورت

Full Service Salon

30 years of Experience. Serving Bay Area

بند ابرو ۱۰ دلار

♦ بند ابرو و صورت ♦ واکس ♦ آرایش عروس ♦ آرایش ♦ رنگ مو و های لایت ♦ حنا ♦ کوتاه کردن مو ♦ فیشال

♦ Threading ♦ Waxing ♦ Bridal ♦ Makeover ♦ Full Hair Service ♦ Facials ♦ Hair Color ♦ Henna...and much more!

All our facials are herbal & chemical FREE

www.khoobsuratsalon.com

(408)588-1215

3956 Rivermark Plaza
Santa Clara, CA 95054

Tues-Sat: 10am-8pm Sun. 10am-6pm
Closed Mondays

Serving in Two Locations

Now Hiring
Threaders, Cosmetologist,
Estheticians, Full Time &
Part Time Receptionist

(408)774-1214

1014 East El Camino Real
Sunnyvale, CA 94087

Mon- Sun: 11:am to 8:pm
Closed Mondays



این یکی از خواندنی ترین مصاحبه های مقامات بلند پایه دوران شاه پیش از سقوط کامل رژیم اوست

نخست یک خبرنگار خارجی که فارسی خوب صحبت می کرد، مصاحبه را چنین آغاز کرد: جناب آقای دکتر امینی، با توجه به این که سالها در سیاست این کشور وظایف مهمی به عهده داشتید و در سال ۱۳۴۰ در یکی از روزهای بحرانی کشور به مقام نخست وزیر رسیدید و توانستید با اقدامات خود بر آشوبی که کشور را فراگرفته بود مسلط شوید، ضمنا با آگاهی از این موضوع که در ماه های آخر تا آخرین روز که شاه کشور را ترک کرد از مشاورین نزدیک او بودید، به نظر شما چه چیزهایی باعث شروع نهضت و اوج گیری انقلاب شد، آن هم در زمانی که بسیاری از سیاستمداران خارجی ایران را جزیره ثبات می نامیدند و زیاد شدن درآمد نفت باعث شده بود وضع مردم از نظر مالی بهبود پیدا کند و دارای رفاه نسبی شوند.

دکتر امینی با لهجه خاصی که نسل های گذشته با آن آشنایی دارند و با توجه به این که او همیشه، چه در هنگام سخنرانی در پشت میکروفون، چه موقع مکالمه دو نفری، با صدای بلند و تند تند حرف می زد و دائم در میان صحبت طرف را «آقا» می نامید و دنباله کلمه «آقا» را هم می کشید، چنین پاسخ داد: بنده «آقا» در جواب حرف های شما که سؤال اغلب مردم ما هم هست باید بگویم، از چندین سال قبل از این وضع را پیش بینی می کردم. وقتی هم که درآمد نفت به طور غیر منتظره ای زیاد شد و دیدم دولت به جای صرفه جویی و صرف درآمدهای نفت در کارهای تولیدی شروع به دست و دل بازی های بی مورد و افزایش واردات و خرید اسلحه کرده، به شدت نگران اوضاع شدم. آقا! حتی در سال ۱۳۵۴ به اعلیحضرت پیغام دادم، اوضاع کشور به حد انفجار رسیده و اگر اقدامات حادی صورت نگیرد همه چیز منفجر خواهد شد.

وقتی وضع مالی مردم خوب شد و تمام روز را در فکر تامین آب و نان و اجاره مسکن و مشکلات دیگر نبودند، طبیعی است که به خود بیایند و به فکر کمبودهای دیگر بیفتند. دستگاه می باید برای این موضوع فکری می کرد آقا، آن روزها کمبود بزرگ مردم نداشتن آزادی بود، غیر

از آن از دستگاه های امنیتی وحشت داشتند که هر وقت هر کس را می خواستند می گرفتند. پس کشور برای قبول یک نهضت بنیادی آمادگی داشت.

مساله دوم این بود که درآمد به طور عادلانه تقسیم نمی شد. به اکثریت مردم مقداری می رسید، در حالی که یک اقلیت فاسد بیشترین درآمدها را به خود اختصاص داده بودند. برای نمونه همسر یک سناتور کارخانه دار ششصد هزار تومان به یک مجله زنانه داد که ۲۴ ساعت از زندگی او را از هنگام بیدار شدن از خواب و صرف صبحانه و رفتن به خرید، به سلمانی، به خیاطی، به استخر، و به مهمانی با لباس های آخرین مد و جواهرات گرانبها چاپ کند. اگر در رنگ از این کارها می کنند، تاثیر منفی ندارد، چون اول کسی با یک فرمان یا دادن پول به حزب سناتور نمی شود آقا. هیچکس هم بدون حساب و کتاب در عرض مدت کوتاهی با هیچ و پوچ به ثروت نمی رسد. در ضمن در آن سال ها یک نسل از جوانان به وجود آمده بودند که تحت تاثیر تبلیغات مذهبی که زمینه آن از چندین سال قبل در کشور فراهم شده بود از محیط مادی و بی بند و باری در کشور به ستوه آمده بودند.

می دانید آقا! در اروپا و آمریکا هم دزدگی از محیط مادی و گرایش به مذهب و مسائل معنوی رو به رشد است. این جوانان با آن که از بهبود وضع اقتصادی کشور متنفع می شدند، اما فقط به آن قانع نبودند و توقعات و انتظارات بیشتری داشتند.

در سال ۱۳۵۴ با توجه به اوضاع روز، به شاه پیغام دادم کشور در حال انفجار است. اگر اعلیحضرت می خواهند کشور دچار تحول نشود باید فوراً دست به اقدامات حادی بزنید؛ و به عنوان نمونه پیشنهاد های زیر را به اطلاع ایشان رساندم: ۱- انحلال حزب رستاخیز. ۲- انحلال مجلسین شورا و سنا. ۳- توقیف دست کم ۱۵۰۰ نفر از مقامات بالای سیاسی و اقتصادی که در نظر مردم به فساد و سوء استفاده های کلان مادی مشهور هستند. ۴- فرستادن عده زیادی از افراد خانواده سلطنتی (بجز طبقه اول) به خارج از کشور. اینها بیشترشان

سفر اعلیحضرت مقالاتی نوشتند. ضمنا در پاره من هم مطالبی می نوشتند و به عنوان آن که سفیر ایران در آمریکا فرد مشخصی است، از من تعریف می کردند.

یک روز اعلیحضرت به من گفتند: مثل این که روزنامه نویس های اینجا به عنوان یک ایرانی فقط شما را می شناسند؟ سوال کردم: چطور اعلیحضرت؟ جواب دادند: آخر همه اش از شما تعریف می کنند. مثل آن که شخص لایق دیگری در کشور ما وجود ندارد؟

آقا جان، من از این حرف خیلی جا خوردم. اما از همان زمان حرف هایی را که دیگران جرات نمی کردند بر زبان بیاورند می گفتم. آن روز هم جواب دادم: یعنی اعلیحضرت می فرمایند به روزنامه های اینجا پول بدهم که به من فحش بدهند؟

در اثر همین چیزها بود که مرا در اسفند ۱۳۳۶ قبل از پایان مدت ماموریتم به تهران احضار کردند. آخر مگر می شود آقا؟ آدم از یادآوری بعضی حرف ها ناراحت می شود، آدم آتش می گیرد. آن موقع اعلیحضرت می گفتند: من به حرف مردم اهمیت نمی دهم، هر کاری را که خودم به صلاح مملکت بدانم انجام می دهم.

و چند نفر از رجال را هم که می خواستند با ایشان تذکر بدهند، از کار بیکار کردند. در زمان انقلاب که مردم به کوچه و خیابان ها ریختند و علیه شاه شعار دادند، یک روز اعلیحضرت که مرا احضار کرده بودند پرسیدند: اینها کی هستند؟ از کجا آمده اند؟ عرض کردم: اعلیحضرت، اینها همان مردمی هستند که شما می گفتید اعتنائی به آنها ندارید و به حرفشان اهمیت نمی دهید.

آنوقت آقا، دیدم گفتن این حرف ها بدون آن که دیگر تاثیر داشته باشد باعث ناراحتی شان می شود، چون شاه در آن روزها روحیه اش را سخت باخته بود. در دلم گفتم «آخر آقا جان، شما که پادشاه در و دیوار و کوچه و خیابان نبودید، پادشاه این مردم بودید. سال ها به آن ها اهمیت ندادید، حالا دارند تلافی می کنند. می گفتند من با مردم کاری ندارم، حالا مردم با شما کار دارند. می گفتند من می خواهم مردم را با اردنگی جلو به برم، حالا که مردم فرصت به دست آورده اند دارند تلافی می کنند.

به علت نفوذی که از طریق نزدیکی به مقام سلطنت داشتند، در کارهای مالی و اقتصادی دخالت می کردند آقا، و بیشتر مزایده ها و مناقصه ها نصیب آن ها و شریک هایشان می شد. ۵- انتخاب یک نخست وزیر مورد احترام و اعتماد مردم و دادن امتیاز کامل به او. اما آقا! عکس العمل اعلیحضرت به این پیشنهاد ها که به خاطر مصالح کشور و منافع خودشان داده بودم، این بود که به روزنامه ها دستور دادند مقالاتی علیه من بنویسند، به طوری که مطبوعات هم که از پیشنهاد های من مطلع شدند و موافق آنها بودند جرات نکردند اسم مرا بیاورند، چه رسد به آن که از نظریات من دفاع کنند تا سرانجام شد آنچه می بایستی بشود، به طوری که خودشان هم درک کردند آنچه که در کشور روی داده یک انقلاب است.

وقتی کار بالا گرفت آقا! اعلیحضرت یک روز مرا به کاخ سلطنتی خواستند و سؤال کردند: حالا چه باید کرد؟ عرض کردم: سه سال پیش خدمتتان پیغام فرستادم این حزب رستاخیز را که نظر مردم نسبت به آن از حزب های دولتی «میلیون» و «مردم» هم بدتر است منحل کنید. مجالس فرمایشی را که اعضای آن نماینده مردم نیستند تعطیل کنید. رجال فاسد و بد نام را محاکمه کنید. یک نخست وزیر مورد اعتماد مردم را روی کار بیاورید.

اعلیحضرت در جواب من می دانید چه گفتند آقا؟ گفتند: تو می خواستی با استفاده از فرصت به دست آمده، دکتر مصدق بشوی یا مثل قوام السلطنه همه قدرت ها را در دست بگیری؟ عرض کردم: قربان، اگر هم آنچه می فرمایید درست باشد، مگر دکتر مصدق چه می گفت جز آنکه به شما می گفت: «اعلیحضرت، شما فقط سلطنت کنید، کار سیاست را به ما واگذار کنید. اگر ما اشتباه کردیم، ما را می توانید عوض کنید، اما اشتباه شما برایتان گران تمام می شود.» قوام السلطنه هم می گفت: «طبق قانون اساسی، شاه مسئولیت ندارد، همه مسئولیت ها با وزراست. بنابراین اجازه بدهید کارها را ما بکنیم و مسئولیت ها گردن ما باشد. جوابش را هم در موقعش به خودتان می دهیم.»

آقا! وقتی که من سفیر ایران در آمریکا بودم، اعلیحضرت به دعوت «آیزنهاور» به آنجا تشریف آوردند. روزنامه ها در باره

دنباله مطلب در صفحه ۴۷



شود، مثل این است که هرگز ازدواجی صورت نگرفته است و در واقع ازدواج باطل می شود. برای دریافت چنین حکمی، شخصی که اقدام به جدایی می کند باید ثابت کند که مثلاً زمانی که ازدواج کرده اند، صغیر بوده و ازدواج بدون موافقت پدر و مادر و یا قیم شخص صغیر انجام شده است.

تقاضای فسخ ازدواج بر مبنای اثبات «تقلب» و «کلاهبرداری» و یا اصطلاحاً «Fraud» هم امکان پذیر است. برای اخذ حکم فسخ ازدواج بر مبنای تقلب، شخصی که این تقاضا را از دادگاه می کند، برای اثبات کلاهبرداری، باید شخصاً در دادگاه حضور پیدا کند.

کسانی که از طریق «جدایی قانونی» و یا «فسخ ازدواج» از همسرشان جدا می شوند، نیازی ندارند که قبل از اقدام به جدایی مدت ۶ ماه در کالیفرنیا و ۳ ماه در کانتی خود اقامت داشته باشند.

کسانی که به فکر این هستند که به ازدواج خود خاتمه دهند، بهتر است با یک وکیل مشاوره کنند تا هم بهترین راه برای خاتمه ازدواج که مناسب شرایطشان باشد و هم از حقوق قانونی خود، آگاه شوند.

لطفاً پیشنهادات خود را در مورد موضوع مورد نظرتان از طریق تلفن و یا ایمیل بامن در میان بگذارید.

ازدواجشان خاتمه پیدا کند، صبر نکنند. این یکی از دلایلی است که برخی مردم ترجیح می دهند که فقط «قانوناً» جدا شوند تا اینکه «طلاق» بگیرند و شرایط را طوری تنظیم می کنند که در حالی که از هم جدا زندگی می کنند، هنوز رسماً «مزدوج» هستند و شانس اینکه یک روز به هم برگردند را برای خود باز نگه می دارند.

این نکته قابل توجه است که اگر کسی بخواهد از طریق «طلاق» ازدواجش را خاتمه دهد، مجبور نیست اول برای جدایی قانونی اقدام کند. به عبارت دیگر «جدایی قانونی» قدم اول و لازمه شروع مراحل طلاق نیست. «طلاق» و یا «Divorce» که اصطلاحاً به آن «Dissolution of Marriage» گفته می شود، یک حکم رسمی دادگاهی است که به ازدواج خاتمه قانونی می دهد.

زن و مرد هر دو می توانند بعد از طلاق با شخص دیگری ازدواج کنند و هر کدام برای خود زندگی جدیدی آغاز کنند. به این دلیل که «طلاق» مثل «جدایی قانونی» نیست که زوج هنوز باهم مزدوج بمانند. به غیر از «طلاق» و «جدایی قانونی»، روش دیگری برای خاتمه ازدواج موجود است که آنرا اصطلاحاً «Annulment» یا «ابطال» و یا «فسخ» ازدواج می نامند. اگر حکم فسخ ازدواج از طرف دادگاه صادر

قانوناً حل شده است. یعنی زن و شوهر در مورد حضانت فرزندان، سرپرستی و دید و بازدید فرزندان، هزینه امور فرزندان، نفقه، تقسیم اموال و هزینه قانونی و وکیل به موافقت کامل رسیده اند. در حقیقت قانوناً جدا شده اند ولی «طلاق» نگرفته اند. هنوز زن و شوهر باقی مانده اند و فقط قانوناً از هم جدا هستند و در نتیجه حق ازدواج با کس دیگر را ندارند.

کسانی که تصمیم می گیرند که ازدواجشان را از طریق «جدایی قانونی» خاتمه دهند، اشخاصی هستند که به دلایل مختلف (مثلاً به دلایل مذهبی) ترجیح می دهند باهم مزدوج بمانند. دلایل مذهبی تنها دلیل خاتمه ازدواج از طریق جدایی قانونی نیست.

برخی مردم هم ترجیح می دهند که مزدوج بمانند ولی در اصل، قانوناً از همسرشان جدا باشند. برخی مردم هم ترجیح می دهند که مدت لازم که قانوناً باید صبر کنند که

در چند شماره پیش مطالبی در مورد مزایا و مشکلات وصیت نامه و راههای متداول برای برنامه ریز اموال از نظراتان گذشت. در این شماره نکاتی در مورد قوانین خانواده برایتان یادآور می شوم.

در آمریکا، آمار نشان می دهد که تقریباً نیمی از ازدواجها به «طلاق» و یا «جدایی قانونی» ختم می شوند. اغلب مواقع، مردم فرق بین «طلاق» و «جدایی قانونی» را تشخیص نمی دهند و آنرا یکی می دانند.

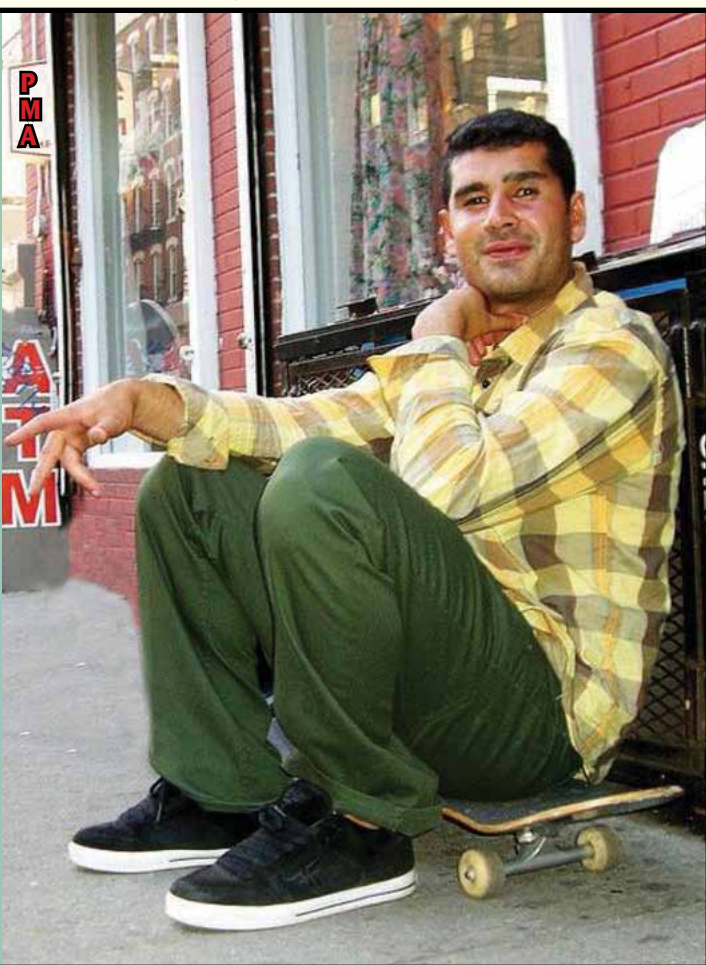
با اینکه «طلاق» و «جدایی قانونی» هر دو مربوط به زمانی است که زن و شوهر تصمیم می گیرند که دیگر باهم زندگی نکنند، ولی این دو باهم تفاوت زیادی دارند. «جدایی قانونی» و یا اصطلاحاً «Legal Separation»

چه معنی دارد؟ جدایی قانونی به این معنی است که دادگاه به وسیله یک حکم رسمی، جدایی یک زوج را به رسمیت می شناسد، به این معنی که تمام مسائل مربوط به ازدواج

تسلیت

دوست عزیز و گرامی، رحیم مُرید و خانواده ارجمند، درد بزرگ از دست دادن فرزند جوانت، «بهرام مُرید»، موجی عظیم از اندوه را در جامعه ایرانی شمال کالیفرنیا پدید آورد. دوستان، یاران و همدلانت امیدوار هستند که تو، همسر و خانواده داغدارت بتوانی با صبر و بردباری، سنگینی این غم بزرگ را سبک تر کنی.

بهرام آتش بند، پروین و عزیز افراخته، فرید افشار، محمود امامی، منیژه و گیو پارینه، ناصر پل، خانواده پورعبدالله، حسین جعفری، اکبر حجاریان، جمال ربانی، خانواده دکتر رهنمون، مسعود و مه جبین سپند، حسن سیاپلو، شیرین طبیب زاده، خانواده دکتر مُوید، سعید نوری زاده، دکتر مهدی هاشمی، جواد هنرنشان، عفت یوسفی



انواع گوشت ها، ماهی ها، گوشت پرندگان حاوی مقادیر زیاد پروتئین هستند از طرف دیگر میگو، توفو، خرچنگ و جانشین های تخم مرغ (Egg substitut) میزان پروتئین کمتری دارند.

در رابطه با مصرف چربی ها بایستی نوع آنها را شناسایی کرد. چربی ها ایجاد انرژی فراوان کرده و به تشکیل هورمون ها و عمل قلب کمک می کنند، بسیاری از ویتامین ها در چربی ها حل می شوند که به جذب آنها کمک می کند.

چربی های اشباع شده و **Trans Fat** باعث بالارفتن کلسترول شده که به گرفتگی مویرگها، خون می شوند این چربی ها در حالت طبیعی منجمد (Solid) هستند. بیماران کلیه بایستی توجه داشته باشند که بیشتر شیرینی ها و کیک ها حاوی این نوع چربی هستند که بایستی از آنها اجتناب کرد.

چربی های اشباع شده بیشتر در گوشت قرمز، گوشت پرندگان، شیر کامل و کره و مارجرین وجود دارند. چربی های غیر اشباع شده و خوب بیشتر در روغن های گیاهی نظیر **Olive Oil** و **Coconut Oil** می باشند.

سدیم: افراد با ناراحتی های کلیه نیابستی باعث تجمع مایعات در بدن خود شوند بالا رفتن حجم خون، فشار خون را بالا می برد. و کار کلیه ها را سخت تر می کند مصرف روزانه سدیم در افراد سالم ۲۳۰۰ میلی گرم و افراد بیمار بایستی حدود ۱۵۰۰ میلی گرم باشد. بیشتر غذاهای کنسرو شده، یخ زده و **Snack** ها دارای سدیم زیادی می باشند جانشین های نمک معمولی نیز نیابستی مصرف شوند چون بجای سدیم دارای پتاسیم می باشند که آنها در ناراحتی های کلیه مضر است. بیشتر غذاهای ساخته شده از سبزیجات دارای سدیم کم می باشند.

پتاسیم: میزان پتاسیم در خون بایستی همیشه در حد نرمال باشد. پتاسیم به ضربانات قلب کمک کرده بهمین دلیل بالارفتن پتاسیم در خون باعث ناراحتی های قلبی بسیار مهم می شود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

عدم ساختن هورمون بوده و بعد از سالها ناراحتی کلیه، تدریجا عدم کارائی کلیه ها به حد اکثر خود رسیده که به آن مرحله آخر بیماری کلیه یا (ESRD) می گویند در چنین وضعیتی بیمار نیاز به تعویض کلیه یا پیوند کلیه داشته و یا اینکه بایستی بطور هفتگی چندین بار به دستگاههای دیالیز وصل شده تا مواد سمی و اضافی خون را تصفیه کنند.

علائم بیماری کلیه:

- ♦ میزان اوره (Uren) در خون بالا می رود.
- ♦ میزان فسفات و پتاسیم در خون بالا می رود.
- ♦ متورم شدن ساق پا، صورت و دست ها و تنگی نفس.
- ♦ بوجود آمدن سیست هائی روی کلیه ها.
- ♦ عدم ترشح هورمون ها، کم خونی و خستگی مفرط.
- ♦ حضور پروتئین هایی نظیر آلبومین (Albumin) در ادرار که باعث کف کردن ادرار می شود.
- ♦ عدم اشتها به غذا
- ♦ احساس طعم بد در دهان
- ♦ بی خوابی
- ♦ تیره شدن رنگ پوست

تغذیه صحیح:

مشاوره با یک متخصص تغذیه (Renal Dietitian) برای بیماران کلیوی بسیار ضروری می باشد. زمانیکه پزشکان متخصص کلیه بیماران را به این متخصصین تغذیه معرفی می کنند اغلب بیمه های پزشک هزینه این مشاوره را می پردازند. بیماران بایستی توجه کنند که عدم مصرف غذای کافی، بعلت عدم اشتها و طعم بد غذا باعث از دست دادن کالری و انرژی شده و بیماران وزن خود را از دست داده و لاغر می شوند با استفاده از رژیم غذایی صحیح می توان میزان این از دست رفتن کالری ها را جبران کرد.

مهمترین منابع غذائی برای

بیماران کلیه به شرح زیر می باشد: پروتئین ها باعث ساختن عضلات، پوست، استخوانها، اعضا داخلی بدن و خون می شوند و مهمترین بخش رژیم غذایی به حساب می آیند ولی مصرف آنها بایستی بسیار متعادل باشد.



بیماری کلیه و تغذیه

برگشت است و در اثر حادثه ها، بیماریها و بعضی داروها اتفاق می افتد و دوم بیماری مزمن کلیه که غیرقابل برگشت بوده و طی سالهای طولانی اتفاق می افتد. بیماران کلیوی ممکن است از طریق رژیم های غذایی صحیح و عدم استفاده از غذاهائی که دارای سدیم، پتاسیم و فسفات زیاد هستند این بیماری را در خود به تاخیر ببینند. میزان مصرف پروتئین ها نیز بایستی رعایت شده و متعادل باشد. در حالت مزمن آن، کلیه ها تدریجا، از کار افتاده، مواد دفعی خون را کمتر تصفیه می کنند و در نتیجه میزان آنها در خون بالا می رود بخصوص میزان سدیم و پتاسیم و فسفات ها بالا رفته و عوارض قلبی و استخوانی ایجاد می کنند.

فرد دچار کم خونی شده که ناشی از

کلیه ها در انسان یکی از اعضاء مهم بدن بوده و وظیفه اصلی آنها فیلتر کردن آب اضافی و مواد اضافی از خون بوده که بدین طریق میزان املاح و پروتئین ها را در بدن متعادل می کنند. این اعضاء همین طور هورمون هائی ترشح می کنند که در ساختن گلبولهای قرمز نقش اساسی دارند. همین طور فشارخون را کنترل می کند و باعث استحکام استخوانها می شوند. بیش از ۲۰ میلیون در آمریکا دچار ناراحتی های کلیوی هستند و تعداد بیشتری در معرض خطر آن هستند. مهمترین عواملی که باعث آن می شوند عبارتند از بیماری قند، فشار خون بالا، بیماریهای قلبی عروقی و عوامل ارثی.

بیماریهای کلیه به دو فرم اصلی تقسیم می شوند اول بیماری حاد کلیه که اغلب قابل

کاوه میر شفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال با دانش و تجربه در امور ورشکستگی، امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshafiei, Esq.

مشاوره اولیه رایگان

- ♦ کلیه امور ورشکستگی ♦ کلیه امور خانوادگی
- ♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت ها

♦ Business Law

♦ Bankruptcy ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

(408)663-6286

www.headwaylegal.com

4701 Patrick Henry Dr., Bldg. 6, Santa Clara, CA 95054

کنسرت امید در سن حوزه

شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در Center for the Performing Arts
تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱ (۴۰۸)



چه مسواکی انتخاب کنیم؟

مسواک زدن نقش بسیار مهمی در حفظ سلامت دهان و دندان شما دارد. اولین قدم شما انتخاب یک مسواک مناسب است. در فروشگاه‌ها و داروخانه‌ها انواع مختلف مسواک در سایز، رنگ و طرح های مختلف وجود دارد. علیرغم تبلیغات شرکت های سازنده مسواک، تاکنون هیچگونه شواهد علمی مبنی بر ارجحیت نوع خاصی از مسواک ارائه نشده است. آنچه که مهم است شیوه مسواک زدن شماست. برای انتخاب یک مسواک مناسب موارد زیر را به یاد داشته باشید:

۱- سایز سر مسواک باید متناسب با اندازه دهان شما انتخاب شود. اگر سر مسواک بزرگ باشد امکان دسترسی به همه نواحی دهان را محدود می‌نماید.
 ۲- موهای مسواکتان را از نوع نرم (Soft) انتخاب کنید. استفاده از مسواک‌های سخت (Hard) به لثه شما آسیب می‌رساند.
 ۳- جنس موهای مسواک باید از نایلون و سر موهای آن گرد باشد.
 ۴- دسته مسواکتان بلند و حجیم باشد تا به خوبی در دستان شما قرار گرفته، کنترل بهتری در حین مسواک زدن داشته باشید.
 ۵- زاویه بین دسته و سر مسواک نباید زیاد باشد و دسته باید با شیب ملایمی به سر وصل شود. **دنباله مطلب در صفحه ۵۱**

کودکان بهتر است این تنقلات را به دندان پزشکانشان که در «Halloween Candy Buyback Program» شرکت می‌کنند بفرشند. این آب نباتها به سربازان مستقر خارج از کشور اهدا میشود.
 مطب ما امسال در Halloween Candy Buyback Program شرکت میکند. لطفاً با شماره تلفنی که اینجا ذکر شده و یا ایمیل ما با تماس بگیرید.

info@keyhandental.com

(408)866-3000

دسترس را محدود کنید. از آب نبات باید لذت برد، اما تعادل مهم است. به کودک اجازه دهید تعدادی از آب نباتهای مورد علاقه اش را انتخاب، و بقیه را کنار بگذارد.
 مسواک و نخ دندان. یک زمان خاص از روز را برای مصرف آب نبات تعیین کنید و از کودک بخواهید که مسواک و نخ دندان بزند. این بسیار سالم تر از در معرض گذاشتن دندان کودک شما به طور مداوم با شیرینی یا اسیدی در طول روز است.

دسترس را محدود کنید. از آب نبات باید لذت برد، اما تعادل مهم است. به کودک اجازه دهید تعدادی از آب نباتهای مورد علاقه اش را انتخاب، و بقیه را کنار بگذارد.
 مسواک و نخ دندان. یک زمان خاص از روز را برای مصرف آب نبات تعیین کنید و از کودک بخواهید که مسواک و نخ دندان بزند. این بسیار سالم تر از در معرض گذاشتن دندان کودک شما به طور مداوم با شیرینی یا اسیدی در طول روز است.



**نکات مهم برای
داشتن دندان سالم
دکتر میشل حق پناه**

drmichellehdds@gmail.com



برای محدود کردن تماس شکر با دندان‌ها، آب‌نباتهایی را انتخاب کنید که به سرعت خورده شوند. کودکان را تشویق به مصرف کم در یک زمان کنید و بعد از خوردن، یک لیوان آب بنوشند یا مسواک بزنند.

تنقلات سالم را انتخاب کنید. کودک خود را تشویق به خوردن خوراکی های سالم و اجتناب از آب نبات سخت، ترش و یا جویدنی کنید. این آب نباتها اسید بالا دارند و با چسبیدن به دندان می‌توانند خطر پوسیدگی دندانها را افزایش دهند. شکلات ساده

یک گزینه بهتر از آب نبات ترش، چسبنده و سخت است.

یک "بررسی ایمنی" انجام دهید تا اطمینان پیدا کنید هیچ چیز خطرناک در میان آب نباتهای کودکان نباشد. به کودک فرصت این را بدهید که در این بازرسی شرکت کند و این عادت خوب را یاد بگیرد.

هالووین است و زمان مصرف آب نبات و شیرینی. ولی هالووین می‌تواند فرصت بسیار خوبی برای یاد دادن عادات خوب و به طور مثال تعادل در خوردن آب نبات و شیرینی به کودکان باشد. در اینجا یادآوری برخی نکات مفید برای شما و



فرزندانتان، به امید اینکه هالووین سالم و سرگرم کننده داشته باشید.

یک وعده غذای خوب به فرزندانتان بدهید. خوردن یک شام سالم قبل از بیرون رفتن احتمال اینکه آنها با آب نبات خود را سیر کنند خیلی کم میشود. آب نباتها را در یک وعده مصرف کنید.

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated

Oil Change Special
Get \$5 OFF on
Regular Oil Change

Oil Change Special
Get \$10 OFF
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

(408)738-1960
 597 S. Murphy Ave.
 Sunnyvale, CA 94086

We Are #1
 Established in 1996

(408)583-1200
 1800 S. Winchester Blvd.
 Campbell, CA 95008

یانگ، سردی، بین و گرمی، یانگ است. شب بین، روز یانگ، درون بین و برون یانگ، آینده، بین و گذشته یانگ است. و بسیاری مثال‌ها از این قبیل که نشان دهنده تضاد و در عین حال مکمل بودن دو عنصر بین و یانگ است. در فلسفه چینی، عناصر چهارگانه وجود ندارد، بلکه اعتقاد به پنج عنصر چوب، آتش، خاک، فلز و آب است. چرا که عدد ۵ در چین، عدد بخت است. چینی‌ها معتقدند که جهان از عناصر پنج گانه ساخته شده است. آن‌ها بر این باورند که این عناصر، نشانگر تغییر هستند و هر یک عنصر بعدی را می‌آفریند. یعنی: آب، چوب را تغذیه می‌کند. چوب، سوخت آتش است. آتش، خاک را (به شکل خاکستر) به وجود می‌آورد. فلز از خاک به دست می‌آید و می‌تواند مانند آب جاری شود. اگر این عناصر به شکل نادرست مورد استفاده قرار گیرند ایجاد خطر کرده و چرخه دچار تخریب می‌شود. زیرا: آب، آتش را خاموش می‌کند. آتش فلز را ذوب می‌کند. فلز، چوب را می‌برد. چوب، خاک را می‌فرساید و خاک، آب را آلوده می‌کند.

بدون شک برای اجرای قانون فنگ شوی، ابزاری مورد نیاز است. البته منظور از ابزار، آلات و لوازم خاصی مورد نظر نیست، بلکه اشیایی که در اطراف ما و در خانه و اداره‌ی همه ما یافت می‌شود؛ نوعی ابزار فنگ شوی محسوب می‌شود؛ تنها لازم است که این ابزار در جای مناسب قرار بگیرد. تابلوی نقاشی، آینه، مجسمه‌های بزرگ و کوچک و بسیاری لوازم دیگر اشیایی هستند که در هر فضایی دیده می‌شود! اما قانون فنگ شوی می‌گوید همه‌ی این ابزار به ظاهر ساده می‌بایستی در جای خود قرار گیرد تا محیط به نحوی تنظیم شود که برای ما مفید بوده و انرژی مثبت ساطع شود! دنباله مطلب در صفحه ۵۲

نیز دیده می‌شود که سه چهارم محیط آن را دریاچه تشکیل می‌دهد. در واقع، آب سازه‌ای جدایی‌ناپذیر از باغ‌های سنتی چین است. در کتاب "زانگ شو" یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های چینی در باره فنگ شوی آمده است: از آن جا که "چی" - انرژی مثبت - با باد پراکنده شده و با حرکت آب متوقف می‌شود، بنابراین باید برای نگهداری دقت کرده و از حرکت و فرار آن جلوگیری کرد. از این رو، توصیه می‌شود که خانه، ساختمان یا مقبره در جایی که با کوه و آب محصور شده، قرار گیرد. در واقع، این هم یکی از سنن چینی‌ها است که مسکن در جایی که پشت آن کوه و مقابلش دریاچه‌ای وجود دارد، ساخته شود، چرا که این نقطه از نظر فنگ شوی، بهترین فضا برای ایجاد بناست. بر اساس همین اعتقاد، بیشتر بناهای ایجاد شده در شهر پکن همواره این اصول را رعایت کرده‌اند. به طور مثال، اطراف شهر ممنوعه در پکن، که کاخ امپراتورهای چینی در آن قرار داشت، خندق کاری شده و با تل خاکی که پس از کندن خندق به دست آمده، تپه‌ای به نام "جینگ شان" در پشت شهر ممنوعه ایجاد شد. چنین فضایی در کاخ تابستانی که سه چهارم آن را دریاچه تشکیل می‌دهد، نیز ایجاد شده است. در واقع، آب سازه‌ای جدایی‌ناپذیر از باغ‌های سنتی چین است. علاوه بر "چی" مفهوم "یین" و "یانگ" هم از اصول فلسفه فنگ شوی است. چینی‌های عهد باستان معتقد بودند که بین و یانگ دو عنصر اصلی کیهان است که هم متضاد و هم مکمل همدیگر هستند. با مثال‌هایی این مفهوم را واضح می‌سازیم. مثلا، زنان بین و مردان یانگ هستند. ایستادن بودن بین، جاری بودن یانگ، اعداد زوج، بین و اعداد فرد، یانگ، زمین، بین و آسمان



اصول فنگ شویی چیست؟

داد. همچنین، طبق فنگ شویی، شا چی در شب سنگین تر است و برای پرهیز از ورود آن به خانه در هنگام خواب باید پنجره‌ها بسته باشند. نکاتی که به آن اشاره شد درباره "شا

پیش از هر چیز به مفهوم "چی" می‌پردازیم. طبق فلسفه فنگ شویی "انرژی" است که به طور گسترده در کیهان وجود دارد. اگر این انرژی در حالت مثبت قرار گرفته باشد، شنگ چی (Sheng chi - انرژی



چی" یعنی "چی" بد بود. و حال درباره "چی" مثبت یعنی "شنگ چی" باید گفت که باید این انرژی را نگهداری کرد. یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های چینی در باره فنگ شویی به نام "زانگ شو" آورده است: "چی" با باد پراکنده می‌شود و با امواج آب به حرکت می‌آید. بنابراین برای نگهداری "چی" خوب باید از حرکت و فرار آن پرهیز کرد. از این رو، توصیه می‌شود که خانه، ساختمان یا مقبره در میان کوه و آب بنا شود. در واقع، این یکی از سنن چینی‌ها است که مسکن، واقع در جایی که پشت آن کوه و مقابلش دریاچه است، ساخته شود. چنین بنایی از نظر قانون فنگ شویی بهترین بنا خواهد بود. اگر به بنای کاخ‌های امپراتوران چینی توجه کنید می‌بینید که محیط اطراف آن‌ها چنین شکلی دارد. به طور مثال، شهر ممنوعه در شهر پکن که کاخ امپراتوران چینی بود، از نظر جغرافیایی در میان کوه و رود قرار نداشت، بنابراین اطراف کاخ خندق کنده شد و با خاک به دست آمده، کوهی به نام "جینگ شان" در پشت شهر ممنوعه ایجاد شد. چنین فضایی در اطراف کاخ تابستانی

حیاتی) نامیده می‌شود و شانس خوب در فعالیت‌های فیزیکی، روابط عاطفی و رفاه مادی خواهد بود که جریان داشتن آن به طور صحیح در خانه بسیار مهم است. اما اگر چی، به صورت راکد باقی بماند و نتواند جریانی آزادانه داشته باشد به یک انرژی مخرب تبدیل می‌شود که شا چی (Sha Chi) نامیده می‌شود. انباشته گی و بی‌نظمی، سبب آن می‌شود که چی نتواند به طور آزادانه به حرکت درآید که در این حالت به شا چی تبدیل می‌شود.

و اما برای به جریان افتادن چی در محیط، باید نکاتی را رعایت کرد، به طور مثال باید از خطوط نوک تیز اجتناب کرد. همچنین فنگ شویی معتقد است که آینه می‌تواند شا چی را منعکس کند. از این رو، برای پرهیز از ورود شا چی به خانه، چینی‌ها آینه را بالای سردر خانه قرار می‌دهند. البته آینه نباید به سمت خانه‌ی همسایه‌ها باشد چرا که این امر سبب آن می‌شود که شا چی وارد خانه دیگران شده و سبب ناراحتی همسایه‌ها شود. بر اساس انعکاس شاچی به وسیله آینه، گفته می‌شود که نباید آن را در اتاق خواب قرار

ستاره شناسی بر اساس علم قدیم چینی

پاریناز کدخدایان

مشاور با گواهینامه رسمی در فنگ شویی و ستاره شناسی

در مورد سرمایه، شانس، اقبال، عشق، دوستی، سلامتی، حرفه، خانواده، مکان زندگی و ... آگاه شوید

Parinaz Kadkhodayan
Feng Shui & Astrology Certified Consultant

www.FengShuiAndLiving.com ★ Parinaz@FengShuiAndLiving.com

(۶۵۰)۷۰۴-۵۶۸۷

شود. بررسی و حل این مسئله توسط خود شما در کنار یک مربی آگاه و باتجربه از دیدگاه صحیح و تکنیک های مخصوص، نگرشی متفاوت خارج از صحنه، گرد و خاک، راحت تر و صحیح تر می باشد. هر تصمیم و نتیجه گیری که باید انجام شود چه جدایی و چه شانس مجدد، احتیاج به سپری کردن مسیرهایی برای ترمیم دارد.

آقای بسیار مهربان که رابطه زناشویی شان به حد جدایی رسیده بود مطرح نمودند که علت ایجاد رابطه اضافه این بوده که در زندگی زناشویی زیاد مطرح نبوده اند چون همیشه همسرشان یا در حال تحصیل و یا خانه داری و بچه داری بوده اند. این مرد را مانند یک معشوق و شریک زندگی حساب نکرده و احساسات مردانه روحی و جسمی او فراموش شده بود. زندگی آنها به حالت تکرار مکررات بوده و باعث شده که او به همکار اداری خود رویاورد. همسر ایشان چون خود را پرامتیازتر از نظر ظاهری و تحصیلی از خانم همکار می دانستند، کار شوهرش برایش قابل هضم نبود. متوجه شدند که همسرشان علاقمند به آن تفاهم، و حالت خاصی را که از رابطه دوم می گرفتند بودند و این احساسات مهمتر از قیافه ظاهری و تحصیلات همسرش بود. او را در حد یک مادر فداکار و زنی نجیب می ستایند ولی برایشان کافی نبود. نیازها و خواسته های این دونفر مسلمان از زندگی زناشویی متفاوت بود.

خانمی تقاضای طلاق بعد از سالها زندگی به ظاهر پرتفاهم و آرام کرده بودند. آقای محترم سرنخی نداشتند که کجای این رابطه و در چه زمانی شکست خورده؟ او مردی مسئول، وفادار و در کل مهربان و نان آور خانواده بود. ولی این صفات عالی آیا کافی برای خانم ایشان بود؟

رابطه دوم شدن نیستند. خیانت و رابطه دوم، مانند مسکن و قرص خواب آوری هستند که فقط روی مسائل و دردهای یک رابطه، بی حسی موقتی ایجاد می کنند بدون اینکه علت عمیق درد را مداوا و درست کنند. متاسفانه خانم ها بیشتر از آقایان رابطه های نامشروع را زیادی جدی گرفته و آن را با عشق واقعی اشتباه می گیرند. وقتی بعدها به این اصل پی می برند، پشیمان می شوند و فوق العاده صدمه روحی می خورند. برای خانم ها، نزدیکی جسمی باعث وابستگی عاطفی در اکثری می شود ولی برای آقایان می تواند دو مسئله متفاوت باشد. وقتی در می یابند که برای مرد مقابل این حقیقت نداشته و دیدشان متفاوت بوده بخصوص اگر رابطه قبلی خود را از دست بدهند احساس عذاب وجدان کنند، درهم می ریزند و دچار ناراحتی های روحی و جسمی می شوند. درست است که کار نادرستی انجام داده اند و رنج آن را می کشند ولی باید بعد از مدتی خود را ببخشند و مانند اشتباهات و تجارب بد آن را پشت سر گذاشته و درس های مهم را از آن بگیرند. آقایان به خاطر تاریخ آفرینش و ذات مردانه خود، اکثرا راحت تر می توانند خود را ببخشند، گذشته را درگذرانند و پشت سر بگذرانند و زندگی را ادامه دهند. داشتن بیشتر از یک شریک برای آنها از تاریخ بشریت آسان تر از زنان بوده است. ولی زمانی که خیانت طرفین در رابطه علنی شود و طرف مقابل متوجه شود دیگر قیامت آغاز می شود! اینکه باخبر بشوند و همدیگر را ببخشند در فرهنگ ما کاری تقریبا استثنایی و دشوار می باشد. درصد کمی دارد ولی غیرممکن نیست. شوکه شدن و عدم درک درست و بعد رفتارهای غیرعادی باعث بیماری های جسمی و روحی در اشخاص و اطرافیان می

هیچوقت دیر نیست!

آتوسا یکان
مشاور و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach
atoosa30@yahoo.com



به جامعه ای صحبت می کنم که شاید فقر مادی و فکری و یا هرزگی تنها عوامل آن نیستند و علت های بسیار زیاد و مختلف برای این عمل وجود دارد.

اول از همه تاکید می کنم که خیانت در هر رابطه ای، کاری غیراخلاقی و نادرست می باشد که بسیار ناسالم و مخرب است. ولی از آنجا که انسان جایز خطا می باشد، در آمار گرفته شده در جامعه آمریکا، درصد بالایی دارد. گاهی مثل یک دروغ محسوب می شود که کسی بر روی دیگری نمی آورد! در بعضی ممالک سوء استفاده از دین و مذهب، یا فقر مالی جامعه و اصول غلط، باعث می شود که این مسئله شیوع داشته باشد ولی در جامعه مهاجر ایرانی آمریکا، مسائل و ریشه ها کاملا متفاوت است. دید من به عنوان مشاور و راهنمای زندگی و پژوهشگر روی این مسئله متفاوت است زیرا که مسائل اخلاقی به خاطر داشتن شخصیت های مختلف با طرز فکرهای مختلف، فرمول خاص و علمی ای ندارد و پژوهش و تجربه ها راه کارها و راه حل های مختلفی را برای هر کس در موقعیت خاص خود پیشنهاد می کند.

در اینجا می خواهم چند تجربه خود را که با متقاضیان داشتم مثال بزنم. در مورد اکثر خانم ها و آقایان ریشه ها و مسائل و علت های مختلفی برای این کار وجود داشته است و جنبه همگانی و عمومی ندارد. در مورد بعضی از آقایان جنسی ای کوتاه مدت و به خاطر احتیاج جنسی و یا روحی و یا تنوع طلبی ذاتی بوده که در اصل برایش پراهمیتی باشد. در مورد آقای دیگر، مسئله ای عشقی بوده که عاشق شده و متاسفانه «عشق واقعی خود را پس از عمری» در زمانی که در یک رابطه سرد زناشویی بود پیدا کرده است! در مورد بعضی خانم ها، برای پیدا کردن عشق و محبت وارد رابطه اضافه شده و کار به جاهای دیگر کشیده می شود! در مورد بعضی ها مسئله توجه و مورد قبول واقع شدن بوده است. کشش برای همدردی و همفکری... نیازهای جنسی برآورده نشده و یا رابطه مرده و ناسالم... تمام این مسائل دلیل برای خیانت و وارد

سلامی گرم و صمیمی باتمام وجود به صمیمیت آبی دریاها و گرمی آفتاب تابان. امیدوارم از مقاله های ماهیانه من لذت برده، روزگار را آسان گرفته و با شادی و سلامتی زندگی را بگذرانید. از بودن و حس کردن هر لحظه، لذت نسبی زندگی را ببرید و رمز شادی و نشاط و آرامش را که روراستی و درارتباط بودن خود با حقیقت وجود و هشیاری در لحظه هاست (Self awarness) بکار برده باشید. من برای یادآوری و یا آگاهی خوانندگان تازه مقاله هایم، گاهی اشاره به مطالب قبلی در مورد خودشناسی و خودسازی می کنم. همه بدنیاال خوشحالی و خوشبختی هستیم. خوشحالی عاملی درونی است و حق همه انسانها و موجودات است. بیشتر به خود ما و دیدگاه ما به زندگی، نگرش ما به آن، آسان گرفتن زندگانی بستگی دارد. مسائلی مانند ارتباط حقیقی با حقیقت وجودمان، بخشش ها و در لحظه بودن ها، توجه کامل به جسم و روح خودمان (ورزش، Meditation، غذای خوب و سالم) خودشناسی و خودسازی راه هایی برای رسیدن به نشاط اولیه ذاتی و خوشحالی و آرامش ماست. گل خوشحالی و عطر آن در زندگی فقط در باغچه ای می روید که خود کاشته ایم و بارور کرده ایم. این ما هستیم که نباید به خودمان (بعله خودمان) اجازه بدهیم که کسی و یا چیزی آن را از ما بگیرد. در مورد مسائل غیرقابل کنترل هم، باید یاد بگیریم که از بدترین، بد را و بعد کم کم خوب را بسازیم و با آن کنار بیاییم. ما انسانها، اشرف مخلوقات هستیم و فکر و مغز و بدن ما بسیار قادرتر از آن است که فکر می کنیم.

بحث و مقاله این ماه را به پیشنهاد خیلی از عزیزان ایرانی به مسئله خیانت و مسائل وابسته آن اختصاص می دهیم. زیرا که متاسفانه این مشکلی مطرح در جامعه ما بوده و مراجعین بسیاری برای راهنمایی در این مورد داشته ام. خیانت مسئله ای حساس و خصوصی است که کسی راجع به آن صحبت نمی کند. من وارد مسائل حاکم بر ایران که ریشه های اقتصادی و یا سوء استفاده دینی دارد نمی شوم و راجع



آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach

atoosa30@yahoo.com

- ♦ رسیدن به شادی و رضایت خاطر نسبی
- ♦ تصمیم گیری های درست و هدف یابی
- ♦ روابط، حل اختلافات و تضادهای فرهنگی
- ♦ خودشناسی، اعتماد و حرمت نفسی
- ♦ صحبت های مثبت با تین ایجرها
- ♦ به دست آوردن نشاط و شادی درونی

(۹۲۵) ۲۹۷-۹۷۰۰



رنگ‌ها در کشورها چه مفهومی دارند؟

نمادها، نشانه‌هایی هستند که در هر فرهنگ وجود دارند و به صورت رنگ، عدد، شکل و غیره خودنمایی می‌کنند. در این میان رنگ‌ها در فرهنگ‌های مختلف مفاهیم سمبولیک متفاوتی را انتقال می‌دهند. به گزارش تازه، در هر فرهنگی، تلقی مردم از هر رنگ، مبتنی بر روابطی است که آنها بین رنگ‌ها و معنایشان پدید می‌آورند. به عنوان مثال در غرب، سبز به معنای امیدواری، سفید به خلوص، سیاه به عزاداری، قرمز به عشق یا انقلاب و زرد به دشمنی و کینه توزی نسبت داده می‌شود. در حالی که در چین، سفید به پرهیزکاری و زرد به اعتماد و صداقت و سیاه به کدورت و بی‌علاقگی مربوط می‌شود. در فرهنگ هندی، قرمز به معنای جاه طلبی و آرزوست و... در همین زمینه گروه تولید تازه در گزارشی کوشیده است به معنانشناسی مفهوم رنگ‌های اصلی در نزد فرهنگ‌ها و ملل مختلف بپردازد.

قرمز: رنگ قرمز، که به نوعی رنگ خون است، بسته به فرهنگ ملل تعابیر متفاوتی می‌تواند داشته باشد. در چین قرمز یک رنگ سنتی برای لباس‌های عروسی است. پاکت‌های کاغذی قرمز پر از پول، هدیه‌های سنتی سال جدید قمری چینی برای بچه‌ها می‌باشند. در فرهنگ چینی، پوشیدن قرمز یا قوتی سبب طول عمر می‌شود. اما یکی از تعابیر منفی رنگ قرمز در آسیای جنوب شرقی این است که ترحیم نامه‌ها، به صورت

مهمان‌ها بدهید تا ابتدا در محیط احساس راحتی بیشتری داشته باشند. حال به اتاق غذا خوری نگاه می‌کنیم. حتماً به این نکته توجه کنید که با نور پردازی مناسب اتاق غذا خوری در ساعت مختلف شبانه روز چه برای پذیرایی از مهمانان رسمی و چه برای استفاده روزانه، شما می‌توانید انتظار یک فضای خودمانی در عین حال شیک را داشته باشید. نکته کلیدی نصب و انتخاب لوستر مناسب در بالای میز غذا خوری است. نصب لوستر هم جلوه کلی دکوراسیون را تحت تاثیر قرار میدهد و هم سبک دکوری اتاق را مشخص تر میکند. برای میزهای بلندتر

سنتی با جوهر قرمز نوشته می‌شوند. اما همین رنگ در ترکیه نشانه مرگ است. در ژاپن، رنگ قرمز نماد از خودگذشتگی است و یک رنگ فراگیر و همه‌جا حاضر است. در مصر باستان، خدایی که آسمان را از زمین جدا کرد (شو Shu)، قرمز بود. سنگ‌های قرمز در معالجه بیماری‌ها و محافظت از آتش و رعد و برق استفاده می‌شدند و جوان‌هایی با موهای قرمز، برای اطمینان از برداشت خوب محصولات، قربانی می‌شدند.

بہتر است کہ بہ جای یک لوستر بزرگ از دو لوستر یا اویز کوچکتر استفاده کنید با این کار نور هماهنگ بیشتری را بہ تمام سطح میز غذا خوری انتشار میدہد. بہترین فاصلہ لوستر از میز غذا خوری بین ۳۰ تا ۳۲ اینچ میباشہد. ہرچند کہ وجود لوستر برای نور پردازی در فضای اتاق غذا خوری در بالای میز مهم است اما کافی نیست. قرار دادن نور دیواری با لامپ‌های کم نور تر نور پردازی را کامل و فضا سازی را زیباتر میکند. اگر میز کنسول دارید، می‌توانید با روشن کردن شمع ہا بر روی ان انعکاس لظیفی از نور را ایجاد کنید.

جهت اطلاع

با از دست دادن چندین سخنران معروف در سن حوزه، جهت انجام کلیه مراسم مذهبی، بانویی آماده است با سخنرانی در مجالس ختم عزیزان، روح رفته‌گان شما را شاد و باعث آرامش خاطر بازماندگان گردد!

همچنین انجام مراسم عقد شرعی و قانونی!

جهت کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با
تلفن‌های زیر تماس حاصل فرمایید!

۹۰۳۳-۶۰۳-(۴۰۸)
۶۴۴۰-۳۷۱-(۴۰۸)



نسرین حسینی

مشاور دکوراسیون و طراحی

www.Luxorinterior.com

Nasrin@luxorinterior.com

نور پردازی در دکوراسیون

شاید تا به حال اتاقی را با دکوراسیون یک جور در ساعت مختلف شبانه روز دیده باشید ولی همین اتاق در نور آفتاب و در شب در نور چراغ کاملاً متفاوت به نظر بیاید. به همین دلیل توصیه میشود برای خرید خانه بهتر است که آن را در روز و با وجود نور آفتاب برانداز کنید.

ارتفاع ۶ فیت می‌توانید نقطه کانونی اتاق را برجسته تر و بارز تر نشان دهید. و یا با قرار دادن نور های هالوژن دیواری رو به پایین در بالای تابلوهای نقاشی حالتی کاملاً مطلوب و گرمی را به اتاق نشیمن ببخشید. بخاطر داشته باشد هیچگاه به نور پردازی تلویزیون به عنوان نقطه کانونی نپردازید. زیرا که تلویزیون روشن با اندازه کافی نور داشته و اضافه کردن چراغ بر روی آن موجب اختلال در دید اشخاص میشود. یکی دیگر از کاربردهای

وجود نور پردازی سهم عمده‌ای در تغییر و تنظیم فضای منزل و یا مکان کار شما را دارد. شما می‌تواند با نور پردازی مناسب فضا و محل زندگی خود رابه محیطی دلپذیر تر و آرام بخش تر تبدیل کرده و همچنین احساس کل دکوراسیون را تحت تاثیر قرار دهید و آن را مطابق سلیقه خود در آورید. در نظر گرفتن نکاتی چند می‌تواند شما را در این امر کمک کند. ابتدا به نورپردازی در اتاق نشیمن نگاهی داریم. در دکوراسیون یک اتاق نشیمن از



مهم نور پردازی در دکوراسیون داخلی ایجاد تقارن و تعادل در اتاق میباشد به این منظور با قرار دادن یک جفت آباژور رو میزی یکسان می‌توانید این هماهنگی را در فضای اتاق بوجود بیاورید. به خاطر داشته باشید که انتخاب نورهای گرمتر به نورهای سردتر یا فلورسنت ارجحیت دارند. و امروزه می‌توانید لامپهای با سایه های نوری مختلف را در مدل های کم مصرف تهیه کنید. نصب دیمر واثر آن را دست کم نگیرید. شما می‌توانید اتاق نشیمن خود را در ساعت مختلف به فضاهای متفاوتی تبدیل کنید. تنظیم دیمر به شما فرصت لذت بردن از فضای شاعرانه تر در محیطی رومانتیک و یا خلق اتاقی پر از انرژی و پذیرایی از میهمانان را به شما میدهد بهتر است که از نور دیمر برای آغاز میهمانی استفاده نکنید و این فرصت را به

آنجایی که مکانی برای استفاده همه اهل منزل میباشد توجه به ساختن محیطی گرم، دلنشین و راحت مورد اهمیت است یکی از نکات مهم، نور پردازی کامل در این اتاق میباشد. یعنی استفاده از سطح های مختلف نور برای جلوه بخشیدن به عناصر و رنگ های موجود در محیط. با نصب نور های سقفی، دیواری و بالاخره زمینی نورهای سقفی برای انتشار هماهنگ روشنایی در فضای اتاق نشیمن نقش اصلی را دارا هستند. معمولاً برای پذیرایی از مهمان‌ها و یا در زمانهایی که اهل خانه دور هم جمع میشوند استفاده از نورهای سقفی به صورت چراغهای سقفی در فواصل مشخص از دیوار و همچنین از همدیگر کار آرای می‌فید تری دارند. همچنین با نصب یک جفت چراغ دیواری در دو طرف شومینه یا یک اثر هنری به

۳- به روایت افلاکی محمدین حسین خطیبی معروف به بهاء ولد پدر مولانا با خاندان خوارزمشاهی جهت پیوند با قطب الدین انوشکین پدراستز متوفی ۵۲۱ نسبت داشته که این امر مورد تایید جامی و امین احمد رازی نیز می باشد و مرحوم بدیع الزمان فروزانفر هم در آثار خود به آن اشاره دارد که این انتساب به هروجه که باشد سند دیگری بر ملیت ایرانی جلال الدین است.

۴- زبان مولوی فارسی است و کلامش تابع ویژگی های مخصوص به خود از نظر بکارگیری الفاظ و ترکیبات فارسی است.

۵- آثار مولوی که تماماً فارسی است، او بیشتر از ۷۰ هزار بیت در ۵۵ وزن در اشکال مختلف از مثنوی، غزل، قصیده، مقطعات، لمعات، رباعیات و ترجیعات دارد که حدود ۴۲ هزار بیت آن در دیوان

و ۱۶۵ ب بخصوص صفحات ۷۸۱-۷۸۲ و ۷۸۳ می باشد. این کتاب متضمن اطلاعاتی وسیع در آن زمان نشان می دهند. ضمناً نقشه ای به استاد ماخذ و منابع تاریخی از ایران پهناور و خراسان بزرگ در آن روزگاران تهیه و تدوین گردیده است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود می باشد که این مدارک نشان می دهد که بلخ در آن زمان شهری از خراسان بزرگ در حاکمیت ایران بوده است. مضافاً براینکه در آن دوران کشورهایی به نام پاکستان و افغانستان وجود خارجی نداشته تا مولوی از آن کشورها باشد.

۲- پدر مولوی محمدحسین خطیبی معروف به بهاء ولد در شهر بلخ مسند تدریس و فتوی داشته و در مجلس درس خود به امام فخر رازی استاد سلطان محمدخوارزمشاه می تاخت که به همین سبب مورد قهر این پادشاه قرار می گیرد و برای این که به سرنوشت مجددالدین بغدادی که به امر سلطان محمد خوارزمشاه به رود جیحون افکنده و هلاک



شمس (دیوان کبیر) و ۲۹ هزار در دفاتر شش گانه مثنوی است و این غیر از دیگر آثار او چون فیه مافیه و مجالس سبعه و مکتوبات است این آثار عظیم به زبان فارسی تایید دیگری بر ملیت ایرانی اوست.

۶- سبک نگارش مولوی به شیوه فارسی و با بکارگیری ترکیبات و تشبیهات و بهره گیری از صنایع لفظی چون استعاره و مجاز و کنایه برای اظهار معانی درست با اسلوب شعرا و نویسندگان ایران و معاصرانش در قرن هفتم تطبیق و سازگاری دارد.

۷- استفاده از داستان ها و حکایات و اساطیر مضامین بکر و ضرب المثل های فارسی شاهد دیگری بر این مدعا است که جلال الدین به هیچ قوم و ملیت دیگری نمی تواند وابسته باشد.

شد گرفتار نشود به توصیه نجم الدین کبری و به بهانه انجام فریضه حج از بلخ خارج شد. در این مسافرت ابتدا در نیشابور با عطار ملاقات کرد که عارف نامبرده اسرارنامه خود را به مولانا که تقریباً ۱۲ ساله بود اهدا می کند و به بهاء ولد نوید می دهد که زود باشد فرزند تو آتش در همه سوختگان عالم زند و بعد مولانا همراه پدر به بغداد و مکه و شام می رود و سرانجام به توصیه و دعوت علاء الدین کیقباد پادشاه سلجوقی روم در قونیه رحل اقامت می افکند. مولانا تا زمان مرگ پدر مدت ۲۴ سال از ارشاد و هدایت و تعلیمات عرفانی او برخوردار بود که مسلماً در طول این مدت شخصیت و افکار و اندیشه و سنن و آداب او رنگ و شکل ایرانی خود را گرفته است.



نقدی بر فیلم مستند «رومی» دکتر حسن مسیح پور

«شنو از نی» مطالبی درباره عشق و آرا دیگر مولوی مطرح شده که عموماً ناقص و مجمل و در خور بحث و بررسی است. بدین جهت بر خود لازم دانستم که با انتشار نقدی کوتاه در این باره توجه خوانندگان را به نکات زیر جلب کنم:

۱- مولوی نه هندی، نه افغانی و نه رومی است، بلکه به دلایل زیر ایرانی است و ملیت ایرانی دارد: همه می دانند که مولوی در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری قمری در بلخ متولد شده است که این شهر مانند خوارزم و هرات در آن زمان از شهرهای بزرگ و مرکز علم و ادب و عرفان ایران بوده است و حتی هرات تا اواسط دوره قاجاریه جز خاک ایران بوده که به علت عدم کفایت پادشاهان قاجار از ایران جدا گردیده است. سند بارز این ادعا کتاب ترکستان نامه بارتولد واسیلی ترجمه کریم کشاورز در دو جلد در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره های ۴۰۷/۵۹۸ ت

نقدی بر فیلم مستند تلویزیونی کانال پی بی اس PBS آمریکا تحت عنوان «رومی» از مسائلی که در محافل ادبی مطرح و موجب بحث و گفتگو و ناخرسندی ایرانیان گردیده فیلمی است از زندگی و افکار و آرا ستاره درخشان آسمان ادب و عرفان ایران مولانا جلال الدین محمدبلخی که از کانال پی بی اس آمریکا تحت عنوان رومی پخش گردیده است.

زیرا در این فیلم که به وسیله «هیدن ریس» تهیه گردیده و باچند نفر از صاحب نظران از جمله آقای کلنن بارکس Coleman Barks مصاحبه شده جز در ابتدا که اشاره به بلخ محل تولد مولوی شده است هیچ جای دیگر از اینکه مولوی ایرانی است و ملیت ایرانی دارد ذکری به میان نیامده است. در موسیقی متن فیلم نیز از آلات موسیقی پاکستانی و افغانی استفاده شده و یک آلت موسیقی ایرانی بکار گرفته نشده است و نیز با استفاده از ابیات آغاز مثنوی



دفتر حقوقی رامین مظفر

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال

Ramin Mozaffar
Attorney at Law

Knowledgeable &
Experienced



- ◆ Family Law
- ◆ Business Law
- ◆ Criminal Law
- ◆ Immigration Law

- ◆ امور خانواده
- ◆ امور تجاری
- ◆ امور جنائی
- ◆ امور مهاجرت

Law offices of Ramin Mozaffar

www.itlaws.com ◆ advocate@itlaws.com

San Jose

سن جوزه
(408)288-8488

San Francisco

سانفرانسیسکو
(415)218-8141

San Mateo

سن متئو
(650)347-5800

5201 Great American Parkway, Suite 320, Santa Clara, CA 95054

کنسرت امید در سن حوزه

شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در Center for the Performing Arts

تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱(۴۰۸)





بهرام گرامسی
bgrami@yahoo.com

گنده یا گنده؟

ماهی از سر گنده باشد نه ز دم
Fish begins to stink from the head

این مَثَل فقط متعلق به ما ایرانیان و فارسی‌زبانان نیست که آن را به هر نحو که بخواهیم بخوانیم و معنی کنیم. به علاوه، واژه گنده (با ضمه) به معنی بزرگ در نظم و نثر قدیم فارسی دیده نشده است. شک و تردید در خواندن مَثَل بالا یا در واقع مصراع‌های از این بیت مولوی: «نفس اول راند بر نفس دوم / ماهی از سر گنده باشد نه ز دم» (۱) طی سالیان بسیار تا آن جا بوده که در نخستین سال تحصیلی بعد از انقلاب اسلامی ایران (۵۹-۱۳۵۸)، دولت موقت در سرآغاز کلیه کتاب‌های درسی - که با توجه به تعداد کل دانش‌آموزان کشور در کلاس‌های مختلف وجود چند کتاب درسی برای هر دانش‌آموز بالغ بر میلیون‌ها نسخه کتاب می‌گردید - چنین آمده بود: «سخنی با دبیران و دانش‌آموزان عزیز: مولوی یکی از شاعران اندیشمند کشور ما می‌فرماید: ماهی از سر گنده گردد نی ز دم»* و در زیر همان صفحه در برابر علامت * توضیح داده شده بود که «گاف در کلمه گنده را می‌توانیم هم با زیرِ بخوانیم و هم به پیش، یعنی هم آسیب‌پذیری و هم رشد ماهی از سر است». در همان صفحه، در زیر مصراع مورد بحث آمده بود که «انسان مثل ماهی از راه سر، که جایگاه اندیشه و احساس اوست، بزرگ می‌شود، رشد معنوی پیدامی‌کند، یا آسیب‌پذیری و فاسد می‌شود. به همین جهت دشمنان امت‌ها، جهانخواران، در همه جهان برای آسیب رساندن به ملت‌ها ابتدا به سوی فرهنگ و اندیشه آنان نشانه می‌روند». از آن زمان، این فکر مکرر با من بوده که چرا باید از میان صدها بیت شعر آموزنده و حکیمانه در ادب فارسی، گفته‌ای انتخاب شود که مسؤولان آموزش و پرورش کشور خود به تلفظ و معنی آن یقین نداشته باشند، زیرا به نظر من طرح این موضوع که خواندن آن مصراع به دو صورت امکان‌پذیر است و

لذا می‌تواند دارای دو معنی باشد، در ذهن دانش‌آموز ایجاد تردید می‌کند و از قوت کلام و تأثیر شعر در ذهن او می‌کاهد. اصل قضیه آن است که مصراع مورد بحث یک مثل قدیمی از یونان باستان است، مبتنی بر این واقعیت مشهود که گندیدگی ماهی همیشه از سر آن شروع می‌شود و به سمت پایین بدن حیوان ادامه می‌یابد. اصل مثل به زبان یونانی عهد باستان است و مولانا که در قونیه آن روز با فلسفه و حکمت و فرهنگ یونان باستان آشنایی داشته، مثل را از اصل آن برگرفته و به فارسی بیان نموده است. این مثل در زبان انگلیسی (۲) به صورت زیر است: **Fish begins to stink from the head** و در کتاب‌ها و فرهنگ‌های زبان‌های مختلف از آن به عنوان یک مَثَل یونانی یاد می‌شود. (۳، ۴، ۵) گشتی در اینترنت نشان می‌دهد که بعضی ملل از جمله چینی‌ها، روس‌ها، ترک‌ها، ایتالیایی‌ها، فرانسوی‌ها و انگلیسی‌زبانان گاهی این مثل را از خود دانسته‌اند! صدها مورد وجود دارد که نویسندگان و گویندگان ملل عالم طی قرون متمادی در بیان ریشه‌های فساد و ظلم به این مثل استناد کرده‌اند که به چند نمونه زیر اکتفا می‌شود:

◆ در کتاب **Civil Conservation** تألیف **Guazzo** در سال ۱۵۷۴ و ترجمه آن توسط **Pettie** در سال ۱۵۸۱.

◆ در فرهنگ فرانسه / انگلیسی تألیف **Cotgrave** در سال ۱۶۱۱.

◆ در کتاب **Account of two voyages to new England** تألیف **Josselyn** در سال ۱۶۷۴.

◆ توسط آقاخان رهبر اسماعیلیه در سال ۱۹۱۵.

◆ مقاله روزنامه‌سندی تلگراف مورخ ۱۶ مه ۱۹۸۱.

◆ توسط **Michael Dukakis** در سال ۱۹۸۴ در مبارزه انتخاباتی با رونالد

ریگان. شکم گنده، سر گنده، زن یا مرد گنده (به معنی کبیر و دوران بچگی را گذراننده)، و بالاخره گنده گویی و گنده پرانی کردن به کار می‌رود که همه از زبان‌دهای عامیانه و نسبتاً جدید است.

در لغت نامه، ترکیب «گنده سبلت» (با ضمه) به معنی «سبیل کلفت» و «کسی که بروت او بزرگ است» آمده و به عنوان شاهد فقط بیت میانی زیر (بدون ذکر نام شاعر) آورده شده است

نظامی گنجوی ار چه نمرده ست مرده انگارم
به نظم مرثیتش حق طبع بگذارم
ز شعر مرثیت من به آرزو برسد
طبع به مجلس آن گنده سبلت آن دارم
هزار لعنت بر شعر و بر نظامی گنجوی باد
اگر چه باشم در خواب و گر چه بیدارم

ایات بالا برگرفته از هجویه‌ای است در ۴۱ بیت از سوزنی سمرقندی که در مذمت نظامی گنجوی سروده و بر خلاف آنچه در لغت نامه آمده واژه گنده در ایات بالا به همان معنی گندیده یا بدبو است، زیرا گنده سبلت یا گنده سبیل مانند گنده دهن و گنده بغل برای دشنام به کار می‌رفته است (۶). با توجه به آن چه گذشت نباید واژه رایج و جالفتاده گنده (با فتحه) در شعر قدیم فارسی را با واژه عامیانه و نسبتاً جدید گنده (با ضمه) که در شعر قدیم فارسی سابقه نداشته است مشتبه بگیریم و مثلی نوظهور را جایگزین مثلی معروف و پذیرفته شده در میان ملل جهان بنماییم.

(۱) به نقل از صفحه ۲۵۳ نسخه قدیمی مثنوی، معروف به مثنوی نسخه قونیه، که به تدبیر فرزند مولانا جلال‌الدین محمد بلخی تحریر گردیده و تاریخ پایان کتابت آن فقط ۵ سال و ۲۵ روز پس از وفات مولانا است.

(۲) The Oxford Dictionary of Proverbs, J. A. Simpson, Oxford University Press, 1982, p. 82. 3) The Oxford Dictionary of English Proverbs, Third Edition, E. P. Wilson, Oxford at the Clarendon Press, 1970, p. 263. 4) Random House Dictionary of Popular Proverbs and Sayings, Gregory Titleman, 1996, p. 1022. 5) Dictionary of Proverbs, David Pickering, Cassell Publishing, London, UK, 1997, p. 98.

(۶) سنایی در دو بیت متوالی از یک قصیده، در دشنامی رکیک، به کسی نسبت گنده ریش و گنده بروت می‌دهد و مسعود سعد نیز همان ترکیب را آورده است: من همی گفتم این و هانف گفتم / سبلت و ریش گنده کم جنبان. و بالاخره، مولوی خود نیز در مثنوی خوردن حلوا از دست احمق را شبیه به بوسیدن نشیمنگاه خر می‌داند و متعاقب آن در بیت بعد می‌گوید: سبلت گنده کند بی فایده / جامه از دیگش سیه بی مایده (مایده = خوردنی، سفره غذا).

موسیقی سنتی ایرانی

موسیقی سنتی ایرانی، شامل دستگاه‌ها، نغمه‌ها، و آوازا، از پیش از میلاد مسیح تا به امروز سینه به سینه در میان مردم ایران جریان داشته، و آنچه دل‌نشین‌تر، ساده‌تر و قابل‌فهم‌تر بوده‌است امروز در دسترس است. بخش بزرگی از آسیای میانه، افغانستان، پاکستان، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، و یونان متأثر از این موسیقی است و هر کدام به سهم خود تأثیراتی در شکل‌گیری این موسیقی داشته‌اند. از موسیقی‌دان‌ها یا نوازندگان موسیقی در ایران باستان می‌توان به «باربد» و «نکیسا» و «رامتین» اشاره کرد.

مقام‌های چندانگانه را هفت دستگاه و پنج آواز گرفت.



از اولین راویان ردیف می‌توان به خاندان فراهانی یعنی آقا علی اکبر فراهانی - میرزا عبدالله - آقا حسینقلی و... اشاره کرد. ردیف‌هایی که اکنون موجودند شامل ردیف میرزا عبدالله، ردیف آقا حسینقلی، ردیف ابوالحسن صبا، ردیف عالی علی اکبر شهنازی، ردیف موسی معروفی، ردیف دوامی، ردیف طاهرزاده، ردیف محمود کریمی، ردیف سعید هرمزی، ردیف مرتضی نی‌داوود و... هستند. امروزه، ردیف میرزا عبدالله، ردیف صبا، ردیف شهنازی و دوامی کاربری بیشتری دارند و بیشتر در مکاتب درس موسیقی آموزش داده می‌شوند.

پیا کرده و نغمه‌های خسروانی را در سرزمین ایران زمین طنین انداز کرده‌اند. اساتید: زنده یاد ناظمی و زنده یاد ساغری - عارفی - عطائی - پوریان - راسخ - رضوانی - رضائی - تهرانی - صادقی و...

ردیف: موسیقی ردیف دستگاهی امروز ایران از دوره آقا علی اکبر فراهانی (نوازنده تار دوره ناصرالدین شاه) باقی مانده‌است. آقا علی اکبر فراهانی به واسطه میرزا تقی خان فراهانی (امیر کبیر) برای نشر موسیقی ایرانی به دربار دعوت شد. سپس این موسیقی توسط آقا غلامحسین (برادر زاده آقا علی اکبر) به دو پسر علی اکبرخان به نام‌های میرزا حسینقلی و میرزا عبدالله، آموخته شد و آنچه از موسیقی باستانی ایران امروزه مورد استفاده‌تر و معروف‌تر است، دسته‌بندی موسیقی توسط این دو استاد در قالب مجموعه نواخته‌ها و آموزش هایشان است که به نام «ردیف موسیقی» نامیده می‌شود.

ردیف در واقع مجموعه‌ای از مثال‌های ملودیک در موسیقی ایرانی است که تقریباً با واژه رپرتوار در موسیقی غربی هم‌معنی است. یک مجموعه ردیف، مجموعه مثال‌هایی موسیقایی از هر کدام از گوشه‌های یک دستگاه است که بیانگر نسبت‌نهای مورد استفاده در آن گوشه و حال و هوای احساسی آن است.

گردآوری و تدوین ردیف به شکل امروزی از اواخر سلسله زند و اوایل سلسله قاجار آغاز شده‌است. یعنی در اوایل دوره قاجار سیستم مقامی موسیقی ایرانی تبدیل به سیستم ردیف دستگاهی شد و جای

یک مهر - دو مهر - سه مهر طبقه بندی نموده است.

در پایان جا دارد که نام چندی از سازندگان متبحر سنتور را ذکر نمایم که با دستان هنرمند خود و با ظرافت و مهارت از چوبهای خشک و خاموش، شور و غوغایی

سنتور یا شاهان تور

وحید باقری



سنتور کشمیری توسط ترکان سلجوقی به نقاط مختلف دنیا برده شد و به اشکال مختلف درآمد. سیمبالم در مجارستان، هک پرت در آلمان، دالسیم در اسکاتلند و انگلیس، یانک کین در چین از جمله سنتورهای تغییر یافته است. سنتور در اندازه‌های مختلف نه، ده، یازده و دوازده خرک ساخته می‌شود. در گذشته

این ساز در حدود ششصد سال پیش توسط امیر خسرو دهلوی ساخته شد البته در زمان فارابی سیم فلزی استفاده نمی‌شده است. تور در کلمه سنتور منظور تور ماهیگیری است. نوع صدا، صدای برخورد آب به صخره هاست و شکل ساز به شکل کشتی است. مضراب‌ها همانند پاروی کشتی است. این ساز در زمان «اورنگ زب»



سنتور دوازده خرک متداول بوده ولی در حال حاضر سنتور نه خرک متداول است و نت‌نگاری سنتور براساس سنتور نه خرک می‌باشد. برای ساخت سنتور از چوبهای راش، فوفل و گردو استفاده می‌شود. ولی مناسب‌ترین چوب، چوب گردو می‌باشد که هرچقدر کهنه‌تر و خشک‌تر باشد سنتور خوش‌صداتر و زنگ‌دارتر می‌شود. به همین منظور بعضی از سازندگان سنتور چوب‌های گردو را مدت زیادی در لای فضولات چهار پایان قرار داده تا کاملاً آب خود را از دست داده و خشک شوند.

سنتورهای بسیار نفیس و مرغوب از چوب درب‌های قدیمی باغها که در روستاهای ایران یافت می‌شود تهیه می‌شود. شهرهای سنندج، تویسرکان و نهاوند بهترین منابع چوب گردو می‌باشند.

استاد داریوش سالاری که یکی از محققین و مبتکرین در ساخت سنتور می‌باشد و مقاله مندرج ثمره سالها تحقیق او در ایران و هندوستان می‌باشد سنتورهایش را براساس قدمت و مرغوبیت چوبهای گردو به درجات

آخرین پادشاه مغول ایرانی توسط محمد صادق خان معروف به سنتورخان به دربار قاجاریه آمد.

از سال ۱۸۵۰-۱۸۰۰ میلادی تا زمانیکه برق به تهران نیامده بود، سیم‌های آن از هندوستان تهیه می‌شد، اما با ورود برق به تهران، استاد حبیب‌سما توسط سازندگان ارمنی و یهودی از سیم‌های برق به ضخامت چهل صدم میلیمتر استفاده نمود و آنرا از لحاظ اندازه نیز کوچکتر نمود و سنتور سل کوک را برای مردان و لاکوک را برای صدای زنان در نظر گرفت. صدای سوپرانو در سنتور بیشتر شنیده می‌شود، اما صدای مرد یا آلتونیز قابل ساخت است. گل سنتور گل داودی است که یادگار سازندگان یهودی است. مضراب انگشتی به شکل کلیدسل شکسته نیز از ابتکارات سازندگان ارمنی است.

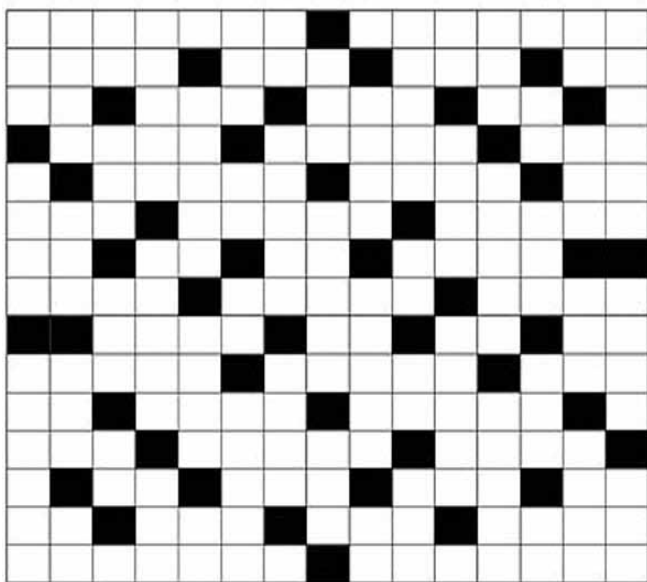
خرک‌های سنتور که در قدیم از مهره‌های سرباز شطرنج استفاده می‌شد بعدها بسیار ظریفتر شد و کلاً این ساز طی یکصد سال اخیر به تکامل رسیده است. انواع مختلف

آموزش سنتور - تمبک
توسط: وحید باقری
با بیش از ۲۰ سال سابقه تدریس در ایران و آمریکا
سانفرانسیسکو: ۶۰۲۵ - ۴۵۷ (۹۲۵)
تهران: ۳۲۶ ۷۹ ۸۶ - ۰۹۱۲

حل جدول در صفحه ۵۰

سرگرمی

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



پژواک ماهنامه

پل ارتباطی ایرانیان شمال کالیفرنیا
۸۶۲۴-۲۲۱ (۴۰۸)

پژواک ماهنامه

عمودی:

- ۱- از نام‌های خداوند متعال- سیاره بهرام- ساز و آوا
- ۲- از حروف انگلیسی- شایسته- دست درد- اتاق مدرسه
- ۳- پدربزرگ- کیف مسافرتی- زنگ بزرگ- تکه پارچه
- ۴- سلاح کاشتنی- پوشیده داشتن- زمین‌ها
- ۵- خاندان- مضایقه- زن زیبا
- ۶- برابر- خسیس- صدمه- از حروف یونانی
- ۷- بلندترین شب سال- غمگین- واحد سطح
- ۸- نوعی بستنی- بردش معروف است- افراد پیرو پیامبر (ص)
- ۹- رود اروپایی- دستور- نصفه
- ۱۰- قرض و بدهی- گشوده- حزن و اندوه- آزادی
- ۱۱- ساحل- ترشی- تلخ عرب
- ۱۲- خراب- زیباچهره- دهر روز
- ۱۳- پایه- سازمان جاسوسی آمریکا- ظرف پلو- نیلوفر هندی
- ۱۴- آگاه- یارتام- به‌جز- آب منجمد
- ۱۵- تقویت رادیویی- آرایش سینمایی- باج و خراب.

افقی:

- ۱- انرژي- از فیلم‌های در حال اکران «محمد رضا گلزار»
- ۲- طاقچه- کلاه تاجدار پادشاهان- شهر شرقی آلمان- تاج گل
- ۳- نام سوره‌ای در قرآن- همراه کباب- حیل و نیرنگ- زیر پا مانده
- ۴- دایره شکل و مدور- گردآوری مطالب- درست و مستقیم
- ۵- آب روستایی- تله و دام- دارای اختلالات روحی
- ۶- موازات- عقیده درونی- پاداش
- ۷- شهر شمالی- ضمیر اجتماعی- قصد و اراده- شهر مذهبی نزدیک تهران
- ۸- سنگ طلق- نامی دخترانه- سفره چرمین
- ۹- رفوزه- درون دهان- لحظه کوتاه- آبری متنوع
- ۱۰- حافظه- اتومبیل و هر نوع دستگاه- موجب سردرد
- ۱۱- پسر مازنی- از وسایل بازی کودکان- وسط
- ۱۲- تمام- همراه عروس- شگون
- ۱۳- دختر کارتونی معروف- شعله آتش- ماه مدرسه- مخزن الاسرار
- ۱۴- برتر- فارسی زبان- کل- تصدیق آلمانی
- ۱۵- عظمت طلبی- نگون بخت.

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نیمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است. برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۳۹-۰۹۹۸-۹۲۵ یا ایمیل mayheravi@yahoo.com تماس حاصل فرمایید.

جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه
www.ferdosi.org
۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰
ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت. مکان:
Fremont, Main Library
۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰
۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰
ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو

اولین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب. تلفن اطلاعات: ۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰
1290 Fulton Ave., #3
Sacramento, CA

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو شنبه ها ساعت ۱۰ شب از کانال ۱۵ سن حوزه

آموزش شعر و ادب با نصرت الله نوح

در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. هر هفته در روزهای سه شنبه از ساعت ۷ تا ۹ عصر برگزار می شود.
۹۶۸۵-۵۶۵ (۶۵۰)
Ortega Park, 636 Harrow Way, Sunnyvale

شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰
۱۲۳۴-۳۶۹ (۴۰۸)
۶۴۴۰-۳۷۱ (۴۰۸)
مکان: رستوران ساقی
1392 S Bascom Ave, San Jose
ورودیه با شام ۲۵ دلار

کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس حاصل فرمایید.
۲۹۲۲-۷۲۵ (۴۰۸)

تلفن اطلاعات ۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)

نیاز مندیها

موقعیتی استثنایی

بعد از ۳۰ سال موفقیت و با وجهه بسیار عالی، به علت بازنشستگی، مغازه بونیکو در بهترین منطقه شهر کاپیتولا، با منظره رو به دریا، برای فروش و یا اجاره.
(831) 325 3270 (831) 476 6856

استخدام

به خانمی با گواهینامه معتبر رانندگی و با داشتن اتومبیل، جهت نگهداری از فرزند ۱۰ ساله در سانتا کلارا به صورت Part Time احتیاج داریم.
(۴۰۸)۴۴۱-۴۴۰ (۴۰۸)۶۵۸-۴۶۲۰

جویای کار

خانمی با ۱۲ سال تجربه و دارای مدرک Child Development و با گواهینامه معتبر رانندگی و داشتن اتومبیل، آماده نگهداری از فرزندان دلبدن شما.
(۴۰۸)۷۲۸-۰۸۷۵

استخدام

برای نگهداری از یک کودک ۴ ماهه در منطقه سانفرانسیسکو به یک خانم ایرانی برای یک دوره دراز مدت و بصورت تمام وقت نیازمندیم. و سائل معیشتی از قبیل خوراک، پوشاک، محل زندگی و بیمه درمانی نیز تامین خواهد شد.
لطفا در اسرع وقت با تلفن ۶۲۲۳-۵۰۸(۵۱۰) و یا ایمیل fshehabi@gmail.com تماس حاصل فرمایید.

جویای کار

خانمی تحصیل کرده، قابل اعتماد، قابل اتکاء آماده نگهداری از سالمند یا فرزند عزیز شما همراه با آشپزی غذاهای ایرانی و خانه داری سبک.
(۵۱۰)۴۷۹-۶۹۹۲

با درج آگهی در نشریه پژواک پیشه و خدمات
خبره را به ایرلاینج شمال کالیفرنیا معرفی کنید

فانل ستارگان

دعا

در اواسط ماه از کسی که برایتان مهم است کمک هایی دریافت می کنید. روابط خود را دست کم نگیرید و از آنها برای رسیدن به موفقیت استفاده کنید. افکارتان را در محدوده بزرگتری گسترش دهید و با بهبود قوه تخیل تان شاهد بهبودهای زیادی در این ماه خواهید بود. کسی ممکن است در اول ماه از شما درخواست اضافه کار یا کاری سخت داشته باشد که با مقاومت شما روبرو خواهد شد.

بهمین

اگر قصد سفر یا در حال سفر و یا دیدار با کسی بسیار متفاوت هستید در این ماه ممکن است مسیرهای تازه ای از عاشقانه های جذاب با او راه اندازی کنید. پس از آن در این ماه برنامه های کسب و کار و امیدهای زندگی شغلی تان و مصاحبه ها و سخنرانی ها به خوبی پیش می روند و حتی تلاش تمام کارهای سخت خود را در دو سال گذشته را با پاداشی بدرقه خواهید کرد.

اسفند

افکارتان را در محدوده بزرگتری گسترش دهید و با بهبود قوه تخیل تان شاهد بهبودهای زیادی در این ماه خواهید بود. برخی هزینه های غیر منتظره در مشارکت یا کسب و کار کوچک پیش می آیند. و همچنین ممکن است خودتان را در اسارت برخی وسواس ها گرفتار کنید و این می تواند شامل چیزهای واقعی مثل یک رابطه عاشقانه و حتی خوردن و آشامیدن نیز باشد.

مهتر

در حال حاضر مسئولیت پذیر در مقابل کارهایی که حتی قادر به انجام آنها هستید، نخواهید بود اما شما باید بین تمایلات آزادی خواهانه تان و کارهای قابل انجام تعادل برقرار کنید. یکی از زمینه هایی که می تواند بسیار مثبت در زندگی تان باشد، جابجایی و تغییر و یا ساخت برخی چیزها در اطرافتان است. اگر به دنبال سرمایه گذاری در املاک و یا خرید هستید احتیاط کنید.

آبان

شاید مجبور شوید که از رفتار خود در مقابل انتقادهای دیگران دفاع کنید. اما هر چه بیشتر از این موقعیت فرار کنید شدت فشارها بیشتر خواهد شد. باید یاد بگیرید که با ترس های تان روبرو شوید و دل نگرانی های تان را با دیگران در میان بگذارید. پیامد این کار شما را شگفت زده خواهد کرد. تا دست به کار نشوید چیزی هم به دست نخواهید آورد.

آذر

افکارتان با سرعت در حال حرکت است و نمی توانید روی هیچ موضوعی به مدت طولانی تمرکز کنید. تصمیم دارید که روی یک کار خلاقانه انرژی بگذارید و می خواهید که برنامه های تان را با کسی که مورد اعتماد شماست در میان بگذارید. اما ممکن است وقتی درباره ی اهداف تان حرف می زنید نتوانید اصل مطلب را به خوبی بیان کنید و از حقیقت آن دور شوید. بهتر است افکارتان را بنویسید تا فراموش تان نشود.

تیر

فرصت های زیادی پیش روی شما قرار گرفته و از این بابت شگفت زده هستید، اما انکار یکی از نزدیکان تان نقشه های دیگری برای شما در سر دارد. هر چه بیشتر سعی کنید که مقصودتان را به دیگران بفهمانید بیشتر مقاومت خواهند کرد. یادتان باشد که همه چیز در حال نزدیک شدن به نقطه ی بحرانی است، پس باید حواس تان را جمع کنید و با دیگران نرم تر رفتار کنید. بدانید که مصالحه بهترین کار است.

مرداد

متوجه خواهید شد که عملی کردن نقشه های تان از چیزی که فکر می کردید چالش برانگیزتر است. بهتر است بگذارید که کارها روند طبیعی خودشان را طی کنند. به هیچ وجه حوصله ی گفتگو ندارید و بدخلقی های شما هم ممکن است مشکلات تان را مضاعف کند. خودتان را آرام کنید و قبل از هر قدمی اول به همه ی جوانب آن بیندیشید.

شهریور

شاید همین زودی ها فرصتی غیر منتظره دست دهد و به یک سفر کاری طولانی مدت بروید. ممکن است شخص دیگری هم شما را در این سفر همراهی کند. به نظر می رسد از شور و اشتیاق بی حد و اندازه ای برخوردار هستید، اما باید بدانید که انرژی جسمانی شما فقط تا یک اندازه ای کشش دارد. باید اول از همه کاری کنید که بیش از اندازه خسته نشوید.

شرواردین

کار زیاد و استرس باعث شده که این روزها فشار جسمانی زیادی به شما وارد شود. اما این خستگی ها مانع پرداختن به کارهای تان نمی شود و هم چنان با علاقه و انرژی مشتاق کار هستید. ممکن است اتفاقات ناگهان طوری تغییر جهت دهند که شما را شگفت زده کنند. یعنی شاید چیزهایی پیش بیاید که اصلا برای آن ها برنامه ریزی نکرده بودید. به یک سفر کوتاه می روید.

اردیبهشت

یکی از دوستان تان شما را با یک نفر آشنا خواهد کرد که با او علایقی مشترک دارید و شاید هم ساعت ها بنشینید و با هم حرف بزنید. به نظر می رسد که این روزها درگیر مسایلی هستید که به روابط تان مربوط می شوند، به همین خاطر تمایل دارید که خودتان را با کار کردن سرگرم کنید. به شدت احساساتی هستید اما نیت های خوبی که در دل دارید.

خرداد

امروز ممکن است از دست احساسات تان خسته شوید. عقل تان به شما می گوید که خواسته های غیر منطقی خود را سرکوب کنید، زیرا بیش از این ها دیگر در توان تان نیست. می توانید خودتان را با انجام وظایف تان سرگرم کنید، اما این راهکار در طولانی مدت جواب نمی دهد. به چیزهای بزرگ فکر کنید و از این که در زمان مناسب برای آن ها سرمایه گذاری کنید ترس نداشته باشید.



Oakmont Produce Supermarkets!

A Family-Owned & Operated Food Retailer

یکی از بزرگترین و تمیزترین سوپر مارکت مواد غذایی در بی اریا

هدف ما جمع آوری کلیه مواد غذایی زیر یک سقف با سرویس عالی و قیمت های مناسب به منظور رفاه حال مشتریان عزیز می باشد



عرضه کننده گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی تازه، خشکبار، برنج، حبوبات، لبنیات، چای، سبزیجات خشک، ادویه، سبزیجات و میوه جات تازه، انواع نان، آب میوه تازه...

سفارش کله پاچه
با بهترین قیمت
پذیرفته می شود!

Check out the
weekly Specials
Amazing Deals

فروشگاه مواد غذایی اُکمونت مارکت در محیطی سالم و بهداشتی در دو شعبه

Monday through Saturday 8:00am to 8:30pm, Sundays from 8:00am to 7:00pm

(408) 873-7738

19944 W. Homestead Road
Cupertino, CA 95014

(408) 866-6555

810 W. Hamilton Ave.
Campbell, CA 95008

بودند، غیر از شبنم، شب بود بیابان بود و تب عشق را هم با نام ناشناس اجرا کرد و پس از آن نامش را به بانو شاپوری تغییر داد و پس از جدا شدن از عباس شاپوری به خانم پوران تبدیل گردید. که در اصل، نامش خانم پوران طاقانی بود.. در آن زمان، خواننده های معدودی بودند که جرات سنت شکنی یافته بودند و به نظریات قشریون اهمیتی نمیدادند.

خواننده هایی که داشتیم تا آنجا که حافظه ام یاری میکند، قمر ملوک وزیری، ملوک ضرابی، دلکش ومرضیه. روح انگیز که گل پامچالش معروف بود و خاله پوران هم بود. پروانه که ترانه شهبای تهران را خوانده بود. شمس که ترانه نرگس شیراز را خوانده بود. غزال که آهنگ آبی حمومی آبی حمومی راه حوم از کجاس را اجرا کرده بود بدیع زاده، در دشتی، رضاقلی ظلی، تاج اصفهانی، بنان، قاسم جبلی، منوچهر شفیعی، بهرام سیر، شوکتی و چند نفر دیگر که نامشان از ذهنم رفته اند. آنروز، من سراپا گوش بودم و از اطلاعاتی که آن خانم به زنهایی همسایه میداد استفاده میکردم و برای خودم هم در این سن عجیب است که آن اطلاعات به چه دردم میخورد که آنچنان، امانت دارانه در صندوق ذهنم انبار مینمودم در حالی که این سخنان مربوط است به سنین پنج شش سالگی ام. از جمله حرفهایی که آن خانم میزد و در ذهن من تاثیر منفی گذاشت آن بود که در حالی که خانه اش فقط صد متری با خانه ما فاصله داشت، به مادرم میگفت اگر به من هزار تومن هم بدهند حاضر نیستم بیایم و در خانه شما که اینقدر به قبرستان نزدیک است زندگی کنم.

اما همسایه های دیگری هم داشتیم که از شدت خوبی، تقریباً میتوانم بگویم عاشقانه دوستشان داشتم. دنباله مطلب در صفحه ۵۶

برداشتند تا آن حیوان وحشی را از پا در آورند اما چیزی نیافتند و دست خالی برگشتند. از آن شب به بعد هر کدام از بچه ها که جیشش میگرفت، همراه بزرگتری بیرون میرفت و پیرمرد هم به احترام آن بزرگتر، قصه اش را متوقف میکرد تا همه دوباره جمع شوند....

یکروز که از اهالی آن محل، کسی مرده بود و جنازه اش را آورده بودند تا دفن کنند، همه همسایه ها جلو خانه ما جمع شده بودند و از هر دری سخنی میگفتند. از جمله همسایگان ما خواننده معروف آن زمان، جواد بدیع زاده خواننده آقایان یکی یه پول خروس، خانوما یکی یه پول خروس بود که در آنروز به اتفاق همسرش برای صلوات فرستادن پشت مرده، جلو خانه ما ایستاده بود و خانمش هم برای بقیه زنها، تا میتوانست قُمُز در میکرد و تعریف ها از نادانسته ها مینمود. میگفت یک خواننده ای آمده که جواد صدایش را خیلی دوست دارد. خانمها پرسیدند آن خواننده کیست؟ گفت:خانم ناشناس. خانم ها گفتند عجب اسمی دارد! گفت: نه، اسمش چیز دیگری است اما از ترس در و همسایه که برایش حرف دربیاورند، نامش را گذاشته ناشناس و یک ترانه زیبایی هم خوانده بنام شبنم که میگوید:(با آواز خواندن) اسم من شبنمه، عمر من یکدمه....در واقع خانم بدیع زاده داشت از «پوران» حرف میزد که همسر عباس شاپوری آهنگساز معروف بود که همسرش را خواننده کرده بود اما جامعه سنتی ما هنوز نمی پذیرفت که زنی بخصوص شوهر دار، خواننده باشد و به همین علت، تا مدتها با نام خانم ناشناس آواز میخواند. ترانه هایی را که با همان نام ناشناس اجرا کرده بود و مورد توجه و اقبال جامعه واقع شده

خیلی قدیم های تهران

بخش دوم

عباس پناهی



برادرم شلوارش را در آورد تا جیش کند و ما دو نفر هم مانند قراولان، با تنی لرزان، پشت سرش ایستاده بودیم و مدام به چپ و راست و جلو عقب نگاه میکردیم که مبادا ناگهان از طرف یک جن بوداده غافلگیر شویم و همان بلایی را بر سر ما بیاورد که با زانران گمشده در بیابان میکرد. البته عامل دیگری هم مزید بر علت بود و آن اینکه در فاصله دویست سیصد قدمی خانه ما یک قبرستان بود که از بس داستانهای برآمدن مرده از گور، در نیمه شب را شنیده بودیم، حتی از نگاه کردن به آن سمت هم وحشت بر ما مستولی میکردید. اگر یک شب مجبور میشدیم که به سراغ یکی از دوستان مادرم که در سوی دیگر گورستان، خانه داشت برویم، از ترسمان تمام آن محوطه قبرستانرا دور میزدیم و راه را طولانی میکردیم که مبادا اگر از کنار قبری عبور کنیم، مرده آن گور، دستش را بیرون بیاورد و پای ما را بگیرد و بداخل قبر بکشد.

در حالی که از ترس، حتی مو های ریز کرکی صورتم هم سیخ شده بودند، چشمم به موجودی شبیه به روباه افتاد که روی دو پا ایستاده که دست و پاهایش بجای پنجه منتهی به سُم بودند و یک دستش را به دیوار خرابه تکیه داده به من نگاه میکرد. از ترس زبانم بند آمد و تنها توانستم دست خواهرم را بکشم و او را آگاه کنم. خواهرم به محض دیدن سمتی که جهت نگاه من بود، جیغی کشید و با این جیغ پا بفرار گذاشتیم. بیچاره برادرم که در حال جیش کردن بود و شلوارش هم تا نیمه پاهایش پایین و بدرستی نمیتوانست بدود با دیدن فرار ما، او هم بدنبال ما شروع به فرار کرد و چندین بار سکندری خورد و زمین افتاد و دوباره برخاست و دوید، در حالی که هنوز جیشش تمام نشده بود و از او میریخت، هرسه خود را به پشت پدرم پرت کردیم و سنگر گرفتیم و هنوز کسی نمیتوانست چه شده. جیش یچه بند نمی آمد و تشک زیر پدرم را خیس کرد. بزرگترها پرسیدند چه شده؟ بریده بریده آنچه را که بنظر آمده بود و ذهن وحشت زده ام ساخته بود را شرح دادم. مردها فکر کردند احتمالاً گرگ یا روباهی بوده که به قصد دریدن بچه ها به خانه نزدیک شده اند و به همین علت هریک وسیله ای

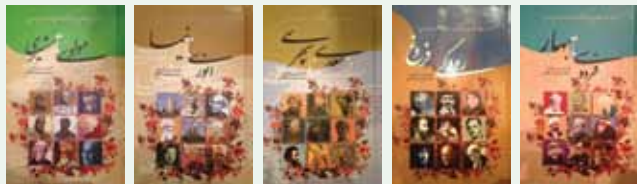
وقتی آن پیرمرد آن افسانه ها را با آن حالاتی خوف آور و با چهره ای که خود تشدید کننده هراس در شنونده بود تعریف میکرد، من همه آن داستانه را در چهره خود او ترسیم میکردم و در واقع حالتی از ترس و احترام در برابرش پیدا مینمودم... یکی از شبها که همه دور تا دور حیاط نشسته بودیم و به قصه های پیرمرد گوش میکردیم و هیچ صدایی از هیچ جا بجز صدای بر خورد استکان به نعلبکی اش شنیده نمیشد، و سایه روشن های هراس انگیزی که شعله چراغ لامپای گردسوز بر روی صورتش ایجاد کرده بود، نهایت یک اندام غیر انسانی را از او ساخته بود، ناگهان برادر کوچکترم با حرکات بدنش نشان داد که احتیاج به دستشویی دارد. اما جرات بر آوردن صدا نداشت. بلافاصله مادرم به من و خواهرم دستور داد که با او بیرون برویم تا بچه بتواند جیش کند. ما در حالی که خود دچار وحشت شده بودیم و از هر سایه ای میترسیدیم و در عین حال نمیخواستیم که رشته قصه از دستمان بدر رود، با اکراه و دلخوری برخاستیم و در حالی که یکی یک پس گردنی به برادرم زدیم، از خانه بیرون رفتیم.

آسمان نیمه مهتابی بود و سایه ها هم پُر رنگ. پشت خانه ما، خانه ویرانه ای بود که فقط مقداری از دیوارهای فرو ریخته اش باقی مانده بود. و همین سبب شده بود که بعضی از همسایه ها که زباله شان را میخواستند از خانه خود دور کنند، در آن ویرانه خالی میکردند و هر التماس و در خواستی هم از طرف اهالی خانه ما و یکی دو همسایه دیگر، کار گر نیافتاده بود و عاقبت راه چاره را در آن دیده بودند که چنان آدمهایی را به لعنت بر پدر و مادرشان حواله دهند و روی دیوار ویرانه نوشته بودند: ((بر پدر و مادرش لعنت که در اینجا اشغال بریزد)) من بعلت آنکه از سن سه سالگی به مکتب خانه (خاله خانم) میرفتم و عمه جزء قران را از بر میکردم و با حروف الفبا آشنایی داشتم، نوشته ها را میتوانستم بخوانم، اما معنی بسیاری از کلمات را نمیتوانستم. و نیز گاهی آنچه را که میخواندم، غلط تلفظ مینمودم که از جمله، کلمه لعنت بود که هیچوقت نمیتوانستم درست ادا کنم و آنرا نعلت میگفتم...

سیروسفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش مهندس پرویز نظامی

مجموعه کتاب در هفت جلد مشتمل بر شرح حال-تحلیل و معرفی آثار و گلچینی از زیباترین اشعار شاعران-عارفان و عالمان ایران در یکپارزدویست سال اخیر



قیمت هر جلد بیست دلار

تلفن سفارش و خرید

(۷۷۸۷-۲۰۸-۵۱۶)

parviznezami@yahoo.com

Protecting our communities one home at a time.

1-888-298-9274



Health Response Systems

Shop Now

ADT Pulse Remote Security

piece of mind



Living independently doesn't mean you're alone. Help is here with the ADT Companion Services Personal Emergency Response Systems.



From burglary & fire monitoring to complete home automation, we have an ADT Home Security package that is right for you.



From almost anywhere, you can have the power to arm and disarm your home - it's home automation, climate and light control, and video.



ADT award winning home security offers your home 24-hour security monitoring for burglary, fire, carbon monoxide and more.

Video Surveillance



Keep an eye on what matters most, whether you're there or on-the-go. With home video surveillance, you can have peace of mind.

Help protect your home and family with a monitored alarm system. 24 hours a day, every day.

- ✓ Wireless Keypad
- ✓ Three Points of Protection
- ✓ Pet Sensitive Motion Detector
- ✓ Loud High Decibel Siren
- ✓ Yard Sign & Window Decal
- ✓ Lifetime Warranty

کردم که چرا این دختر جوان و زیبا اینقدر حساس است و چرا بین اینهمه مردم دنیا بکراست آمده سراغ من؟ چی تو زندگی او هست که این چنین واکنش نشان می دهد و چرا اینقدر نگران آینده خودش است؟

گل نم چشم باز کرد و وقتی مرا بالای سر خود دید دوباره گریه اش گرفت. دستش را توی دستهایم گرفتم و بوسه ای بر صورتش زدم و گفتم دیگر گریه نکن می بینی که من اینجا پیش تو هستم. نگاهی عمیق به من کرد و گفت: خواهش می کنم مرا تنها نگذار، من خواهم مرد. برخلاف میل گل نم که می خواست هرچه زودتر بیمارستان را ترک کند و من او را به هتل ببرم از دکترش خواهش کردم تا گل نم یک شب دیگر را هم در بیمارستان تحت نظر پرستار باشد و فردا صبح او را مرخص کند. خودم هم پیش او ماندم.

پنج شنبه ۲۲ آگوست

امروز صبح وقتی گل نم را به هتل آوردم او روی تخت نشست. زنگ زد تا صبحانه ما را بیاورند بالا. گل نم رفت زیر دوش و من منتظر شدم تا صبحانه را آورند. با حوله حمام آمد تو اتاق، بوسه ای داد و نشست سرمیز. من همچنان نگاهش می کردم. دستش را جلو آورد و گفت خواهش می کنم نگاه نکن احساس خوبی ندارم. اگر نیامدی فکر نمی کنم که زنده میماندم. سعی کردم نگاهم را از او بگیرم، در همان حال پرسیدم: چرا این کار را کردی؟ فکر نمی کردی که آنوقت که تو خودت را راحت می کنی چه بسر من میاوردی؟ تو در آن موقع تنها خودت را نمی کشتی بلکه مرا هم با خودت می کشتی. حالا من و یا تو مقصر به چه قیمتی؟ به قیمت جان دو نفر؟ من جهنم ولی تو هنوز جوان هستی، عشق زمانی معنی و مفهوم پیدا می کند که زندگی جریان داشته باشد. زمانی که من بهیچم و یا تو نباشی چه حاصل از آن عشق؟ گل نم آهسته اشک میریخت ضمن اینکه لبی به قهوه اش میزد گفت: من پدرم را در سن کودکی از دست دادم و زیر دست مرد ابله و از خود راضی که با مادرم ازدواج کرده بود هم درس می خواندم و هم مجبور به کار در کشت و زار بودم. او مرد هوس باز و زورگوئی بود و هرگز معنی محبت کردن و دوست داشتن را نمی دانست. مادرم هم چشمهایش بسته و گوشهایش هرگز فریادهای مرا نمی شنید... بقیه داستان در ماه آینده

گفت که تو رفتی. برای دلداریش گفتم که بر می گردد و خواستم با نوازش آرامش کنم که سر من داد کشید که برو بیرون. از تو و هرچه مرد است متنفرم. کمی تامل کردم که شاید آرام شود اما دوباره با پرخاش مرا بیرون انداخت و گفت که من باعث شدم که تو بروی. من هم از اتاق آمدم بیرون و تا عصری در لابی هتل نشستم. ساعت حدود پنج بعد از ظهر بود که آمد پائین. وقتی مرا آنجا دید گفت که به منزل تو زنگ بزنی شاید رسیده باشی. من سه الی چهار دفعه تا ساعت ۸ شب مرتباً زنگ زدم ولی تو هنوز منزل نبودی. گل نم هم یک دفعه زنگ زد و با دخترت صحبت کرد و پیغام گذاشت. پا هم رفتیم شامی خوردیم اما گل نم مرتباً خودش را سرزنش می کرد که نکند تو از ناراحتی برایت حادثه بدی رخ داده باشد. هرکاری کردم که آرام بگیرد نشد. ساعت ۱۱ شب بردمش به اتاقش گفت می خواهد بخوابد و از من خواهش کرد که از اتاقش بروم بیرون و من ناچاراً رفتم پائین. ساعتی بعد دلم شور افتاد که این دختر تا صبح کاری دست خودش ندهد این بود که دوباره رفتم بالا و در زدم ولی جواب نداد فکر کردم خوابیده باشد بهتر است مزاحمش نشوم لیکن خودم آرامشم را از دست داده بودم بنابراین دوباره و سه باره در زدم اما در را باز نکرد. منم رفتم به سکوریتی اطلاع دادم و جریان را گفتم. آنها آمدند بالا و چندبار در زدند چون جواب نشنیدند درب را باز کردند. گل نم روی تخت به وضع مشکوکی افتاده بود. یک شیشه آبجو و یک قوطی خالی قرص هم روی میز بغل تخت بود!! بلافاصله آمبولانس را خبر کردند و او را به بیمارستان منتقل نمودند. من از دیشب تا حالا هنوز منزل نرفتم. من هم حال بدی داشتم و خودم را بنوعی مقصر می دانستم. بهرحال هرکدام از ما در این جریان نقشی بازی کرده بودیم که صدمه اش بیشتر به گل نم خورده بود. رو کردم به بابک و ضمن تشکر از او خواستم که برود استراحت کند و بهش گفتم که بعداً او را از حال گل نم با خبر خواهیم کرد. بابک هم گفت که او از این پیش آمد واقعا متاسف است و از من معذرت خواهی کرد و رفت. دو الی سه ساعت طول کشید و در تمام این مدت من همچنان بالای سر او نشسته و به او چشم دوخته بودم و با خودم فکر می

گل نم شیدوش باستانی

داستان دنباله دار



مقدمه: همراه با تشکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود به رشته تحریر درآورم. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. سننا باربارا - کالیفرنیا

چهارشنبه ۲۱ آگوست

خالی پیدا شده بود به لاس وگاس رفتم. بابک در فرودگاه مرا پیدا کرد. زمانی که بطرف بیمارستان می رفتم رویم را به طرف بابک کردم و گفتم: بابک فقط یک سؤال مردانه راستش را بگو با گل نم... بابک بلافاصله گفت: خفه شو. من درباره او اشتباه فکر می کردم. حق داشتی که به او اطمینان داشته باشی. گل نم از آن دخترهایی نیست که هرکسی بتواند دلش را بدست بیاورد. حالا من نمی دانم تو چه مهره ماری داشتی که او را عاشق خودت کردی؟

باهم به بیمارستان رفتم. وارد اتاق شدیم. بالای سرش رفتم. آرام ولی رنگ پریده خوابیده بود. بوسه ای بر پیشانیش زدم. وقتی دکترش آمد رو به من کرد و گفت: حال جسمانی گل نم خوب است و خطر بکلی رفع شده است، لیکن وضع روحی خوبی ندارد و بهتر است که همین جا باشید تا او بیدار شود. باید شما را ببیند. پرسیدم: چند وقت باید در بیمارستان بستری باشد؟ دکتر گفت: وقتی بیدار شد می توانید او را ببرید ولی یک چند روزی نباید تنها باشد. وقتی دکتر رفت رو به بابک کردم و گفتم: خوب حالا تعریف کن. چرا گل نم دست به یک همچین کاری زد؟ بابک گفت: وقتی گل نم بدنبال تو آمد و من دیدم خبری از او نشد شماره اتاق را از اطلاعات گرفتم و رفتم بالا. در زدم در را باز کرد دیدم گریه می کند، از تو پرسیدم،

دخترم مرا بیدار کرد که تلفن با من کار دارد و گفت که چائی گذاشته است و صبحانه برابم آماده کرده و دارد می رود مدرسه. نمی خواستم به آن تلفن جواب دهم ولی چون نمی دانستم چه کسی زنگ زده است جواب دادم. صدای بابک بود. گفتم: بابک تویی چه خبر شده که به من زنگ زده ای؟

بابک که صدایش قدری هم می لرزید گفت: ببین، هرچه زودتر بلند شو بیا اینجا وضع خیلی خراب است.

پرسیدم: برای گل نم اتفاقی افتاده؟ گفت: همه اش تقصیر من بود و من درباره گل نم اشتباه کردم. او واقعا عاشق تو هست و تو نمی بایستی او را تنها می گذاشتی.

گفتم: چی شده چرا حاشیه می روی، بگو جریان چیست؟

جواب داد: گل نم از دیشب بیمارستان است، قصد داشت خودکشی کند. دکتر او از من خواسته که تو هرچه زودتر خودت را برسانی. این است که من اول صبح به تو زنگ زدم که با هوایم همین الان راه بیافتی و بیایی. من در فرودگاه منتظر تو خواهم بود.

گوشی را قطع کردم. نمی دانستم چکار باید بکنم. گرسنه بودم و با این خبر هم حسابی معده ام درد گرفته بود. لقمه ای نان خالی برداشتم و بکراست رفتم فرودگاه سن حوزه و با اولین پرواز که خوشبختانه جای

کلوب تخته نرد در

شهر سن حوزه

هر پنجشنبه از ساعت

۱۱ صبح الی ۱ بعد از ظهر

Vineland
Branch Library

تلفن اطلاعات

(408) 808-3000

1450 Blossom Hill Rd.
San Jose, CA



TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

روی بنمایی و دل از من شوریده ربایی
تو چه شوخی که دل از مردم بی دیده ربایی
تو که خود فاش توانی دل یک شهر ربودن
دل شوریده روا نیست که دزدیده ربایی
شوریده شیرازی

جوونی هم بهاری بود و بگذشت
به ما یک اعتباری بود و بگذشت
میون ما و تو یک الفتی بود
که آن هم نوبهاری بود و بگذشت
باباطاهر

خداوندا به افغان عشق ابراهیم بخشیدی
بدستش رونق بتهای شرک سرخ بر چیدی
به قربانگاه رستاخیز این ملت بپا کردی
دلش را در هوای عشق با غم آشنا کردی
به ذوق بر زدن مرغ اسیری آرزو دادی
به رغم ناتوانی هاش شوق جستجو دادی
چه جوش لاله زاری سر زمین عشق بار آورد!
چه خون افشانی ای در عیدگاه قرب یار آورد!
چه شد کو را به نیرنگ زمانه آشنا کردی
صفایش بردی و در دست آشوبش رها کردی
چرا همسایه و همکیش این کشور بد اندیشید
چسان بیگانه مستی چند تخم خود کشی پاشید
کجا اقبال تا گوید که این کشور دل شرق است
مبازارید دل را زانکه دل سر منزل شرق است
مسلمان را نباید این همه خشم و تبه کاری
چرا در سایه ی مهر و وفا الفت نمی کاری
ز خود خواهی به ویرانی کشور قد علم کردند
به نفع دشمنان نخل مروت را قلم کردند
به پیمان غرض آلود تحمیلی چه پندارند
که بر آزادگان بت شکن جز خون چه می آرند
به احرام و طواف آنگه به نفس اندر ستیز آیی
که سر تا پا هدف گردی و راه دل پیما بی
چه حاصل گریگرد کعبه ات صد عهد و پیمان است
ترا کز دست ظلمت مردمان را خانه ویران است
خدایا باز عید آمد ولی شادی بعید از ما
میار آنروز را بر ما که بر گیری امید از ما
ابوالقاسم غضنفر

نمی دانم چه می خواهم خدایا
به دنبال چه می گردم شب و روز
چه می جوید نگاه خسته من
چرا افسرده است این قلب پرسوز
ز جمع آشنایان می گریزم
به کنجی می خزم آرام و خاموش
نگاهم غوطه ور در تیرگی ها
به بیمار دل خود می دهم گوش
گریزانم از این مردم که با من
بظاهر همدم و یکرنگ هستند
ولی در باطن از فرط حقارت
به دامانم دوصد پیرایه بستند
از این مردم، که تا شعرم شنیدند
برویم چون گلی خوشبو شکفتند
ولی آن دم که در خلوت نشستند
مرا دیوانه ای بدنام گفتند
دل من، ای دل دیوانه من
که می سوزی ازین بیگانگی ها
مکن دیگر ز دست غیر فریاد
خدارا، بس کن این دیوانگی ها
فروغ فرخزاد

از دست عزیزان چه بگویم گله ای نیست
گر هم گله ای هست، دگر حوصله ای نیست
سرگرم به خود زخم زدن در همه عمرم
هر لحظه جز این دست مرا مشغله ای نیست
دیری ست که از خانه خرابان جهانم
بر سقف فرو ریخته ام چلچله ای نیست
در حسرت دیدار تو، آواره ترینم
هر چند که تا خانه ی تو فاصله ای نیست
بگذشته ام از خود ولی از تو گذشتن
مرزی ست که مشکل تر از آن مرحله ای نیست
سرگشته ترین کشتی دریای زمانم
می کوچم و در رهگذرم اسکله ای نیست
من سلسله جنبان دل عاشق خویشم
بر زندگی ام سایه ای از سلسله ای نیست
یخ بسته زمستان زمان در دل بهمن
رفتند عزیزان و مرا قافله ای نیست
بهمن رافعی بروجنی



سوپر مارکت اطمینان

افتخار ما ارائه سرویس مناسب و قیمت منصفانه می باشد!

♦ انواع خواربار ♦ روغن و برنج ♦ خشکبار ♦ لبنیات ♦ ترشحات ♦ حبوبات
♦ لوازم آشپزخانه و کادوئی ♦ انواع شیرینیجات و آجیل ♦ ادویه جات ♦ چای
♦ انواع نان ♦ سماورهای اتوماتیک (ساخت آلمان)



محصولات گوشتی، کله، پاچه، زبان، گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی سفید و دودی



مجموعه ای از لوازم خانگی، آشپزخانه، کادویی، قلیان و انواع تنباکو

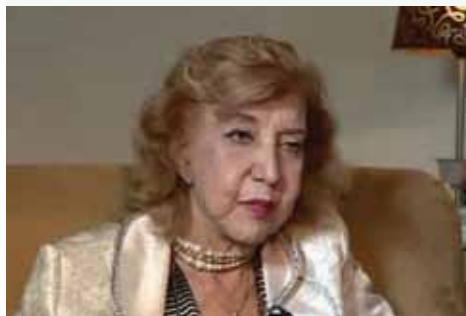
(408) 226-5992

5754 Santa Teresa Blvd. San Jose, CA 95123

عنوان شاعر ملی برازنده سیمین بهبهانی است

جلال سرفراز

که جایزه اوسیتسکی را می گرفت، اشک شوق از چشمان دوستدارانش سرازیر شد. این جایزه نصیب هر کسی نمی شد. باید به قد و قواره و شجاعت شاعری چون سیمین بودی، تا با نام کارل فون اوسیتسکی، نویسنده و روزنامه نگار ضد فاشیست آلمانی، و برنده جایزه نوبل، قدرت را می دانستند. با جایزه اوسیتسکی روح بیدار قربانیان و زخم خوردگان فاشیسم از سیمین خانم سپاسگزاری می کرد، چرا که ساکت ننشسته بود. چرا که نمی توانست ساکت بنشیند و شاهد آزادی کشی، و سقوط ارزش های انسانی در سرزمینی باشد،



که شیون مردمی خون دیده و رنج کشیده از در و دیوارش شنیده می شد. شبی در برلین، در محفلی با زنده یاد آقابزرگ علوی نشستند. سیمین خانم غزلی خواند. بیرون که آمدیم آقا بزرگ گفت: بزرگانویستی این زن. زبان این روزگار است.

سال ۵۵ یا ۵۶ گفت و گویی با زنده یاد نادر نادرپور داشتم - که شرح و تفصیل آن موضوع جداگانه ای است برای نوشتن. نادرپور وسواس عجیبی داشت نکته ای نبود که از نظر دور بدارد. پیش از انتشار گفت و گو، مهمان سدار سنگور، رییس جمهور اتیوپی بود، که سالیانی در فرانسه با هم دوست شده بودند. از همانجا به من تلفن زد و خواست در فلان سطر و فلان صفحه ای گفت و گو تغییر یا تغییراتی بدهم. دنباله مطلب در صفحه ۴۷

دارد؛ مسیرهای تازه ای برای عبور از راه های هر روزه، طعم هایی که قبلا نچشیده ایم یا عادت و تکرار، اجازه و جسارت چشیدن شان را نداده است. از همه جالب تر و هیجان انگیزتر، می تواند کشف تفاوت ها باشد؛ اینکه غیر از آنچه ما تا حالا از زندگی شناخته ایم، آدم هایی هستند با راه و رسم دیگر و از این لحاظ، سبک زندگی یعنی درک تفاوت ها.

دیر یا زود سیمین خانم هم باید می رفت، و رفت. جایش خالی ست. از این پس زندگی اش را در ذهن مردمی ادامه می دهد، که با کلام پرشور او به زندگی امیدوار می شوند. لقب شاعر ملی بی تردید برازنده ای نام سیمین بهبهانی ست.

واپسین بار سه سال پیش در خانه ی خانم نگار اسکندر فر دیدمش، با دولت آبادی، سیانلو، سیدعلی صالحی و دیگران. چشمه اش به درستی نمی دید، دو سه بار از من پرسید: پس کو فلانی؟ حال آن که فلانی کنارش نشسته بود. آن شب شاهد رویداد غیرمنتظره ای هم بودم: سیمین خانم آواز خواند. صدایی داشت خوش طنین و دلنشین، اما نه چندان رسا که بیمار بود، و توان چندانی در خود نمی دید، تا در صدایش رها شود. مجذوبش شده بودم. همیشه مجذوبش می شدم. مجذوب بی ادعایی، سادگی و بی شیله پیله گی اش. مجذوب جسارت

و شجاعت خدشه ناپذیرش. هرگز در برج عاجی جا خوش نکرد، اما جایگاهی فراتر از برخی برج عاج نشینان این روز و روزگار داشت. با او می شد راحت بود. چون برادری کوچکتر با خواهرش. چون فرزندی با مادرش. چون دوستی با دوست. راحت از خود گفت و از او راحت شنیدید. یک بار هم در خانه اش بودم. دستپختش حرف نداشت. به ایران برگشته بودم و مشتاق دیدارش، مثل بسیاری از آرزومندان سرزمین مادری، و خانه ی پدری. قبلن در برلین یکدیگر را دیده بودیم. گفت: خاطرات را بنویس! گفتم: بهتر که فراموش کنیم. چیزی نبود جز افت و خیزی کوتاه، و پرتاب شدن به دایره های تودرتوی غربت. اگر اشتباه نکنم، سیمین خانم دوبار به برلین آمد، و هر دو بار فرصتی برای دستبوسی ایشان. شبی

به پیشنهاد رفیقی که تازگی یک فیلم جذاب دیده است. می شود یاد بگیریم که چطور می توانیم خلاهای رابطه را در اتاق خواب یا محل کار پر کنیم یا بفهمیم که کدام رنگ و مد، بر برق نگاهمان اضافه می کند.

توجه به سبک زندگی، سرک کشیدن به دنیا های دیگر هم هست؛ کشف اینکه شیوه های دیگری برای دیدن دنیا وجود



«زندگی»

نعیمه دوستدار

یک عشق، ملاقات یک آدم تازه، دیدن یک فیلم یا خواندن یک کتاب می تواند همه چیز را یک شبه تغییر دهد و عناصر تازه و جذابی به آن اضافه کند.

جامعه شناسان، سن، طبقه اجتماعی، قومیت و جنسیت را از ویژگی های اثرگذار بر سبک زندگی هر فرد می دانند. یعنی هویت شما از ساختار و طبقه اجتماعی تان، از جنسیت، سن و باورهای مذهبی یا غیرمذهبی تان شکل می گیرد. عناصر یک سبک زندگی، مشترکاتی برای گروه های اجتماعی ایجاد می کند. وقتی جوان باشید، سبک زندگی تان به جوانان شبیه تر است هرچند ممکن است انتخاب کنید که تمام عمر سبک زندگی جوانان را حفظ کنید یا از همان دوران جوانی، به سبک زندگی جوان ترها هیچ علاقه ای نداشته باشید.

سرک کشیدن به دنیاهای دیگر

سیال، لغزنده و غیرقطعی. زندگی از این نوع است. اینکه چه پوشی و کجا بروی، لحظه های خالی را با چه پر کنی، کدام موسیقی را بپسندی یا با چه کسی وقت بگذرانی. برای هیچ کدام اینها یک راه و روش قطعی و اجباری وجود ندارد.

بیشتر آدم ها معتقدند که باید سبک زندگی شان را خودشان انتخاب کنند. شاید خیلی از جاهای دنیا این طور باشد، اما گاهی هم پیش می آید که حکومت و نظام خانواده و بخش های دیگری از ساختار قدرت، سبک زندگی آدم ها را کنترل می کنند. در چنین فضاهایی انتخاب تا حدی تحت تاثیر قرار می گیرد؛ نمی شود هر چه می خواهی پوشی یا ممکن است شرایط اقتصادی اجازه ندهد تفریحات خاصی داشته باشی و به سفر دلخواه بروی.

با این حال به تعداد آدم ها راه برای زندگی کردن هست. آدم های ویژگی را دارند که به زندگی شان رنگ های مختلف و متفاوتی بزنند و از میان بی شمار انتخابی که برای گذراندن لحظه ها وجود دارد، آنهایی را انتخاب کنند که با حال و سلیقه شان مطابق تر است. بخشی از این فرایند انتخاب هم یادگرفتنی است. زندگی کردن را می شود هم تجربه کرد، هم آموخت.

می شود یاد بگیریم که چطور عصرهای تابستانی را خنک تر کنیم؛ با دستور ساختن یک لیوان نوشیدنی خنک، با ساختن چند گلدان از قوطی های نوشابه، یا گوش کردن

ده سال پیش، رنگ موهایم تیره تر بود، ابروهایم باریک تر. لباس های گشادتری می پوشیدم و غذاهای ملایم تری می خوردم. وزنم به مراتب کمتر بود. ده سال پیش، من در شهری بزرگ و شلوغ زندگی می کردم. رنگ سبز را بیشتر دوست داشتم و وقتی بیشتر صرف کتاب خواندن می شد. با آدم های دیگری دوست بودم که اهل کافه و تئاتر بودند. عاشق رقص و مهمانی بودم. حالا اما زندگی ام عوض شده و با آن روزها بسیار تفاوت کرده است. موهایم سفیدتر شده اند و ابروهایم پهن تر. لباس هایم تنگ ترند و به غذاهای تند و آتشی بیشتر علاقه دارم. ده سال گذشته و من مهاجرت کرده ام. شهری که در آن زندگی می کنم کوچک تر است و روابط و مناسبات در آن زمین تا آسمان با شهر زادگاهم فرق دارد. من بچه دار شده ام و وزنم بیشتر شده. رنگ آبی اولویت من در انتخاب رنگ پرده و دکوراسیون خانه است. علاقه ام را به کتاب از دست نداده ام، اما بیشتر زمانم را در اینترنت می گذرانم. معاشرت هایم تغییر کرده و بخشی از اوقاتم را با خانواده های بچه دار سپری می کنم و سفر، بخش جدا نشدنی زندگی ام شده است.

من همان آدم سابقم، اما زندگی من در ده سال بسیار عوض شده. فارغ از جهان بینی و فلسفه زندگی، راه و رسم بسیاری از کارهایم نیز تحت تاثیر محیط و تجربه تغییر کرده است. حالا من مجموعه ای هستم از علایق و عادت ها و روابط و انتظار دارم بسیاری از آنها با گذشت زمان و تجربه های زندگی تغییر کنند.

عکس های قدیمی تان را نگاه کنید. ده سال قبل کجا بودید و چه می کردید؟ به جز خط عبور ایام و خاکستر عمر که روی چهره و موهایتان نشسته، حتما چیزهای بسیار دیگری در شما تغییر کرده است. شاید هم چندان عوض نشده باشید و همه چیز را مثل گذشته حفظ کرده باشید، اما اگر خوب نگاه کنید می بینید عناصر ویژه ای در زندگی تان وجود دارد که رنگ و ویژه ای به آن می دهد و شما را از بقیه متمایز می کند و همان عناصر، همزمان به آنهایی که به شما شباهت دارند نزدیک تان می کند. این همان سبک زندگی شماست.

برای عوض شدن سبک زندگی اما لازم نیست حتما ده سال بگذرد؛ گاهی یک سفر،

می گیرد، چون مردمی هم که او را می بینند به فکر فرار و رفتن می افتند.

انتشار شایعه

محتوای شایعه به مرور زمان تغییر می کند و میزان این تغییر تا حدود زیادی از واکنشهای عاطفی ناشی از شایعه متأثر است. هر چه قدرت شایعه برای تحریک احساسات بیشتر باشد. احتمال تغییراتی که در محتوای شایعه بروز می کند، زیادتیر است. کسانی که شایعه را منتقل می کنند، تمایل دارند برخی جزئیات را حذف و بر بعضی تاکید کنند. معمولا تغییراتی که در جزئیات داده می شود، منعکس کننده ترسها، تعصبا، امیدها دیگر احساسات مردمی است که شایعه را منتقل می سازند. انتقال یک شایعه فرایندی اجتماعی است که یک یک افراد می توانند نقشهای متعددی در آن داشته باشند. عده ای از افراد پیام آورند و بر شایعه تکیه کرده و آن را معتبر می دانند و منتقل می کنند. عده دیگر در نقش افراد شکاک ظاهر می شوند و درباره آنچه می شنوند، تردید می کنند همچنین، عده ای ممکن است به تعبیر و تفسیر روی بیاورند و مترصد این باشند که چه رخ می دهد؟ و در نهایت، احتمالا عده ای هستند که بر اساس شایعه ها تصمیم گیری می کنند و همین که شایعه ای پخش شد، به اقدامات خاصی دست می زنند.

چرا مردم شایعه را می پذیرند؟

هر شایعه ای برای پخش و پذیرش نیازمند ارتباط با مخاطبین خود است. هر نیاز انسان می تواند به شایعه تحریک و پویایی خاصی بپوشد. مثلا کارمندی که از گرانی به تنگ آمده باشد به دلیل نیاز بیشتر مستعد پذیرش شایعه در مورد بهبود اوضاع اقتصادی، به خصوص افزایش حقوق و مزایا است تا کسی که این نیاز را ندارد.

عوامل مؤثر در انتشار و پذیرش شایعه

تنفر: تنفر می تواند عاملی برای پخش و پذیرش شایعه باشد. آدمی هنگامی که از کسی متنفر است و تصورات خود را به گونه ای زشت درباره آن ترسیم می کند و بدون هیچ دلیل هر خبر منفی را درباره او می پذیرد. یقینا شایعه در مورد چنین کسی جنبه ای انتقام آمیز دارد. مثلا در دانش آموزی که از مدیر مدرسه ای متنفر باشد هم زمینه شایعه سازی درباره مدیر قوی است و هم پذیرش شایعه در مورد او.

پذیرش شایعه برای توجیه خود: هنگامی که بدترین چیزها را درباره دیگران باور می کنیم، در واقع در حال تلاش برای توجیه خود هستیم. اما اگر خود را مقصر بدانیم، آن وقت کمتر مستعد پذیرش شایعه خواهیم بود.

دنباله مطلب در صفحه ۴۵

در طی جریان انتقال شایعه پایداری قابل ملاحظه دارد.

همانند سازی بدین معنا که ناقلان شایعه بر اساس منافع خویش موضوع شایعه را مفهوم و متناسب می کنند.

پژوهشگران برای تقسیم بندی شایعه تلاش های فراوانی کرده اند، اما از آنجا که روابط اجتماعی به هم پیوسته و انگیزه های درونی انسانها متفاوت است نمی توان تقسیمی فراگیر به دست داد که در همه جا ماخذ و قابل انطباق باشد.

انواع شایعه

شایعه های خزنده: شایعه هایی که به آرامی منتشر می شود و مردم آن را به طور پنهانی و پچ پچ کنان و در گوشی به یکدیگر منتقل می کنند، نهایتا در همه جا پخش می گردد.

شایعه های تند و سریع: شایعه هایی است که چون آتش به خرمن می افتد. این نوع شایعه ها در زمانی کوتاه، گروه وسیعی را تحت پوشش می گیرد. آنچه درباره حوادث و فجایع، پیروزیهای درخشان یا شکست ها در زمان جنگ انتشار می یابد از این نمونه است. از آنجا که اینگونه شایعه ها بار هیجانی و عاطفی فراوان دارد و هیجانهایی چون وحشت، خشم و خوشحالی ناگهانی ایجاد می کند، موجب بازتاب فوری می گردد.

شایعه های شناور: اینگونه شایعه ها هر گاه شرایط را مساعد بیاید قوت می گیرد و در غیر این صورت مخفی می ماند تا موقعیت فراهم شود. اخبار و مطالبی که در جنگها پیرامون آلوده سازی آبها، وحشیگری دشمن در برخورد با زنان و کودکان و مانند آن پخش می شود، از این نوع شایعه ها است.

شایعه های شیطانی: برخی از شایعه ها در زمان اضطراب مردم منتشر می شود. یعنی زمانی که همگی از یک چیز ترسیده اند و به همین سبب آماده پذیرش شایعه هایی در مورد موضوع ترس خود هستند شایعه هایی که بر ترس مبتنی است، شایعه شیطانی خوانده می شود.

شایعه های وحشت: شایعه های دیگری وجود دارد که موجب بروز وحشت می شود که به آن شایعات وحشت می گویند. مثلا همزمان با پخش گزارشهای مربوط به شکست یا نزدیک شدن سربازان دشمن، شایعه هایی از این قبیل مطرح می شود. خطر این نوع شایعه ها آن است که هر کس شایعه را باور کند، معمولا رفتارهایی ناگهانی و خشونت آمیز و توام با فرار انجام می دهد. بدین ترتیب، او خود به یک شایعه ساز تبدیل می شود و شایعه صورت واقعیت به خود

شایعه و شایعه پراکنی

شایعه از طبیعی ترین پدیده های اجتماعی و یکی از رایج ترین شیوه های کنش متقابل است که تاکنون کمتر شناخته شده است. شایعه یک مقوله اجتماعی و روانی با ابعاد گسترده ای است که ابعاد مختلف آن بویژه در زمانهای بحرانی (مثل زمان جنگ) ، حالتی به مراتب حادثر به خود می گیرد. هر چند کارکردهای اجتماعی شایعه کاملا شناخته نیست، اما بیشتر در وضعیت های ناهنجاری در جامعه به وقوع می پیوندد این بدان معنی است که شایعه گزارش تائید نشده ای از وقایع است که به تعریف و تبیین وضعیتهای مهمی که به صورت دو پهلو ظاهر می شود کمک می کند. شایعه پیامی است که به فرز غیر رسمی (معمولا دهان به دهان) منتقل می شود و به موضوعی مربوط می شود که تحقیق در صحت و سقم آن مشکل است. شایعه شامل اطلاعاتی می شود که برای مردم اهمیت دارد. البته ممکن است بخشی از شایعه حقیقت داشته باشد، هر چند می توان گفت که این حکم همواره صادق نیست.

شایعه چیست و در چه

موقعیتهایی رواج می یابد؟

شایعه پیامی است که در میان مردم رواج می یابد ولی واقعیتها آن را تائید نمی کند. شایعه در موقعیتهایی رواج می یابد که مردم مشتاق خبر باشند ولی نتوانند آن را از منابع موثق دریافت کنند. هر گاه آدمها مشتاق خبرگیری درباره قضیه ای باشند، به هر نوع اطلاعاتی در این باره متوسل می شوند و سپس آن اطلاعات را در میان خودشان پراکنده می سازند. از نظر جامعه شناسی، پدیده شایعه فرایندی است که از طریق آن، اخباری پخش و اغلب قلب می شود، بدون آنکه از مجراهای رایج گذشته باشد. شایعه می تواند از یک اطلاع نادرست منشاء بگیرد یا آنکه منبع آن اطلاعاتی درست ولی اغراق آمیز و در هم باشد. آن خبر از فردی به فرد دیگر و از گروهی به گروه دیگر منتقل می شود، بدون آنکه منشاء آن مشخص یا دلایل قطعی درباره صحت آن وجود داشته باشد.

شکل گیری شایعه

شایعه معمولا در زمینه ای از ابهام و تنش که تحت آن هنجارها یا باورها زیر سوال رود خطرانی وجود داشته باشد یا راه

ماهنامه پژواک



برای درج آگهی با شرکت
پژواک تماس بگیرید!

۸۶۲۴-۲۲۱-۴۰۸

www.pezhvak.com

تیم ملی والیبال ایران قهرمان آسیا شد

سال‌های ۱۹۵۸ (توکيو). ۲۰۰۲ (بوسان) و ۲۰۱۰ (گوانگژو) به دیدار نهایی راه یافته بود اما در کسب مقام قهرمانی ناکام بود و در دیدار نهایی بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ (اینچئون) و در چهارمین

تیم ملی والیبال ایران که با شکست چین به مرحله نهایی صعود کرده بود، در هشتمین دیدار خود در مسابقات والیبال هفدهمین دوره بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ کره جنوبی به مصاف ژاپن رفت و سه بر صفر به پیروزی رسید. تیم ملی والیبال ایران در هفت مسابقه قبلی خود در هفدهمین دوره بازی‌های آسیایی اینچئون تیم‌های چین، کویت، کره جنوبی، قطر، هنگ کنگ، هند و مالدیو را شکست داده بود.



حضور خود در دیدار نهایی، طلسم ناکامی والیبال ایران شکست.

اسلوبودان کوچ سرمربی تیم ملی والیبال ایران در دیدار با ژاپن از شهرام محمودی، میلاد عبادی‌پور، سعید معروف، فرهاد قائمی، سید محمد موسوی، عادل غلامی و فرهاد ظریف به عنوان ترکیب آغاز کننده استفاده کرد. وانگ نینگ از چین و پارک کی شوک از کره جنوبی به ترتیب به عنوان داوران اول و دوم قضاات دیدار ایران و چین را

اینچئون - ایرنا - تیم ملی والیبال ایران در دیدار نهایی رقابت‌های والیبال هفدهمین دوره بازی‌های آسیایی اینچئون موفق به شکست ژاپن شد و برای نخستین بار عنوان قهرمانی این بازی‌ها را به دست آورد.

ملی پوشان والیبال ایران در ست دوم این مسابقه ۲۵ بر ۲۳ مغلوب ژاپن شدند، اما در ست‌های اول، سوم و چهارم با امتیازهای ۲۸ بر ۲۶، ۲۵ بر ۱۹ و ۲۵ بر ۱۹ به پیروزی رسیدند تا برای نخستین بار قهرمان مسابقات والیبال بازی‌های آسیایی شوند.

والیبال ایران در بازی‌های آسیایی

بر عهده داشتند. تیم ملی والیبال ایران در هفت مسابقه قبلی خود در هفدهمین دوره بازی‌های آسیایی اینچئون تیم‌های چین، کویت، کره جنوبی، قطر، هنگ کنگ، هند و مالدیو را شکست داده بود. ملی پوشان والیبال ایران در مجموع هشت مسابقه تنها دو ست به ژاپن و کره جنوبی واگذار کردند و ۲۴ ست را با پیروزی پشت سر گذاشتند تا با اقتدار کامل به قهرمانی این بازی‌ها دست یابند.

والیبال ژاپن با کسب این نایب قهرمانی، مدال‌های بازی‌های آسیایی خود را به ۱۱ مدال شامل هفت مدال طلا، دو نقره و دو برنز رساند و همچنان عنوان پرافتخارترین کشور مسابقات والیبال بازی‌های آسیای را در اختیار دارد تا در ۱۱ دوره این بازی‌ها در رشته ورزشی والیبال بر روی سکو رفته باشد.

دیدار رده بندی مسابقات والیبال بازی‌های آسیایی ۲۰۱۴ اینچئون نیز بین دو تیم کره جنوبی و چین برگزار شد

جنوبی رسیده بود. رتبه بندی نهایی ۱۶ تیم شرکت کننده در مسابقات والیبال هفدهمین دوره بازی‌های آسیایی به قرار زیر است:
۱- ایران ۲- ژاپن ۳- کره جنوبی ۴- چین ۵- هند ۶- قطر ۷- تایلند ۸- کویت ۹- چین تایپه ۱۰- قزاقستان ۱۱- پاکستان ۱۲- عربستان سعودی ۱۳- ترکمنستان ۱۴- می‌انمار ۱۵- هنگ کنگ ۱۶- مالدیو
جدول مدال آوران ادوار گذشته مسابقات والیبال بازی‌های آسیا به قرار زیر است:
۱۹۵۸ توکیو: ژاپن- ایران- هند
۱۹۶۲ جاکارتا: ژاپن- هند- پاکستان
۱۹۶۶ بانکوک: ژاپن- کره جنوبی- ایران
۱۹۷۰ بانکوک: ژاپن- کره جنوبی- چین
۱۹۷۴ تهران: ژاپن- کره جنوبی- چین
۱۹۷۸ بانکوک: کره جنوبی- ژاپن- چین
۱۹۸۲ دهلی نو: ژاپن- چین- کره جنوبی

دنباله مطلب در صفحه ۵۱



ارتش آمریکا استخدام می کند!

به قدرت صدای خود پی ببرید! "از طریق صدایم، مأموریت من تغییر دادن مسیر تاریخ است."

برای حل و فصل ناسازگاری‌ها، نجات دادن زندگی و بازسازی یک ملت، به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا بپیوندید!

تسلط شما در زبان فارسی نقشی حیاتی در تداوم تلاش‌های نوسازی کشور ما ایفا خواهد کرد. شما می‌توانید در ارتباط با شغل مترجمی و یا موقعیت‌های دیگر در ارتش آمریکا، سؤالات خود را با ما مطرح کنید. مسئولین استخدامی ما آماده هستند تا سؤالات شما را در اسرع وقت پاسخ دهند.

Part Time or Full Time. Between the ages of 18 and 41 years old. Total compensation includes Housing, Medical, Dental, Food, Special Pay, Vacation Times and many more.

Earn your *Citizenship* within six to eight months



For more information on the US Army's Linguist Program in your area, please call:

Sergeant Jamie Laurent 650-248-4760

ادامه مطلب شایعه و شایعه... از صفحه ۱۳۱

یک جامعه
 افزایش اضطراب و نگرانی در مردم
 ترور شخصیت
 ایجاد فضای ناسالم اجتماعی
 ایجاد تقابل و صف بندی میان قشرهای
 مختلف مردم

ایجاد وجاهت اجتماعی

در مواردی شایعه به انتقال دهنده نوعی اعتبار می بخشد و او را هر چند به صورت ظاهری و موقتی صاحب موقعیت اجتماعی می کند زیرا با اینکه هیچ کسی نمی داند منبع اولیه پیام چه کسی بوده با این حال انتقال دهنده شایعه چنین وانمود می کند که خبر را خود از یک منبع مهم و با نفوذ کسب کرده است.

اطمینان آفرینی و حمایت عاطفی

بازگو کردن شایعه ممکن است تنش گوینده را با شریک کردن دیگران در تحمل آن کاهش دهد.

فرا فکری

فرد ممکن است بدین سبب شایعه را بازگو کند که بخواهد از ترس ها، آرزوها و خصومت هایی که احتمالاً از وجود آنها در خود آگاه نیست رهایی یابد.

پرفاشگری

ممکن است فرد به منظور صدمه زدن به افراد دیگر شایعه را انتقال دهد. شاید او قصد تهمت زدن، غیبت کردن و سپریلا قرار دادن دیگران را داشته باشد.

پیشکش کردن مطلب موشایند

شایعه ممکن است به منظور خود شیرینی نزد شنونده و یا ارائه اخبار خوشایند بازگو شود.

پژوهشی که در آمریکا به عمل آمده، نشان می دهد کسانی که به تبعیض نژادی اعتقاد دارند، سریعاً شایعه های مربوط به سپاه پوستان را باور می نمایند.

شکستن سکوت ملال آور: شایعه گاه برای پرکردن سکوتی ملال آور نیز به کار می رود مثلاً وقتی در یک مهمانی شرکت داشته باشید که هنوز همه مهمانها نیامده باشند، در بین چند نفری که دور هم جمع شده و هیچ حرفی برای گفتن نداشته باشند، کافی است یکی سکوت را شکسته بگوید: «ایا شنیده اید که...» به این ترتیب بازار شایعه داغ می شود و هر کس برای آنکه از معرکه عقب نماند، چیزی به آن اضافه می کند و سرانجام بحثی گرم و داغ در برمی گیرد که حتی گذشت زمان هم احساس نمی شود.

تحریف واقعیتها: شایعه در نقل دهان به دهان مرتباً تحریف می شود تا جایی که نقل قول دست چندم با نقل قول دست اول بسیار تفاوت پیدا می کند به طوری که اگر این شایعه را به سازنده اولی آن بگویند او نیز از این تحریف تعجب می کند!

ارضای نیاز و محرومیت: در واقع می توانیم بگوییم که شایعه نوعی مکانیسم جبرانی کاذب ناکامی و سرخوردگی است که شایعه پردازان از طریق آن بسیاری از نیازهای درونی خود را به بیرون منعکس می کنند و بدین ترتیب از شدت فشارهای درونی خود کاسته و در کوتاه مدت به آرامش نسبی می رسند.

توجه شایعه پردازان

ایجاد بدبینی نسبت به نظام و مسئولان

تا نظر شما چه باشد!

نامه ها و شعرهای رسیده به دفتر نشریه «پژواک»



با راست دستان بسیار اندک هستند، می توانیم مورد سرزنش قرار بدهیم و آن را غیر طبیعی بنامیم؟

در این جا پرسشی جانبی تولید می شود، که معنا و مفهوم غیر طبیعی چیست؟ هر چیزی که در جای خود قرار نگرفته باشد، آن چیز غیر طبیعی جلوه می کند! اگر جا و مکان قلب و چشم را جابجا کنیم، کارکرد و عمل اصلی که برای خدمت و رشد به آن ساخته شده اند، از دست می دهند و در وضعیت غیر طبیعی قرار می گیرند. هر چیزی که در نقش "خود" نباشد و ایجاد "مزاحمت" برای طبیعت کند، آن را می توان غیر طبیعی تلقی کرد.

آیا تنها هدف و نیاز از ارتباطات جنسی تولید مثل است؟ و اگر نزدیکی مرد و زنی به تولید مثل نینجامد، باید آن را محکوم کرد و به آن معاشقه و شور پایان بخشید؟ اگر باور کنیم که ارتباطات، فقط رفع نیازهای جنسی نبوده و نیاز روحی، ابراز عشق، محبت و نقش های روانشناختی بسیار دیگری نیز می تواند داشته باشد، پس چرا باید بپنداریم که همجنس گرایان نمی توانند به همجنس خود، ابراز عشق و محبت کرده و مناسبات عاطفی داشته باشند؟ و چه دلیلی موجود است که همجنس گرایان را غیر طبیعی تلقی کنیم؟ ذهنی که برای آن چیز، پرورش و تربیت نشده و در آن دخالت می کند، ذهنی غیر طبیعی دارد و ایجاد مزاحمت می کند. به جای مزاحمت، دخالت و تجاوز به حریم خصوصی انسان ها چه بهتر که روی خودمان تمرکز کنیم. اگر همجنس گرایان مشکلات روانی داشته باشند، علت آن را باید در رفتارهای جامعه نسبت به این عزیزان جستجو کرد. جامعه و مردمی که فضا دار باشد، مردم آن جامعه نفسی راحت کشیده و احساس راحتی و سلامتی می کنند. در جامعه بسته و سانسور شده، رفتارهای خطرناک و بیمارگونه مضمحل خواهد بود.

وقت آن رسیده است که به جای نگاه تردید به همجنس گرایان، نگاه تردیدها به طرف سنت و عادت ها برود، به طرف حقوق انسانها و پاسداری از آن برود. زندگی که فقط مال عده ای شناخته شده نیست، زندگی به عشاق تعلق دارد. رد پای معشوق را با برف و باران های برق آسا و آسفالت های سنگین می توان در ظاهر و بیرون گم کرد، اما آیا می توان رد پای معشوق را از قلبها نیز پاک کرد؟! ق. سلطانی

اگر من و شما به خاطر اختلاف سلیقه و اختلاف باورها خشمگین شویم، و بر خشم خود غالب نشویم، از نظر اخلاقی قابل مذمت و ملامت می باشد. ولی در صورتی که خشم من و شما، عوارض پرکاری غده تیروئید باشد، در این حال دیگر نمی توان آن را مورد سرزنش و نکوهش قرار داد. خشمی که از اختیار و گزینش من خارج باشد، نمی توان حکم و برچسب اخلاقی و آتیک به آن صادر کرد. اما اگر به خاطر بیماری که دارم به پزشک مراجعه نکنم و دستورالعمل های پزشک را اجرا نکنم، می توان در مورد آن بحث کرد.

بنابر این اگر همجنس گرایی و رفتارهای مربوط به این عارضه را بیماری بدانیم، دیگر حق سرزنش و محکوم کردن و زندانی کردن این انسان ها را نداریم. مگر کسی که بیماری قند و قلب دارد، می توان آنها را مذمت و ملامت و زندانی کرد؟! سوال و پرسش اساسی اینجاست که آیا همجنس گرایی "واقعا" بیماری است؟! پاسخ این پرسش در نزد آموزگاران اخلاق و دین نیست. بلکه در نزد دانشمندان و محققان و پژوهشگران مربوطه است.

آیا رفتارهای ناشی از همجنسگرایی، نوعی بیماری است؟ پاسخ این پرسش نیز در حیطه روانشناسی و پزشکی می باشد. تحقیقات علمی گواه بر آن است که همجنس گرایی در بین حیوانات هم وجود دارد. البته من رفتارهای حیوانات را الگوی رفتارهای نسل بشر نمی بینم و نباید باشد و رفتارهای نسل بشر را الگوی رفتارهای حیوانات نمی بینم! که در غیر این صورت از منزلت هر دو باید کاسته شود. درنده خوبی را از بعضی حیوانات می توان انتظار داشت، اما در قلمرو انسانی بسیار زشت و بربریت است. روانشناسان و دانشمندان محقق سالیان متممادی است که همجنس گرایی را بیماری نمی دانند و اگر همجنس گرایی بیماری نیست، آیا قوی سیاه و گل لاله مشکی را به جهت کمبود و شایع و متداول نبودنشان باید غیر طبیعی تلقی کرد؟! طبیعی به معنای متداول و شایع و معمول نیست. عشق بازی در زیر لحاف متداول است، آیا زیر درخت مجنون غیر طبیعی باید تلقی شود؟! طبیعی

آیا رفتارهای نادر و ساختار شکن لزوماً باید از نظر اخلاقی مورد سرزنش قرار گرفته و غیر طبیعی بررسی شوند؟ آیا من و شما دوستان چه دست که در مقایسه

نفسی تنگ است و این را سینه داند
 غم را عاشق دیرینه داند
 مرا هر روز غم، یک سال بگذشت
 ولی این نکته را آیینه داند
 مهدی سهیلی

کنسرت امید در سن حوزه

شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در Center for the Performing Arts

تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱(۴۰۸)



شرابی که حافظ می نوشید شراب انگور بود یا شراب روحانی؟

گرد آورنده: الی نژاد

زنده یاد دکتر ابوالقاسم تفضلی که یکی از نویسندگان و حقوق دانان معاصر ایران بوده، پس از غور و بررسی اشعار حافظ مقاله زیر را برشته تحریر در آورده مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و فضیای ایران زمین قرار گرفت. اینک عین مقاله که توسط آن شادروان تهیه و تنظیم گردیده، بدون هیچگونه دخل و تصرفی چاپ می گردد که مورد استفاده محققان و دانش پژوهان قرار گیرد.

چندی پیش، در یک جلسه «حافظ شناسی» که با حضور جمعی از صاحب نظران و حافظ شناسان و حافظ دوستان تشکیل شده بود، این پیر گوشه گیر و حافظ شناس راه دادند. مفسر حافظ شناس مجلس، در تفسیر غزلی از حافظ به این بیت رسیده بود:

مباش بی می و مطرب که زبر چرخ کبود

بدین ترانه غم از دل بدر توانی کرد

یکی از مستمعین که روحانی زاده مقدس نمائی بود برای رفع شبهه حاضران، یا از بیم آنکه مبادا در حق حافظ عارف و عابد ظن بد رود، گفت: «البته منظور حافظ از شراب، همان شراب روحانی است».

با شنیدن این سخن، با آنکه به عنوان مهمان بوم و حق فضولی نداشتم. نتوانستم خودداری کنم و بی پروا گفتم: «اما به گمان مخلص، شاعر رند و شیرین سخن شیراز از نوش کردن شراب ناب شیراز پرهیزی نداشته است.» به یکبار چشم ها به گوینده دوخته شد. گروهی با نگاهی ملامت بار و تحقیرآمیز و تنی چند هم با تبسمی تحسین و تأیید آمیز به حقیر نگریستند.

مدیر با تدبیر جلسه، برای آنکه مجلس را از تنگنای فضولی این مهمان زبان نافرمان نجات بخشد اعلام کرد که در جلسه ای دیگر این اختلاف نظر را به بحث خواهیم گذاشت.

از گفته خود پشیمان شدم. چون حریم سخندان مجلس بود، و خودم بارها از زبان شادروان «علامه محمدتقی جعفری» و حافظ شناسی چون «حسین الهی قمشه ای» و جمعی از مدعیان حافظ شناسی، شنیده بودم که «شراب در کلام و در دیوان حافظ شرابی است روحانی و عرفانی»

به اضافه خوب می دانستم که مرا نه سابقه و مطالعه ای است در دیوان حافظ و نه حال و مجالی است برای تحقیق و تفحص در این باره. ناگزیر مصلحت کار در آن دیدم که دست به دامان سخن سرای شیراز زخم و از کرم و همت او یاری به طلبم.

آشفته حال و بر بال و پر خیال، در آسمان ناپیدا کران زمان به پرواز آمدم و به امید و شوق دیدار رند خراباتی، پر و بال زنان سالها و قرن ها را در نوردیدم تا به شیراز رسیدم.



دی پیر می فروش که ذکرش به خیر باد
گفتا شراب نوش و غم دل به بر زیاد
سپس زمزمه کنان، چنان گوئی با خود
سخن می گوید گفت:

غم زمانه که هیچش گران نمی بینم
دواش جز می چون ارغوان نمی بینم
گفتم: با غم دنیا چه باید کرد: گفت:
غم دنیای دنی چندخوری باده بخور
حیف باشد دل دانا که مشوش باشد
گفتم: با حرمت شراب در شریعت اسلام چه
می کنید؟ گفت:

مباش در پی آزار و هرچه خواهی کن
که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست
سپس با لحن نصیحت گونه ای گفت:

می خور که شیخ و زاهد و مفتی و محتسب
چون نیک بنگری همه تزویر می کنند
گفتم: با گفته ناصحان که می گویند شراب
زبان می رساند چه می گویند؟ گفت:

برو معالجت خود کن ای نصیحت گو
شراب و شاهد شیرین، کرا زبانی هست؟
گفتم: شما که حافظ قرآیند چرا شراب می
نوشید؟ گفت:

ز دست شاهد نازک عذار عیسی دم
شراب نوش و رها کن حدیث عاد و ثمود
سپس جرعه ای دیگر از قح نوشید و
زمزمه کنان گفت:

حافظ به حق قرآن کز شید و زرق باز آ
باشد که گوی عیسی، در این جهان توان زد
گفتم: آیا برای خاک سپاری خودتان هم
فکری کرده اید؟ گفت:

مهل که روز وفاتم به خاک بسپارند
مرا به میکده بر، در خم شراب انداز
در این موقع دلبری سرو بالا، ابرو کمان،
پریشان موی، با چشمانی خمار، جامی
شراب پیش آورد. حافظ جام را گرفت و
قبل از آنکه بنوشد، گفت:

مجلس انس و بهار و بحث عشق اندر میان
نستدن جام می از جانان گرانجانی بود
گفتم: مواظب باشید از صراحی شما شراب به
خاک می ریزد. گفت: دنباله مطلب در صفحه ۴۳

من این مرقع پشمینه بهر آن دارم
که زبر خرقه کشم می، کس این گمان نبرد
سپس اضافه کرد:

ما باده زبر خرقه نه امروز می کشیم
صدبار پیر میکده این ماجرا شنیده است
گفتم: روزها هم شراب می نوشید؟ گفت:
شب شراب خرابم کند به بیداری
وگر به روز حکایت کنم به خواب رود
گفتم: لذتی هم از شرب شراب می برید: گفت:
ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بی خبر ز لذت شراب مدام ما
گفتم: شما که زیرک زیرکان جهانید چگونه
به دام شراب افتادید؟ گفت:

شراب بی غش و ساقی دو دام رهند
که زیرکان جهان از کمندشان نرهند
گفتم: چه مدت است که شراب می نوشید؟ گفت:
ما می به بانگ چنگ نه امروز می خوریم
بس دور شد که گنبد جرخ این صدا شنید

گفتم: چگونه شرابی می خواهید؟ گفت:
شراب تلخ می خواهم که مرد افکن بود زورش
که تا یکدم بیاسایم ز دنیا و شر و شورش
گفتم: از سرزنش مدعیان نمی اندیشید؟ گفت:
گر من از سرزنش مدعیان اندیشم

شیوه مستی و رندی نرود از پیشم
گفتم: نوشیدن شراب خلاف طاعت و
صلاح نیست؟ گفت:

مطلب طاعت و پیمان و صلاح از من مست
که به پیمان کنشی شهره شدم روز آست
شاید چنین پنداشت که به چشم حقارت بر
او می نگرم. گفت:

مکن به چشم حقارت نگاه در من مست
که آگه است که تقدیر بر سرش چه نوشت؟
بلافاصله این بیت را هم خواند که:

من ز مسجد به خرابات نه خود افتادم
اینم از روز ازل حاصل فرجام افتاد
گفتم: از زندگی راضی هستید؟ گفت:

شراب خوش گوارم هست و یار مهربان ساقی
ندارد هیچکس باری، چنین عیسی که من دارم
گفتم: داروی غم چیست؟ گفت:

چون نقش غم ز دور به بینی شراب خواه
تشخیص کرده ایم و مداوا مقرر است
و اضافه کرد که:

ادامه مطلب عنوان شاعر ملی... از صفحه ۴۲

حس می‌کنم. اعتراض به رنجها و شوربختی‌های مردم در هر مقطع زمانی و انعکاس آنها در شعر، از ویژگی‌های دیگر او بود، که از دل برمی‌آمد و بر دل می‌نشست. سیمین خانم دچار رودربایستی و ملاحظه‌کاری‌های مرسوم نمی‌شد، در واقع خطر می‌کرد، و کمترین پی‌آمد این خطرهای پی‌درپی تیغ سانسور بود، که با قاطعیت بر کلماتش فرود می‌آمد. اما سانسور نمی‌توانست مانع انتشار شعرهایش شود. شعرها زبان به زبان می‌چرخید و به سرعت برق در درون و بیرون مرزها بر سر زبانها می‌افتاد. سیمین خانم زبان مردم بود. مثل افراشته یا اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) - البته با معیار و مقیاسی دیگر. می‌خواهم بگویم که بُرد شعر او فراتر از برخی همگنانش چون شاملو و اخوان و کسرابی و غیره بود. این عزیزان بیشتر در حوزه‌ی روشنفکری مطرح بودند، اما زبان ساده و ملموس سیمین خانم مخاطبان وسیع‌تری می‌طلبید، بی‌آن که از دید ارزشهای شاعرانه کم بی‌آورد.

سیمین خانم بی‌تردید در این دور و زمانه شاعر ملی ما بود و هست. یادش گرامی باد!

های دیگر داشتند، در ضمن دکتر امینی بدون آن که از او سوال شود جواب پرسش‌های نکرده را هم داده بود، با او خداحافظی کردند و دنبال کارهای خود رفتند.

دکتر امینی چند روز قبل از پیروزی انقلاب، ایران را ترک کرد و به فرانسه (شهر نیس) رفت. در آنجا بود که یک روز مستخدمه او به نام «زهرا» با دستپاچگی به دکتر امینی تلفن کرد و گفت: آقا... آقا... از کمیته آمده اند قالی‌ها و مبل‌ها را ببرند. چه کار کنم؟

دکتر امینی جواب داد: زهرا جان، مملکت از دست ما رفت، آن وقت تو برای چند تکه فرش و مبل و چوب و تخته ناراحتی؟

در سال ۱۳۷۱ دکتر علی امیندر ۷۸ سالگی درگذشت. در همین سال همسر او بانو بتول امینی (دختر حسن وثوق و ثوق الدوله) هم در فرانسه وفات یافت.

علت را پرسیدم. گفت: آخرین سیمین بهپهانی در فلان جا مساله‌ای را عنوان کرده، که نمی‌توان به آن نپرداخت. یادم نیست چه مساله‌ای بود؟ اما بُرد حرف سیمین خانم در ذهن نادرپور برایم تازگی داشت. تا آن زمان آشنایی من با سیمین خانم در حد یکی دو برخوردی بود که در حیاط رادیو، در میدان ارک، با او داشتم. سلامی می‌گفتم و پاسخی می‌شنیدم. پس از آن طبل انقلاب به صدا درآمد و سیمین خانم هم در میان جمع بیشتر آفتابی می‌شد. در گیرودار درگیری‌های کانون نویسندگان در تابستان و پاییز ۵۸ پای سیمین خانم هم به کانون باز شد. او نیز چون شاملو، از همان آغاز نشان داد که با وضعیت موجود سر آشتی ندارد. نمی‌توانست داشته باشد. از این یا آن گرایش سیاسی پیروی نمی‌کرد. حرف خودش را می‌زد، و کم نبودند کسانی که حرفش را با دل و جان می‌پذیرفتند.

از آن سالها سی و چند سال می‌گذرد، اما تصویری روشن از فروتنی، و در عین حال جسارت سیمین خانم در ذهن من بجا مانده است.

مهمترین ویژگی سیمین خانم آزاداندیشی و آزادی خواهی بود و هست. حضورش را

از خدماتشان آگاه باشند، کارهای بزرگ از آن‌ها به خاطر داشته باشند. تحصیلات تنها که کافی نیست؛ آن هم در چنین ایام حساسی...

شاه با ناراحتی جواب داد: شهبانو حرفی زد دیگر. این نظر او بود که پیشنهاد کرد. موقع را مناسب دیدم و به عرض رساندم: وقتی پدرتان از کشور رفت، یک عده رجال با شخصیت و استخواندار به جا گذاشت، مثل مؤتمن الملک پیرنیا، دکتر محمد مصدق، محمدعلی فروغی، حکیم الملک، قوام السلطنه، میرزا محمد صادق طباطبایی که بیشترشان مورد اعتماد و احترام مردم بودند. اما حال چه داریم؟ امیر عباس هویدا، مهندس ریاضی و نظایر آنها... شاه ناراحت شد ولی دیگر حرفی نزد.

تکه گویی دکتر امینی بیش از یک ساعت به طول انجامید. در تمام این مدت او که متکلم الوحده بود فرصت نداد خبرنگاران سؤال بکنند. خبرنگاران هم چون برنامه

ادامه مطلب گیله مرد... از صفحه ۲۴

گفتن این مطلب بیش از آن که توهین به من باشد، ایراد به خود اعلیحضرت است که چرا می‌باید دستور آمریکایی‌ها را قبول می‌کردند. شاه کمی فکر کرد، بعد گفت: حالا موقع این گله‌گزاری‌ها نیست، هنگام کمک است.

در زمان اوج گیری انقلاب آقا، یک روز اعلیحضرت از من پرسید: فکر می‌کنی با «جبهه ملی» می‌توانم به توافق برسم؟ گفتم: اعلیحضرت، یادتان می‌آید بعد از ۲۸ مرداد حضورتان عرض کردم صلاح نیست دکتر مصدق را محاکمه کنید؟ جواب دادید: «چرا؟ او داشت مرا از سلطنت خلع می‌کرد، مملکت داشت به دست روس‌ها می‌افتاد.» عرض کردم: «اعلیحضرت، دکتر مصدق مدت سی سال یک پارلمانتر ورزیده بود. او ناطق و سخنور زبردستی است. سال‌ها با بزرگ‌ترین رجال سیاسی و سیاستمداران معروف کشور مثل پدرتان، قوام السلطنه و وثوق الدوله و سید ضیاء و رزم آرا و دیگران مبارزه کرده. هنوز با این همه تبلیغ که علیه او شده، میلیون‌ها نفر طرفدار دارد. او مردم را خوب می‌شناسد و خوب می‌تواند آنها را به هیجان در بیاورد. آنوقت شما می‌خواهید در دادگاه نظامی بلندگو به دست چنین کسی بدهید که پته همه ما را روی آب بریزد!» شما فرمودید: من می‌خواهم کاری کنم که او مفتضح شود. جواب دادم: چطور؟ به وسیله چه سرلشکر و سرتیپ که نه از حقوق و قضاوت چیزی سرشان می‌شود و نه اهل نطق و بیان هستند، می‌خواهید این کار را بفرمایید؟

آقا! یک روز من حضور اعلیحضرت بودم که تلفن مخصوصشان زنگ زد. شهبانو بود. مدتی صحبت کردند، اما شاه جواب قطعی نداد. گفت بعداً در این باره صحبت می‌کنیم و گوشی را گذاشتند. لحظه‌ای سکوت کردند، سپس گفتند: شهبانو بود، می‌گفت خوب است دکتر هوشنگ نهارندی را نخست‌وزیر کنیم. از شنیدن این حرف حیرت کردم آقا! گفتم: چی؟ در چنین شرایطی که مملکت احتیاج به مردان با تجربه، با شخصیت، خوشنام و مورد اعتماد دارد، شهبانو بهتر از رئیس دفتر خودشان کسی را پیدا نکردند که برای نخست‌وزیر پیشنهاد کنند؟ درست است، او جوانی تحصیلکرده است، استاد دانشگاه است، باسواد است، چند جلد کتاب نوشته؛ ولی این‌ها به درد نخست‌وزیری در این ایام پراشوب نمی‌خورد. مردم باید به رجال سیاسی اعتماد داشته باشند، آن‌ها را طی سال‌ها در مشاغل حساس دیده باشند،

سیاستمداران زیرک جهان همیشه خود را خدمتگزار مردم معرفی می‌کنند و در هر موقعیتی از مردم تجلیل می‌کنند، اما شما که می‌خواستید کار سیاستمدارها را بکنید، این‌ها را فراموش می‌کردید. یا اطرافیان چاپلوس شما نمی‌گذاشتند.»

وقتی نخست‌وزیر بودم یک روز به اعلیحضرت گفتم: آخر من نخست‌وزیر منتخب شما هستم. درست نیست شما با وزیران کابینه به طور مستقیم تماس بگیرید، آنها به شما گزارش بدهند، شما برای ایشان فرمان صادر کنید. هر امری دارید به بنده بفرمایید، خودم به آنها می‌گویم. اعلیحضرت جواب داد: وزیر خارجه و وزیر جنگ چی؟ با آنها هم تماس بگیریم؟ عرض کردم: بله قربان، آنها هم همینطور. طبق قانون اساسی نخست‌وزیر و وزیران در مقابل مجلس مسئول هستند. شاه با ناراحتی گفت: شما هم که حرف قوام السلطنه را می‌زنید. نکند مثل مصدق می‌خواهید پست وزارت جنگ را برای خودتان نگه دارید؟ عرض کردم: نه اعلیحضرت، من وزارت جنگ را نمی‌خواهم. من که مرد جنگی نیستم، من اصلاً بلد نیستم تفنگ در کنم. اما وزارت جنگ هم مانند سایر وزارتخانه‌ها باید وزیرمسئول در مقابل مجلس داشته باشد. یک روز اعلیحضرت به من گفتند: اصلاً می‌دانی چیه تو می‌خواهی شاه بشوی! من از این حرف خنده‌ام گرفت آقا. عرض کردم: اعلیحضرت، ما آن وقت‌ها که بچه بودیم شاه بازی می‌کردیم، اما حالا دیگر بزرگ شده ایم. ضمناً دوره هم دیگر دوره شاه شدن ما نیست.

وقتی در یکی از ملاقات‌ها در دوران انقلاب که مرتب مرا احضار می‌فرمودند و با من در باره اوضاع مشورت می‌کردند، این موضوع را به عرض ایشان رساندم، گفتم: چیزی که باعث بعضی نابسامانی‌ها شد، این بود که اعلیحضرت به وزیرانی که حقایق را به عرض ایشان می‌رساندند علاقه و اعتماد نداشتند، آنها را طرد می‌کردند یا دستشان را می‌بستند و همین باعث رکود کارها می‌شد.

بعد موضوعی را که مدتی در دلم عقده شده بود بیان کردم. گفتم: اعلیحضرت، شما این اواخر می‌گفتید در سال ۱۳۴۰ من نمی‌خواستم دکتر امینی را نخست‌وزیر کنم؛ او را آمریکایی‌ها [کندی] به من تحمیل کردند. اگر اعلیحضرت مشاوران فہمیده و با حسن نیتی داشتند و قبل از بیان این مطلب با آنها مشورت می‌کردند، حتماً به عرض می‌رساندند که



*Discover a Whole New Dining
Experience in a Chic & Gracious Atmosphere at*



Los Gatos

"Peruvian and Japanese Cuisine"

Full Menu Available at Katsulosgatos.com

Dinner Service:

Sunday: 11:00am-8:00pm (Brunch from 11:00am-3:00pm)

Monday-Thursday: 5:00pm-10:00pm

Friday-Saturday: 5:00pm-11:00pm

Happy Hour:

Monday-Friday: 5:00pm-7:00pm

Sunday: 12:00pm-4:00pm

Restaurant is available for Private Events

(408) 354-0712

160 W Main St, Los Gatos, CA 95030

ادامه مطلب ۵ موسیقی برتر ... از صفحه ۳۳

او را با این فیلم بخاطر می آورند. اما به غیر از شخصیت های جالب و ماندگار فیلم، باید به موسیقی فیلم هم اشاره ای داشته باشیم که به جرات می توان گفت خوب، بد، زشت نمی از شهرت اش را مدیون آن است. موسیقی خوب، بد، زشت را استاد انیو موریکونه خلق کرده است. کسی که اگر سینمای وسترن او را نداشت شاید هرگز تا بدین حد در جهان به شهرت نمی رسید. موریکونه تا بحال ۵ بار کاندید دریافت اسکار شده اما تنها یکبار و آن هم در سال ۲۰۰۷ اسکاری افتخاری نصیب شده است.

ماموریت غیر ممکن: موسیقی معروف این فیلم را زمانی می شنوید که اتان در حال حرکت به سمت هدف با استفاده از تجهیزات فوق حرفه ای است و قرار است یک کار خارق العاده انجام دهد! احتمالا همه شما نمونه این صحنه ها را در فیلم ماموریت غیر ممکن دیده اید. موسیقی متن این فیلم از آن دسته موسیقی

هایی هست که گاهی هم در بعضی از فیلمهای کمدی در وصف یک صحنه جاسوسی بکار می رود! این موسیقی گرچه تاریخچه ای طولانی دارد اما تماشاگران جوان تر اغلب این موسیقی را



به همراه فیلم ماموریت غیر ممکن که بازیگر نقش اصلی آن تام کروز بوده بخاطر می آورند. سازنده این موسیقی لالو شیفرین آرژانتینی است.

چیزهایی به مراتب بزرگتر از یک فلک به وجد میان بچه هایی که نه زحمتی برای خواسته هاشون می کشن و نه جنگی برایش می کنن و نه اصولا کاربردی برای و اشرف به غیر از هم نشینی با پیچ می شناسن. بله. فلک دلبند من بالاخره پر شد اما نه ۲۱ آگوست ۲۰۱۴! با و اشرف!

جیمز باند: جیمز باند فیلمی است که تمام افراد در همه سن ها حداقل چند قسمت از آن را دیده اند! چه در دهه ۷۰ میلادی که کسانی مانند شان کاتری لباس جناب باند را به تن می کردند و چه در سال ۲۰۱۰ که یک جیمز باند مو بور به نام دنیل کریگ نقش آن را بازی می کند.

سری فیلمهای جیمز باند را همه با آن صحنه معروف «باند، جیمز باند» گفتن معروف هنرپیشه ها بخاطر می آورند اما بدون شک موسیقی متن این فیلم نیز یکی دیگر از دلایلی است که باعث شهرت آن شده است. موسیقی مشهور این فیلم را معمولا زمانی می شنویم که آقای باند در حال مخفیانه وارد شدن به جایی باشد یا ماموریتش را بخوبی به پایان رسانده باشد! موسیقی زیبای این فیلم کار آهنگساز پر افتخار هالیوود جان بری است.

فوب، بد، زشت: کسی هست که تا بحال خوب، بد، زشت را دیده باشد و موسیقی خاطره

انگیز آن در خاطرش نمانده باشد؟ مرد بدون نام لقبی بود که کلینت ایستوود در دهه ۶۰ میلادی با آن به شهرت رسید و تا به امروز که نیم قرن از آن زمان می گذرد، هنوز هم

طول کشید چون پول توجیبی من به راستی اشک چشم مورچه بود. قلکی که هرگز اونو نشکستم و پرشده سرتاقچه یا به قول مامان بزرگم سربخاری گذاشتم و احتمالا همون جا می مونه تا به ارت به بچه هایی برسه که حجم آرزوهاشون از ظرفیت یه قلک سفالی بزرگتره و دیگه نه با سکه سر و کار دارن و نه با

ادامه مطلب آشنا داند زبان ... از صفحه ۱۷

کبود کم از کهر نیست. مامان منم باج به شغال نمی داد. روشش این بود که به دشمن فرصت فکر کردن نمی داد.

به مغازه که رسید بدون ذره ای تردید صاف به طرف جعبه رفت و جلوی چشم حیرت زده آقا مختار یه قلک برداشت و به من داد و مثل مرغی که جوجه هاشو از خطر دور می کنه به من و مری هی زد که: شما برین. منم که با حس کردن دوباره یه قلک نو تو بغلم خونم به جریان افتاده بود بدو بدو با مری چند متر دورتر ایستادیم و به میدون جنگ نگاه کردیم. بدبخت ماها که همیشه باید می جنگیدیم حتی برای یه قلک. تا آقا مختار اومد حرفی بزنه توپ مامان زبونشو بند آورد.

چادر مامان افتاده بود سر شونه اش و انگشتشو به طرف آقا مختار تکون داد. داشت از بچه اش حمایت می کرد حتی اگه خون ریخته می شد. کاری به حق و ناحقش نداشت. انگار تمام دنیا ساکت شد و طنین صدای مامان تو گوشم پیچید: خوب گوش کن حیف نون! فکر کردی این بچه صاحب نداره که به این روزش انداختی؟ وقتی به بچه مردم قلک می فروشی چشم کورتو باز کن که دوباره ازش پس نگیری و گرنه خودم اون تخم چشمانو با ناخن در میارم که کور الخناس بشی. دزد سر گردنه. بعد از این اگه دست رو بچه من بلند کنی پیرهن تو تنت نمیدارم. یا درست کاسبی می کنی یا در مغازه تو گل می گیرم. آقا مختار که حتی فرصت تکون خوردن پیدا نکرده بود و قدرت تصمیم گیری خودشو از دست داده بود خواست حرفی بزنه که مامان راه نفسشو برید: اگه دهنشو واکنی دیگه این قدر قشنگ باهات حرف نمی زنم! اینو که گفت برگشت منو صدازد و با کمی عصبانیت ساختگی به طرف خونه هلم داد که یعنی راه بیفت تا به آقا مختار که حالا از باد و بروت افتاده بود حالی کنه که قضیه تموم شده. تا آقا مختار اومد از گیجی درییاد ما به خونه رسیدیم. بودیم اون لحظه مثل فتح المبین بود! تازه

فهمیدم که بچه صاحب دار یعنی چی که همه می گن. باز مامان خودمون که اگه بعضی وقت ها با نیشگون کبودمون می کرد اقلا این جور جاها پشت آدم درمیومد. تنها چیزی که از لحظه آخر یادمه قیافه آقا مختار پشت سرمون بود که مثل لاستیک پنچر شده بود.

مدت ها گذشت. قلکی که برایش جنگ شده بود و چنگ و دندون به کار افتاده بود و خلقی برای موجودیتش زحمت کشیده بودن پرشد. پرشدنی که دو سال

ظاهراً مری تو این فاصله خودشو به خونه رسونده و گزارشو به مامانش داده بود.

خودشم ترسیده بود. گرچه دلیلی نداشت اون نگران قلک خودش باشه اما حالا که مملکت هرکی هرکی بود کسی چه می دونه، شاید یه ساعت دیگه نوبت قلک اونم می رسید. وسط روز بود. در نبودن باباها، مامان ها کوچه رو می گردوندن. ظلم به قدری فاحش بود که مامان مری چادر چیتشو به کمر گره زد و گفت: مملجت گانون داره. مادر شوما خونه است؟ فقط تونستم سرمو تکون بدم. مامان مری جلو افتاد و مری دنبالش و من با فاصله دنبال اون ها. می ترسیدم به خونه مون نزدیک شم. مامان من قابل پیش بینی نبود. بالاخره یکی باید جواب مال سوخت شده رو می داد و این وسط من از همه دم دست تر بودم. خوب حقم داشت. خودشم دو سال یه بار یه قواره چادری نو گیرش نمیومد. تو این محل در و تخته باهم جور بودن. باباها، مامان ها، همسایه ها، بقال ها! هرچی بود مامان مری فرشته بود. پیامبر بود. داشت پیام ظلمی رو که به من شده بود واسه مامانم می برد. مگه پیامبری چیزی بیش از این بود؟ یا مامان مری چیزی کمتر از یه پیامبر داشت؟ من که پیامبر زن نمی شناختم اما لایذ داریم دیگه. اگه پیامبری یعنی احقاق حق، بفرما! یه پیامبر زن با چادر نماز گلدار محصول کارخانه چیت سازی نازی آباد!

نتیجه مذاکرات مامان مری با مامان من که لای در ایستاده بود آتشفشان خشم مامان بود که خوشبختانه به واسطه حضور مامان مری و مامان بزرگ رو سرمون فوران نکرد اما باید تلفاتی می داد و تلفاتش لابد آقا مختار بدبخت بود. بدبخت که می گم یعنی واقعا دلم برایش می سوخت با وجود ظلم فاحشی که به من کرده بود. ورق روزگار در کمتر از نیم ساعت برای بار دوم برگشت. از همون روز بود که فهمیدم رو هیچ کار دنیا حتی برای نیم ساعت نمی شه حساب کرد. مامان من و مامان مری جلو می رفتن و من و مری دنبالشون. برای یه قلک لشکر کشی کرده بودیم. اما خیلی فرق می کنه که تو جنگ صف شکن باشی یا پشت جبهه. آقا مختار که از دور لشکر سلم و تور ما رو دیده بود آماده مراقبه چشم از مامان بر نمی داشت. اون روز یه چیز دیگه هم فهمیدم. زن به وقتش می تونه خیلی خطرناک باشه. مامان من نمونه اش! ترسیده بودم. احساس می کردم آقا مختار مثل گاو جنگی پاشو به زمین می کشه. اما

کنسرت امید در سن حوزه

شنبه ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴ در Center for the Performing Arts

تلفن اطلاعات ۵۵۳۲-۷۶۱(۴۰۸)



ادامه مطلب چه کسی فوتبال ... از صفحه ۱۵

ژوزه بایدک همه چیز را با لیورپول تمام کرده بود که مندرس پیدایش می شود و با توجه به رابطه ای که با رومن آبرامویچ داشت موفق میشود که مورینیو را از چنگ لیورپول در آورده و به چلسی (آبرامویچ) بفروشد. آبرامویچ هم قدردان بود و بعدها ملیونی برای مندرس جبران نمود. در این دزدیدن مورینیو از چنگ لیورپول و فروش او به چلسی ژرژ مندرس یک کمکی هم داشت و او کسی نبود غیر از اسرائیلی معروف پینی زهاوی که در آن زمان رابطه نزدیکی با آبرامویچ میلیاردر داشت که او هم عقبه اش به اسرائیل بر می گردد.

این طور به نظر می رسد که پینی زهاوی در حقیقت یک رقیب بزرگ برای خودش درست کرد. سالها بعد که اعتماد آبرامویچ را کاملا جذب نموده بود توانست که یک نقش دو جانبه را بازی کند: هم نماینده چلسی در مذاکرات با بازیکنان بود و هم نماینده بازیکنان با چلسی! هر دو طرف ماجرا باید که حق و حساب او را پرداخت می کردند، ولی همه هم راضی بودند! جنگ و معامله ۳ طرف برد! مندرس دیگر راضی به چلسی تنها که بازیکنانی نظیر: ریکاردو کاروالیا، پائولو فریرا، تیگا، مانیش و در آخر دکارا به او داده بود، نشد. او به سراغ منچستر یونایتد رفت که توانسته بود بعد از ترانسفر رونالدو اعتماد فرگوسن را بدست آورده بود، برود و نانی و اندرسون را هم به آنها بفروشد. ژرژ مندرس ۱۰ سال بعد از ورود خود به این شغل موفق شد که قویترین شود. با شرکت استرتفورد که مدیر برنامه وین رونی بود وارد درگیری قضائی شد که تا ۲۰۱۱ ادامه داشت.

مندرس مرزها را در فوتبال تغییر داد، قیمت بازیکنان و مربیان را هنرمندانه بالا برد. از مورینیو گرانترین مربی دنیا را ساخت وقتی او را به اینتر میلان فروخت، سپس قیمت او را باز هم افزایش داد وقتی که به رئال مادرید ترانسفر نمود. موفق شد که برای فیلیپه اسکولاری در ازبکستان شغل ۱۳ میلیون یورویی فراهم نماید که در پورسانت در تنها یک سال!

مندرس در حال حاضر قویترین ایجنت رسمی فیفاست و بیش از ۸۰ بازیکن بزرگ چند تن از بهترین مربیان دنیا را توسط کمپانی خود، گستیفوت تحت پوشش دارد، بیش از ۵۳۶ میلیون یورو ارزش بازیکنانش تخمین زده میشود. حرف و حدیث در مورد او و

ادامه مطلب مشقی تازه ... از صفحه ۱۹

در اوستا دیو بمعنی آفریده ایست زیانمند و خطرناک و آسیب رسان و در ردیف ددان و جانوران قرار دارند. علاوه بر آن، این واژه بر خدایان مذاهب غیر ایرانی نیز اطلاق می شود. از دیدگاه داستان های ملی گرچه دیوانف به نژاد آدمیان تعلق ندارند ولی در عین حال از صفات انسانی نیز بی بهره نیستند. حکومت و سلطنت و رئیس و رهبر دارند، سخن می گویند. واجد فهم و درکند و در برخورد با سختی ها به چاره اندیشی می پردازند. دیوان معمولاً سیه چرده اند. دندان هایی چون گراز دارند و اندامشان را

ادامه مطلب یادداشت های بی تاریخ ... از صفحه ۲۰

تنها چیزی که نظرمان را می گرفت آن چراغ سبز روی جعبه بود که بالا و پائین رفتن صدای گیرنده تکان می خورد و کم رنگ و پر رنگ می شد، مثل چشم گربه ای که بین خواب و بیداری گرفتار است. در راه بازگشت به خانه پدر گفت که قصه گو صبحی نام دارد و بعدها نام کاملش را که فضل الله صبحی مهندسی بود یاد گرفتیم که می گفتند بابی بوده و بعد برگشته و لامذهب شده و رفیق صادق هدایت و پسرعمو رحمت الهی است. قصه های صبحی ما را به قصه بست و بست و بست تا قصه نویسی شدیم.

کم کم رادیو در خانه بی بی ما را به صداهای دیگری پیوست که صاحبانشان را نمی دیدیم. هنوز تلویزیون نیامده بود. و بتدریج در کوچه های محله ما درخت آنتن بر سر پامها سبز شد و ما هنوز رادیو نداشتیم چون برق نداشتیم. جمعه های ما با رادیو و «بچه ها سلام» پر می شد. و فرهاد هنوز نخوانده بود.

جمعه روز بدی بود
روز بیحوصلگی
روز خوبی که می شد
غزلی تازه بگی

ادامه مطلب نقدی بر فیلم ... از صفحه ۳۱

۸- نوع خط و نحوه نوشتن عبارات و کلمات در پاره ای از مکتوبات به دست آمده از مولوی و نیز امتیازاتی که در سایر آثار مولوی متجلی است و بالاخره مطالب دیگری در آغاز مثنوی بشتو از نی وجود دارد. از قبیل مسئله ارجاع به اصل که انسان ها مظهری از مظاهر ذات و صفات حق تعالی و روح ما نیز پرتوی از انوار اوست، روح ملکوتی و تن گذرگاهی برای تعالی روح است که انسان با تمسک شریعت و با شیوه طریقت و قوه محرکه عشق می تواند با این تعالی دست یابد و روح همواره در اشتیاق به عالم ملکوتی خویش است که از اصل خود جدا مانده و ما آتش این اشتیاق را به زبان نی می شنویم که همان نفس ناطقه انسانی است و نیز توصیه های مولانا که باید بندهای

مربیان بسیار زیاد است حتی گفته می شود که مورینیو در زمان رئال از ترانسفر بازیکنان توسط مندرس درصد خوبی گیرش آمده است! می گویند که ترانسفر خود مورینیو به رئال حدود ۵۰ میلیون یورو ارزش داشته که ۲۵ درصد آن (۱۲،۵ میلیون یورو) به مندرس رسیده است! بابت ترانسفر بیش از ۹۰ میلیونی رونالدو هم ۹ میلیون یورو گیرش آمد. مدیران برنامه ها و یا ایجنت ها خیلی وقت است که نقش بسیار مهمی در دنیای فوتبال بازی میکنند، در بعضی از جاها حرف ها آنها از مربیان هم معتبر تر است.

ادامه مطلب چه مسواکی انتخاب... از صفحه ۲۷

۶- سلیقه و نظر شما در انتخاب مسواک بسیار مهم است. رنگ و طرحی را انتخاب نمایید که حس خوبی به شما منتقل و تمایل بیشتری برای مسواک زدن در شما ایجاد نماید.

چه زمانی باید مسواک خود را عوض نمایم؟

هر زمان که موهای مسواک شما بدفرم و ساییده شد، لازم است مسواک خود را عوض نمایید. مسواک کهنه با الیاف کج و بد شکل نه تنها دندانهای شما را به خوبی تمیز نمی کند، بلکه با حمل باکتری های مضر می تواند سبب بیماری های لثة گردد.

زمان تغییر مسواک معمولاً بین ۳ تا ۴ ماه می باشد. در صورتیکه مسواک شما پس از مدت کوتاهی مثلاً دو هفته کج و بد شکل می شود، نشانه آن است که شما با نیروی بسیار زیادی مسواک می زنید و باید فشار دست خود را حین مسواک زدن کاهش دهید. اما اگر با گذشت شش ماه، موهای مسواک شما تغییری نکرده است، احتمالاً شما با فشار بسیار کمی مسواک می زنید یا به صورت مرتب از مسواک خود استفاده نمی نمایید. افراد بیمار بهتر است مسواک خود را در شروع بیماری و پس از بهبودی کامل تغییر دهند تا میکروبها و باکتری های بیماری زا در موهای مسواکشان باقی نمانند.

چگونه از مسواک خود نگهداری کنیم؟

از قرار دادن مسواک خود داخل حمام یا دستشویی خودداری نمایید. محیط نگهداری مسواک بایستی خشک باشد. پس از هر بار استفاده از مسواک، آن را کامل بشویید و باقی مانده خمیر دندان یا خرده های غذا را از لابه لای موهای آن خارج نمایید. پس از شستن مسواک آن را خوب تکان دهید تا قطرات آب از بین موهای مسواک خارج شوند. محیط مرطوب بین موهای مسواک، مکان مناسبی برای تجمع و رشد باکتریها و قارچها می باشد. استفاده از درپوش برای

ادامه مطلب هیچوقت دیر نیست... از صفحه ۲۹

طور غریزی بسیاری از آنان غرور مردانه شان همیشه مطرح است و اگر بفهمند که زن خواسته ها و ایرادهایی از آنان دارد که برایش مهم است، ممکن است حالت دفاعی بگیرند و احساس خود کم بینی به هر دو دست بدهد. برای همین که باهم برخورد درست بکنند، به یک مربی خوب احتیاج است که مسائل حساس را مطرح و راه حل های مختلف را از طرف خودشان هدایت کند که به نتیجه مثبت برسند.

مسائل مهمی هستند که پژوهش و تجربه نشان داده که باید در رابطه قبل از متلاشی شدن و یا پای آدمهای دیگر باز شدن رعایت شود. اول از آن این است که بدانیم خیانت همیشه یک خیابان دوطرفه است و هرگز یک نفر فقط مقصر نیست. کاری نادرست است و نباید انجام شود ولی خیانت ریشه روحی دارد و علائم بسیاری دارد که باید آنها را دید و مواظب بود.

همیشه به خاطر هرزگی نیست و بعضی مواقع انسانی مستحکم و قوی حتی می تواند این اشتباه را مرتکب شود. خود را هرگز در هیچ شرایطی نباید تنها احساس کرد هیچ اشتباه نباید کسی را افسرده دائمی و غصه دار کند. باید مسئولیت عمل خطا را قبول کرد و یادگرفت با آن برخورد درست داشت. کسی را به تنهایی عامل و مقصر ندانید. در یک رابطه هیچ کس بی گناه نیست. خود را قربانی ندانیم چون هرکس مسئول اشتباهات خود می باشد. باید بفهمیم که آیا می خواهیم رابطه را هنوز نگه داریم و روی آن کار کنیم و یا می خواهیم آنرا به اتمام برسانیم. چه توانایی های داریم. هر راه حل چه خوبی ها و بدی هایی دارد؟ کدام به صلاح بیشتر ماست. پیشامدها و پیامدهای آن چیست و زندگی ما در هر تصمیمی به کجا سیر می کند؟ بهترین کار و چاره چیست؟

تمام تجربه های زندگی، دردهایی به سوی پی بردن به راه های بهتر شدن، شاد شدن و صلح درونی می باشند. همیشه لبخند و شادی در هر لحظه زندگی منتظر شماست. به خود عشق بورزیم و آنقدر پرآرامش و محکم باشیم که اجازه ندهیم هیچ گریه و توفانی ریشه های درخت شادمانی ما را متزلزل کند. راز آن عشق ورزیدن به خود، هستی و خالق است که ما وجود و قسمتی از آن هستیم. انسانی قادر و توانا که شادی و خوشبختی حق طبیعی و مادرزادی ماست. اگر به مربی و راهنمایی دلسوز و یکرنگ نیاز داشتید روی من می توانید حساب کنید. من شما را در مسیر شاد و متفاوتی همراه خواهم بود.

جواب خانم این بود که همسرش او را فقط در رل مادر و کدبانو بودن می نگرد. آخرین باری که به عنوان یک زن (بدون تیتراهای مادری و یا همسری) به او نگریسته بیاد ندارد! او معترض بود که او احساسات و غریزه های روحی و جنسی یک زن کامل و سالم را دارد و می خواهد در یک رابطه عاشقانه زندگی کند و آن ارجحیت زندگی اش می باشد. او می گفت در محیط زندگی و اطرافیانش، متاسفانه زنها و مردها رابطه های خارج از ازدواج دارند و به خاطر احترام فوق العاده ای که برای شوهرش قائل است و نمی خواهد به او خیانت کند، می خواهد جدا شود و دنبال عشق بگردد. وقتی با همسرش وارد مذاکره شدم متوجه شدم که او هم نمی خواهد فقط نقش یک قهرمان، همسر، پدر و مدیر مالی را داشته باشد. او هم حرف هایی دارد! او هم دوست دارد لحظات خالص و مردانه با یک زن را دور از مسئولیت ها و حرف های خانگی تجربه کند! ولی متاسفانه کار و مسئولیت زیاد و اینکه وقت رویاپردازی ندارد، این مسائل برایش ارجحیت نداشته! چه جالب است که دوباره با دیدگاه جدید و ارتباط شفاف از نو شروع می کنند و ارتباط ها از سرگرفته می شود. خوشحالم که توانستم ریشه یابی کنیم و با تکنیک ها و پیشنهادهای کارساز، عشق و شور را به رابطه بازگردانیم.

در فرهنگ ما به خاطر رودربایستی و بسته بودن درهای ارتباط باز حرفهای مهم زده نمی شود. از کودکی به ما آموخته اند که خیلی از حرفها را نباید بزنیم و درون خود نگه داریم (خودخوری کنیم). گفتن بعضی حقایق حمل بر بی ادبی و پررویی می شوند. اگر زن و مرد بتوانند به طور باز از ارتباط روحی و جسمی خود صحبت کنند و به جای ایراد گرفتن با روش مثبت خواسته های خود را در زندگی به طور سالم و سازنده در فضایی مثبت مطرح کنند، رابطه ها قوی و غیر گسستی می شوند. تربیتهای مختلف در شخصیت های مختلف احتیاج به کار و هماهنگی دارند. وقتی دو نفر نیازهای خود را در رابطه ای مطرح می کنند، خانم ها به خاطر حساس بودن و تربیت جامعه، ممکن است در مورد ارتباط فکری و مطرح مسائل مهم برای زوجشان، اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و یا مسئله را شخصی بگیرند. به آنها بربخورد که بفهمند که طرف رابطه از آنها راضی نیست و خواسته های روحی و فیزیکی دیگری دارد. آقایان هم که به

ادامه مطلب تیم ملی والیبالی... از صفحه ۱۴۴

قهرمانی والیبالی شمار طلاهای کاروان ایران را به عدد ۲۱ رساند تا رکورد تعداد مدال طلاهای ایران در این بازی ها پس از انقلاب شکسته شود.

در دوره گذشته ایران ۲۰ طلا به دست آورد. آمار طلاهای ایران هر چند نسبت به دوره گذشته بیشتر شد، اما جایگاه ایران یک پله سقوط کرد.

۱۹۸۶ سئول: چین - کره جنوبی - هند

۱۹۹۰ پکن: چین - کره جنوبی - ژاپن

۱۹۹۴ هیروشیما: ژاپن - چین - کره جنوبی

۱۹۹۸ بانکوک: چین - کره جنوبی - چین تایپه

۲۰۰۲ بوسان: کره جنوبی - ایران - ژاپن

۲۰۰۶ دوحه: کره جنوبی - چین - عربستان سعودی

۲۰۱۰ گوانگژو: ژاپن - ایران - کره جنوبی

۲۰۱۴ اینچئون: ایران - ژاپن - کره جنوبی

آرزو دارم روزی این حقیقت به واقعیت مبدل شود

که همه ی انسان ها برابرند. (مارتین لوتر کینگ)

ادامه مطلب اعدام محسن... از صفحه ۶

جبران ناپذیر وارد کرده است. به علاوه از قافله اعتمادسازی بکلی عقب مانده است. بازوی سیاسی نواندیشی دینی که جناح اصلاح طلب را شکل داده، در ماهیت سیاسی کار است و جوهره فکری آن با نبود منبع انرژی فکری که تعطیل شده است، خشک شده و می شود.

همه کسانی که به جریان عدالت خواهی در بستر تاریخی اش پایبندی دارند، لازم است در برخورد با هر بازداشت عقیدتی و هر اعدام عقیدتی، به اعلام نظر بپردازند تا بحث حقوق بشر در محدوده فکری قاضی صلواتی و جواد و صادق لاریجانی، منجمد نشود. بحث حقوق بشر در جوامع با اکثریت مسلمان، بدون همسوئی با جریان نواندیشی دینی، پیش نمی رود. این همسوئی در ایران تعطیل شده است. سرکوب البته موثر بوده، ولی جریان نواندیشی دینی هم چندان به ادامه حیات پرشور، رغبتی از خود نشان نداده است. در نتیجه عدالت به جای آن که در بستر تاریخی اش تعریف بشود، در محدوده ذهنی قضاتی تعریف می شود که استقلال ندارند و نمی خواهند داشته باشند.

آیا مرگ، پاسخ عدالت جویانه ای است به چالش با یک قصه قرآنی؟ آیا اگر به راستی و آن گونه که جریان نواندیشی دینی می گوید "عدالت را باید در بستر تاریخی اش تعریف کرد" این گونه اعدام ها با تعریف عدالت در این عصر و زمانه سازگار است؟

توقع از مجموعه نواندیشی دینی این است که به یاری حامیان حقوق بشر بشتابد و از زاویه تعریف عدالت در بستر تاریخی اش، اقدامی همه جانبه و بی وقفه را در زمینه بازداشت های عقیدتی بهائیان، مشفت هائی که دستجاتی از درویش متحمل می شوند و دیگر ستمگری هائی که با این گونه اتهامات اجرائی می شود، آغاز کنند. در شرایط کنونی و درست در زمانی که با علاقمندی دارند یخ های رابطه با غرب را آب می کنند، حقوق بشر در جای یک پدیده غربی همچنان و شاید بیشتر، زیر ضرب است. جریان نواندیشی دینی اگر از سرکوب بترسد و همچنان در خاموشی به این صحنه بنگرد، به اعتبار خود و به کرامت انسانی ایرانیان صدمات

ادامه مطلب مریم الف... از صفحه ۷

ما اندازه دیه چهار نفر پول می خواهند که تهیه آن برای ما بسیار سخت است.» به گریه می افتد و میان حق هایش می گوید: «ما نه خودمان پشتوانه ای برای تهیه این پول داریم و نه آدم های سرمایه دار را می شناسیم. در همین چند روز همه تلاش مان را کرده ایم به مراکز جمع آوری دیه مراجعه کرده ایم اما همه آنها به ما می گویند ما فقط به دیه قتل های غیر عمد کمک می کنیم نه دیه قتل عمد.»

مریم پا به محوطه اعدام گذاشته. طناب دار و صندلی زیر پایش را دیده و حتی آمبولانس و مامور اجرای حکم را هم دیده است. مریم الان زنده است اما... مادرش می گوید: «حال مریم بد است. شوکه شده. وقتی با ماشین داشتند او را از محوطه اعدام به زندان منتقل می کردند. چند لحظه ای او را دیدیم. پسرش را که دید کمی گریه کرد و آرام تر شد اما حالش خراب است.»

او بیشتر از هرکس می داند در دل من مادر چه می گذرد. خودش داغ فرزند دیده. دو تا از بچه هایش به خاطر بیماری سرطان مردند. همیشه می گفت: دعا می کنم حتی بدترین آدم ها هم داغ فرزند نبینند. حالا من که مادرش هستم، گرفتار شده ام. به خدا من هم هرشب دعا می کنم که هیچ مادری به حال و روز من نیفتد.» دیگر صدایش نمی لرزد مادر مریم به حق افتاده است. کلماتش میان حق هق گم می شود. او می گوید: «هیچ کس فکرش را نمی کرد مریم گرفتار این وضعیت شود.» او از مردم کمک می خواهد می گوید:

« بنویسید: من تا به حال دستم را جلوی کسی دراز نکرده ام اما الان جان دخرتم وسط است. بنویسید: عاجزانه خواهش میکنم به ما کمک کنید. نمی خواهم اصلا به حساب شخصی ما پول بریزید. شماره حساب دادگستری هست. فقط خواهش می کنم کمک کنید.» موقع خداحافظی می گوید: « امروز چند شنبه است؟» بعد خودش روزها را می شمرد و می گوید: «وشنبه!» آه بلندی می کشد و می گوید: «چرا روزها این قدر تند می گذرد. وقت کم است. خدا یا چه کنم...»

همسر، دو فرزند و مادر اصغر در دادگاه حضور دارند و اولیای دم اصغر که مادر و دو فرزندش هستند، تقاضای اشد مجازات می دهند.

حدود دو سال است که مریم منتظر اجرای حکم قصاص است. مادرش می گوید: «مرگ حق است و همه مان به هر حال می میریم اما اینکه یک نفر هر روز منتظر مرگ باشد خیلی سخت است.» بغض می کند و دوباره می گوید: «تورو خدا کمک کنید، من مادر هستم. جگرم می سوزد. پسر هفده ساله مریم از وقتی این اتفاق افتاده، چند بار دست به خودکشی زده و نجاش داده ایم. می ترسم مریم قصاص شود و این بچه هم کار دست خودش دهد. داغ روی داغ می آید.»

ماه گذشته همه چیز برای اجرای حکم اعدام آماده بوده است. مادر مریم می گوید: «چند روز قبل ترش به ما ملاقات حضوری دادند و گفتند هر کس را دوست دارید بیاورید مریم را ببیند. ما هم همگی رفتیم. دو روز بعد هم ملاقات کابینی دادند. مریم چند باری با خانه تماس گرفت اما ساعت ۶ عصر یکی از همبندی هایش زنگ زد و خبر داد که مریم را برای اجرای حکم برده اند.» صدایش می لرزد و سعی می کند صدایش را صاف کند: «ما رفتیم جلوی زندان، ما را راه ندادند داخل. حتی اجازه ندادند جلوی در زندان بایستیم. گفتند باید بروید آن طرف خیابان.» اولیای دم برای اجرای حکم حاضر می شوند: «یکی از بچه ها همراه مادر اصغر آمده بود. ما جلو رفتیم و التماس کردیم. حال خودمان را نمی فهمیدیم. اما بالاخره اولیای دم داخل شدند.»

مادر و پدر مریم و فرزند هفده ساله او با اشک و دعا منتظر خبری از داخل زندان می شوند: «خبر رسید که خانواده مقتول فرصتی دوهفته ای برای تهیه پول دیه داده اند تا از قصاص گذشت کنند.» اما مادر مریم امیدی به تهیه پول ندارد: «آنها ۶۰۰ میلیون تومان دیه خواسته اند و فقط دو هفته مهلت داده اند. پدر مریم یک مستمری بگیر است و اصلا نمی توانیم این پول را تهیه کنیم.»

قیمت دیه صد و پنجاه میلیون تومان است. مادر مریم می گوید: «خانواده مقتول از

ادامه مطلب افزایش ۳۰ درصدی... از صفحه ۱۰

فضای مجازی و شبکه های اجتماعی را لازم و ضروری عنوان کرد. به گفته این مقام مسئول، بررسی های اولیه برای مبارزه با مواد مخدر در فضای مجازی انجام شده و قرار است به صورت نظام مند اجرا و پیگیری شود.

دین پرست ادامه داد: «براساس آخرین طرح شیوع شناسی صورت گرفته در سال ۹۰، ۲۶ درصد معتادان شیشه، ۵۵ درصد تریاک و مابقی هروئین و حشیش و غیره مصرف می کنند.»

وی از گسترش روانگردان جدید (nps) در دنیا خبر داد که «با پایه گیاهی با نام های آقای خوشحال و صخره... تولید می شوند و منشاء مواد تولید شده آن ها در کنترل نیست و به عنوان تهدید جدی در دنیا مطرح است.»

بر اساس آمار سازمان ملل، در سال ۲۰۱۲، ۲۰۰ هزار نفر جان خود را در اثر مصرف مواد مخدر از دست داده اند و فاصله مصرف تا مرگ تنها سه ساعت بوده است.

این در حالی است که شمار مواد مخدر صنعتی از ۲۵۴ مورد در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۴۰۰ مورد در سال جاری رسیده است. «کسب لذت»، «کنجکاوی»، «تفریح» و «مشکلات روحی و روانی» از جمله مهم ترین عوامل گرایش افراد به مصرف مواد مخدر هستند.

به گفته دین پرست، ۱۷ درصد از دستگیرشدگان در زمینه اعتیاد به مواد مخدر، بین ۱۸ تا ۲۰ سال، ۴۰ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۳۹ درصد بی خانمان و چهار درصد دارای تحصیلات بالای لیسانس بوده اند. سال گذشته مرگ و میر ناشی از اعتیاد، ۳۰۳ درصد کاهش یافته بود. این در حالی است که بر اساس آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر، در پنج ماهه اول سال جاری، مرگ و میر ناشی از اعتیاد ۳۰۳ درصد افزایش داشته است.

معاون کاهش تقاضا و توسعه مشارکت های مردمی ستاد مبارزه با مواد مخدر هشدار داد که مصون سازی و کاهش تقاضا باید در اولویت چرخه مبارزه با مواد مخدر قرار بگیرد. این کارشناس دولتی بر اساس آمار شیوع شناسی اعتیاد در سال ۹۰، شمار معتادان کشور را یک میلیون و ۳۲۵ هزار نفر اعلام و تاکید کرد که به طور حتم این آمار افزایش یافته است.

او برخی برنامه ها در حوزه مبارزه با مواد مخدر را «فاقد اثربخشی» دانست و گفت: «نمی دانیم چرا ساختار شکنی برای ما سخت است، باید شیوه های غیر موثر سنتی را کنار گذاشت و با جسارت، برنامه های نوین را جایگزین کنیم.» بابک دین پرست مبارزه با مواد مخدر در

ادامه مطلب انرژی مثبت... از صفحه ۲۸

شوی می روند.

این قانون نه تنها در میان مردم چین که در سراسر جهان طرفداران خاص خودش را دارد و حتی به عنوان یک رشته ی تحصیلی در دانشگاه ها هم تدریس می شود!

این روزها فلسفه فنگ شوی در میان مرد چین بسیار مورد اعتماد قرار گرفته است. مردم در هر کاری از ازدواج، خرید یا ساخت خانه، خرید و چیدمان میبل ها، تعیین جای مناسب برای ایجاد مقبره و بسیاری موارد به سراغ فنگ

ادامه مطلب کم آبی... از صفحه ۱۳

که با اختلاط هوا در آب، فشار آن را زیاد می کنند ولی آب کمتری را مصرف می کنند، استفاده از فلاش تانک های کم مصرف و ... درست است که هر کدام از این اقدامات به تنهایی اندکی از مصرف آب می کاهند ولی با ضرب کردن همین میزان در میلیون ها خانه کشور، می توان دریافت که چه حجم بزرگی با همین کارهای ساده صرفه جویی و ذخیره می شود.

۴- شهرداری ها، از پر مصرف ترین های کشور در عرصه آب هستند. به ویژه از زمانی که زیباسازی شهرها به عنوان یک ارزش قلمداد شده است - که واقعا این گونه هم هست - کاشت انواع گیاهان در شهرها افزایش داشته است که این امر به نوبه خود افزایش مصرف آب در شهرها را به دنبال داشته است.

آنچه در این عرصه عمدتاً مغفول مانده، انتخاب نوع گیاهانی است که باید در هر شهر بسته به اقلیم آن کاشته شود. متأسفانه بسیار دیده می شود که در شهرهای کم آب، گیاهان و درختانی کاشته می شود که آب زیادی مصرف می کنند. به عنوان مثال در سال های گذشته در تهران درختان بید پرشماری کاشتنند که هر چند زیباست ولی در قیاس با درختان مناسب با این اقلیم مانند چنار، کاج، سرو نقره ای چندین برابر آب مصرف می کند و عمر کمتری هم دارد. چمن هم زیباست ولی مدام باید آبیاری شود در حالی که می توان کاشت آن را محدود به فضاهایی مانند پارک ها کرد و در حاشیه معابر و جاهای دیگر، از روش های دیگری برای زیباسازی معابر استفاده کرد، از سنگ های تزئینی گرفته تا گیاه پاپیتال و...

آنچه در چهار بند فوق آمد، مهم ترین راهکارهای برون رفت از وضعیت فعلی است تا بتوانیم مصرف آب در کشور را مدیریت و فاجعه پیش رو را کنترل کنیم. هر روز هم که می گذرد، کار سخت تر می شود و تشنگی نزدیک تر.

را تحت کنترل خود در آورد.

انتشار خبر شناسایی نخستین مورد ابولا در خاک آمریکا بازار بورس را نیز تحت الشعاع قرار داد و سبب شد که ارزش سهام چندین شرکت داروسازی که در زمینه تهیه داروهای ضد ویروس ابولا فعال هستند، افزایش یابد.

۲- بیشتر نیز گفته ایم که متأسفانه سیستم آبیاری کشاورزی در ایران امروز، با روش دوران مادها تفاوت چندانی نکرده است. همان طور که اجداد ما به روش غرقابی آبیاری می کردند، امروز نیز که در هزاره سوم هستیم، بخش عمده ای از کشاورزی ایران به روش غرقابی است؛ این یعنی مصرف سه تا پنج برابر آب در بخش کشاورزی و البته بازده کمتر در محصول!

این در حالی است که با یک برنامه ریزی جدی می توان به کشاورزان کمک کرد که در یک دوره زمانی کوتاه مدت، مزارع و باغ های خود را مجهز به سیستم های نوینی مانند آبیاری قطره ای کنند و بدین ترتیب، منابع آب زیرزمینی را از مصرف بی رویه برهانند. بدیهی است که این کار باید با ارائه کمک های مالی، فنی و آموزشی به کشاورزان صورت گیرد و الا آنها نمی توانند رأساً این پروژه ملی را عهده دار شوند.

گذشته از این، بخش بزرگی از کشاورزی ایران را محصولات تشکیلی می دهند که آب فراوانی را مصرف می کنند و جالب این که صادر هم می شوند. این در حالی است که اگر به جای آن محصولات - مثلاً هندوانه - آب مصرف شده، صادر می شد سود بیشتری عاید کشور می شد هر چند که سود اصلی در ذخیره آب های زیر زمینی است و نه حتی در صادرات پر درآمد آب بسته بندی شده. بنابراین باید هر چه سریع تر «نقشه بروز ملی راهنمای کشت» تهیه شود و کاشت محصولات تشکیلی که آب پری فراوان دارند، محدود شود زیرا می توان از صدور برخی میوه ها صرف نظر کرد و حتی می توان در صورت لزوم، برخی میوه ها را وارد نمود ولی نمی توان آب های زیر زمینی را با مصوبه و واردات تجدید کرد.

۳- در بخش آب شرب نیز، استانداردهای مصرف بهینه آب باید برای ساخت و سازهای شهری و روستایی الزامی شود، مثلاً الزام به تعبیه شیرهای آب مجهز به چشم الکترونیک، استفاده از دوش های آبی

کشور، مردم را به حفظ آرامش فراخوانند. به گفته ی کریس کونس، نماینده حزب دمکرات و رئیس کمیسیون آفریقا در مجلس سنای آمریکا، «انتظار آن می رفت که ویروس ابولا دیر یا زود به آمریکا برسد، اما نظام بهداشتی و درمانی در آمریکا توان این را دارد که به سرعت و با اطمینان این بیماری

ادامه مطلب شرابی که حافظ... از صفحه ۱۴

و اضافه کرد:

زاهد اگر به حور و قصور است امیدوار ما را شربخانه قصور است و یار حور گفتم: از طعن و نیش زبان مردمان بیمی ندارید؟ گفت: من اگر رند خرابانم و گر زاهد شهر این متاعم که همی بینی و کمتر زینم چون سخن بدینجا رسید، خورشید دمید.

در دیوان حافظ کلمه «شراب» ۷۳ بار و کلمه «باده» ۹۷ بار و کلمه «می» ۲۴۰ بار یکرار رفته است. آیا به راستی منظور حافظ شراب انگور بود یا شراب روحانی ابوالقاسم تفضلی تیرماه ۱۳۷۹

اگر شراب خوری جرعه ای فشان بر خاک از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باک گفتم: می بینم قطراتی از شراب هم بر دفترتان ریخته است.

اشاره به خرقة و دفترش کرد و گفت: این خرقة که من دارم در رهن شراب اولی

وین دفتر بی معنی غرق می ناب اولی چشمم به قح شراب افتاد که خالی شده بود. هنوز کلمه ای بر زبان نیاورده بودم که حافظ به ساق عشوهر گر شیرین لب گفت:

مخمور جام عشقم، ساقی بده شرابی

پرکن قح که بی می مجلس ندارد آبی

گفتم: با حور و قصور بهشت چه می گوئید؟ گفت:

باغ بهشت و سایه طوبی و قصر و حور با خاک کوی دوست برابر نمی کنم

ادامه مطلب سیامک قادری... از صفحه ۱۴

رسانه ها یا روزنامه نگاران زندانی معرفی می کنند. سازمان گزارشگران بدون مرز می گوید در حال حاضر ۵۸ روزنامه نگار و شهروند و بنگار در زندان های ایران به سر می برند، که ۲۵ نفر از آنها در فاصله یک سال گذشته، در دولت حسن روحانی، بازداشت و زندانی شده اند. آقای روحانی در گفت و گویی با کریستین امانپور، خبرنگار شبکه سی ان ان، گفته است فکر نمی کند که کسی در ایران به خاطر فعالیت های روزنامه نگاری اش بازداشت شده باشد.

خانم امانپور مجری ضیافتی ست که در آن قرار است جایزه بین المللی آزادی مطبوعات کمیته حفاظت از روزنامه نگاران به برندگان امسال تقدیم شود.

ادامه مطلب هشدار پزشکان... از صفحه ۱۱

قرار خواهند گرفت تا جلوی گسترش این ویروس در آمریکا گرفته شود.

به گفته ی توماس فریدن، تنها افراد معدودی، به ویژه اعضای خانواده فرد بیمار با او تماس داشته اند. وی تصریح کرد، افرادی که سرنشین همان هواپیمای فرد بیمار بوده اند، احتمالاً در معرض خطر ابتلا قرار ندارند.

فراهوان به حفظ آرامش

لازم به یادآوری است که بیشتر نیز چند آمریکایی به ابولا مبتلا شده بودند، اما پیش از ورود به آمریکا بیماری در آنها شناسایی شده و در قرنطینه به خاک ایالات متحده منتقل شده بودند تا تحت مراقبت شدید و درمان قرار گیرند.

مقامات سیاسی در آمریکا در نخستین واکنش به شناسایی ویروس ابولا در این

خانم هفاجی از آفریقای جنوبی از دیگر برندگان جایزه امسال نیز بارها با تهدید روبه رو شده است؛ آنچه در پی انتشار مقالات یا کاریکاتوری از جاکوب زوما، رئیس جمهوری آن کشور، شدت گرفته است. سیامک قادری، بیشتر نیز با تمجیدهای بین المللی روبه رو شده است. از جمله در اردیبهشت ماه گذشته در آستانه روز جهانی «آزادی مطبوعات» سازمان گزارشگران بدون مرز نام او را در کنار عدنان حسن پور، سعید متین پور و ژیلای بنی یعقوب، به عنوان «صد قهرمان حوزه اطلاعات» معرفی کرده بود.

سازمان های غیردولتی و بین المللی مدافع آزادی بیان و روزنامه نگاران، ایران را در میان بدترین کشورها در حوزه آزادی

این نشانه ها اما چهار روز بعد در این بیمار نمایان شده اند. چهار روز بعد از آن، یعنی هشت روز بعد از ورود به آمریکا، این بیمار در بیمارستان بستری و قرنطینه شده است.

وی در حال حاضر در بیمارستان Health Presbyterian واقع در دالاس بستری است. مدیر مرکز دولتی مهار و پیش گیری بیماری در آمریکا همچنین ابراز اطمینان کرد که این مورد ابتلا به ابولا تحت کنترل مسئولان درمانی قرار دارد، بطوری که این ویروس در خاک آمریکا گسترش نخواهد یافت.

با وجود این ممکن است، افرادی که با فرد مزبور تماس داشته اند، به این ویروس مبتلا شده باشند. از این رو تمام افرادی که در این هشت روز با فرد بیمار در تماس بوده اند، شناسایی شده و زیر نظر

آنکه خود را به امور کوچک سرگرم می کند چه بسا که توانایی کارهای بزرگ را ندارد. (لاروشفوکو)

ادامه مطلب موسیقی سنتی ... از صفحه ۱۳۳

و یا ایست متفاوتی داشته باشد. به طور مثال آواز دشتی از تعلقات دستگاه شور و از درجه پنجم آن بوده و به عنوان مثال اگر شور سل را در نظر بگیریم، دارای نت شاهد و ایست ((ر)) می‌باشد. بدین ترتیب در آواز شور ملودی با حفظ فواصل دستگاه شور روی نت ((ر)) گردش می‌کند و در نهایت روی همان نت می‌ایستد. به طور کلی هر آواز پس از ایست موقت روی ایست خودش، روی ایست دستگاه اصلی (در این‌جا شور) باز می‌گردد. آوازهای متعلق به دستگاه موسیقی ایرانی ۵ تا هستند و عبارت‌اند از:

♦ آواز ابوعطا، متعلق به دستگاه شور (درجه دوم) ♦ آواز بیات ترک (بیات زنده)، متعلق به دستگاه شور، (درجه سوم) ♦ آواز افشاری، متعلق به دستگاه شور، (درجه چهارم) ♦ آواز دشتی، متعلق به دستگاه شور، (درجه پنجم) ♦ آواز بیات اصفهان، متعلق به دستگاه همایون، (درجه چهارم)

مزبور عکس بگیرد. بهرحال خدا عالم است و این اولین باری است که یک سرپرست ورزشی ایرانی در یک کشور خارجی ممنوع الخروج می‌شود.

اما والیبالیست های ایرانی در مسابقات جهانی والیبال در لهستان بسیار خوش درخشیدند. آنها در بدترین شرایط در بین شش کشور اول جهان یعنی ششم هستند. جا داشت که سازمان تربیت بدنی ایران و آقای وزیر تقدیر شایسته ای از این جوان های کم ادعا می کردند، آنها شایسته چیزهای بهتری هستند، شوخی نیست، آمریکا و ایتالیا و لهستان را بردند. آنها به همراه فرانسه، لهستان، روسیه، برزیل و آلمان، شش کشور برتر جهان در والیبال هستند. این در حالی است که می توان فهمید آنها خسته ترین تیم این مسابقات هستند. بهرحال تا همین اینجا هم آنها گل کاشته اند.

اما در مسابقات قهرمانی جهان کشتی فرنگی حمید سوریان کشتی گیر شایسته ایرانی به مقام قهرمانی جهان در وزن ۷۱ کیلوگرم رسید. این هفتمین مدال طلای جهانی و المپیک او است. یعنی یک مدال طلا بیشتر از عبدالله موحد که صاحب شش مدال طلای جهان و المپیک است. حالا یک فرنگی کار قهرمان قهرمانان ایرانی است و این در حالی است که او هنوز هم جوان است و می تواند صاحب مدال های بیشتری شود.

دستگاه: هر دستگاه موسیقی ایرانی، توالی ای از پرده های مختلف موسیقی ایرانی است که انتخاب آن توالی حس و شور خاصی را به شنونده انتقال می دهد. هر دستگاه از تعداد بسیاری گوشه موسیقی تشکیل شده است و معمولاً بدین شیوه ارائه می شود که از درآمد دستگاه آغاز می کنند، به گوشه اوج یا مخالف دستگاه در میانراه کار می رهند، سپس با فرود به گوشه های پایانی و ارائه تصنیف و سپس رنگی اجرای خود را به پایان می رسانند. موسیقی سنتی ایران شامل هفت دستگاه و پنج آواز است. هفت دستگاه ردیف موسیقی سنتی ایرانی عبارت‌اند از:

♦ دستگاه شور ♦ دستگاه سه گاه ♦ دستگاه چهارگاه ♦ دستگاه همایون ♦ دستگاه ماهور ♦ دستگاه نوا ♦ دستگاه راست پنج گاه آواز: آواز معمولاً قسمتی از دستگاه مورد نظر است که می توان آنرا دستگاه فرعی نامید. آواز از نظر فواصل با دستگاه مورد نظر یکسان یا شبیه بوده و می تواند شاهد

تیم امید ایران چهار بر یک مغلوب ویتنام شد آقای وینگادا مربی پرتغالی تیم می گوید که گناه شکست را می پذیرد. این برای اولین بار است که ایران در یک بازی مغلوب ویتنام می شود آنهم با این نتیجه. مربی تیم ملی می گوید آنها بهتر از ما بودند و این واقعا شرم آور است و من حتی در خواب هم نمی دیدم که چنین نتیجه ای رقم بخورد. او می گوید از فوتبال ویتنام هیچ شناختی نداشته است.

اما به غیر از این شکست، رفتار بد بازیکن ایرانی، خان زاده است که در زمین بازی می خواست بازیکن ویتنامی را خفه کند و از آن بدتر در بیرون زمین چمن رفتار یکی از سرپرستان تیم ایران که از سوی کره جنوبی تحت پیگرد قانونی قرار گرفته است.

پلیس کره جنوبی اعلام کرده است در جریان بازی ایران و ویتنام یکی از زنان میزبان مسابقات از سوی یکی از مسئولان تیم ایران مورد آزار جنسی قرار گرفته که با شکایت این زن کره ای او نمی تواند این کشور را ترک کند. مقامات پلیس کره جنوبی اعلام کردند که این مرد ۲۸ ساله ایرانی پس از بازجویی پذیرفته که با این زن تماس داشته و بر این باور است که هیچ کار غیرقانونی انجام نداده است. زن کره ای که در این ماجرا مورد آزار جنسی قرار گرفته به پلیس گفته است که این اتفاق هنگامی رخ داده که می خواسته با مرد

ادامه مطلب ورزش از نگاه ... از صفحه ۱۴

هایش موجود است. مایلی کهن به رحیمی می گوید شما دروغ می گوئید. شما درباره امام زاده صالح رفتن هم دروغ می گوئی و سپس به علی دایی حمله می کنی، آقایان می خواستند با قلدری در پرسپولیس بمانند. در تمرین پرسپولیس که دایی و درخشان هم زمان حاضر شدند و جمعیت را بجان هم انداختند اگر یک نفر کشته می شد مقصر چه کسی بود. فیلم تلویزیونی خبر هست که آقایان گفتند باید وضعیتشان مشخص شود. آنها فقط به فکر پول هستند. مایلی کهن با اشاره به صحبت های دایی که گفته بود انتخابش به عنوان سرمربی تیم ملی با علی آبادی (رئیس وقت سازمان تربیت بدنی) بوده است نه محمود احمدی نژاد، گفت مگر علی آبادی معاون او یا ما بوده است، او معاون احمدی نژاد بوده و دستورات او را اجرا می کرده است. او می گوید چرا سیاه بازی می کنید همان سال که من گفته بودم احمدی نژادی هستم، سرمربی پرسپولیس هم شدم اما می گویند من التماس می کردم تا سرمربی پرسپولیس شوم.

در این هنگام عادل فردوسی پور مودبانه به وقت کم برنامه اش اشاره کرد و از مایلی کهن خواست صحبت های پایانی اش را ادامه دهد. این درخواست با واکنش شدید مایلی کهن روبرو شد که چرا شما همیشه طلبکارید؟ اگر رحیمی را به برنامه ات آورده ای باید سیاسی را هم می آوردی تا صحبت کند. خودتان ناعادلانه عمل می کنید. وی به یکباره بحث را عوض می کند و می گوید الان فوتبال ما با این همه استعداد باید جای والیبال باشد و در دنیا جزء ۱۰ تیم اول دنیا باشیم ولی شما فوتبال این مملکت را به لجن کشیدید. مایلی کهن در حالیکه صدایش می لرزد افزود: چطور کی روش تیم ملی را در یک گروه چهارتیمی، تیم پنجم جهان کرده است ولی این اهانت نیست.

فردوسی پور در تلاش تا او را آرام کند یا تماس تلفنی را قطع کند ولی مایلی کهن فریاد میزند که اصلاً مرا اعدام کنید، من از هیچکس ترسی ندارم ولی شما هدایت شده کار می کنید. ۱۵ سال است میکرفن دست شماست و روز به روز وضع بدتر شده است. فردوسی پور می گوید مردم درباره اش قضاوت خواهند کرد و مایلی کهن عصبانی تر فریاد می زند مظلوم نمایی نکنید. در این هنگام فردوسی پور که خون سردی خود را حفظ کرده است تماس تلفنی را قطع می کند تا ارتباط با مایلی کهن بدون دخادحافظی قطع شود.

آن چیزی که یک مربی را از دیگران متمایز می کند شخصیت و کار او است. نگاه شما به عنوان یک مدیر باید یک نگاه انسانی باشد. وقتی شما کسی را از کاربرکنار می کنید او باید بداند چرا؟ علی دایی آدمی است که خوب یا بد، هیچ ایرانی نمی تواند دوستش نداشته باشد. اما آقای مایلی کهن وقتی روی دنده لجاجت می افتد مدال دل خوری را باید باو داد. او چندسالی که با تیم های مختلف نتیجه نگرفته است و باید مدال دل خوری حتما بگیرد. او سال قبل هم کاندیدی این جایزه بود که آنرا نگرفت و حالا از پشت گوشی تلفن روی این دنده افتاده است. آقای مایلی کهن که بسیار عصبانی به نظر می رسد، می گوید شما همه را زیر سؤال می برید، شما فوتبال این مملکت را به نابودی کشانده اید، چرا نمی گذارید صحبت کنم؟ او سپس خطاب به علیرضا رحیمی مهمان حضوری برنامه و مدیر عامل سابق باشگاه پرسپولیس می گوید که آقای سیاسی (رئیس هیات مدیره باشگاه پرسپولیس، آقای طاس پولدار) با من برسر مربی گری برای پرسپولیس صحبت کرده است اما من باید از رحیمی (شما) اجازه می گرفتم؟ شما خودت می گوئی هیات مدیره وزارت ورزش قبولت نداشته اند پس چرا در پرسپولیس ماندی؟ شما چندبار برسرتمرین پرسپولیس رفتی و دیدی که سرمربی ات با کت و شلوار به تمرین آمده است. من چهل و پنج سال است که در پرسپولیس هستم و از این اتفاقات خون دل می خورم. او فراموش میکند که از تیم نفت به پرسپولیس آمده است. مایلی کهن در توضیح تماس رئیس هیات مدیره پرسپولیس با وی تاکید کرد که بنده آقای سیاسی را نمی شناسم، او با من تماس گرفت و پیام گذاشت. من هم ساعت یازده شب با وی تماس گرفتم و قرار شد صبح روز دوشنبه همدیگر را ببینیم. سیاسی از من مشورت خواست و هرگز نخواست که من مربی شوم و من هم به سیاسی گفتم اگر هدفتان برکناری دایی است، اشتباه است. من تاکید کردم که شما دارید احساسی عمل می کنید.

او سپس به علی دایی حمله می کند و می گوید او دشمن خودش بود و هم دشمن طرفداران. ما از کجای فوتبال حرفه ای صحبت می کنیم. تیمی که میلیون ها طرفدار دارد، آنوقت مربی با کت و شلوار سرتمرین می رود. در این هنگام رحیمی تکرار می کند و میان حرف او می دود، دایی یکبار هم با لباس شخصی سرتمرین نرفته است و مایلی کهن می گوید: عکس

اگر در اولین قدم، موفقیت نصیب ما می شد، سعی و عمل دیگر معنی نداشت. (موریس مترلینگ)

ادامه مطلب نامه ۱۸ برنده ... از صفحه ۵

همیشه این استدلال و پاسخ را به بازجویان و نمایندگان اعزامی از نهادهای مختلف داشته و دارم که: امروز که هیچ خطایی نکرده‌ام و هیچ اطلاعی از موضوعات و فعالیت‌های محرمانه نظام ندارم با من اینگونه رفتار می‌شود و تمام زندگی و خانواده‌ام را به واقع گروگان گرفته‌اند. در آینده اگر راضی به همکاری شوم و به سبب آن از این اطلاعات و اسرار مطلع شوم با من چه رفتاری خواهد شد؟ و چه چیزی را برای حصول اطمینان و اعتمادشان از من به گروگان خواهند گرفت؟»

وی با اعتراض به برخوردهای زشت و تحقیرآمیز صورت گرفته با خود، ضمن بیان اینکه «قاضی‌ای که به منم بدون هیچ دلیل موجهی توهین و تحقیر و پرخاش نماید دیگر بی‌طرف نیست و طبق قانون هم صلاحیت رسیدگی به پرونده را ندارد»، خاطر نشان می‌کند: «اکنون به عنوان عکس العمل طبیعی یک زندانی که به حرمت و حقوق اولیه انسانی او توهین شده است اعلام می‌کنم که بعد از این حاضر نیستم در این دادگاه حضور یافته و از خود دفاعی بکنم و اگر هم اجبارا مرا به دادگاه ببرند قطعاً سکوت کرده و دفاعی نخواهم کرد تا ایشان با فراغ بال به آنچه که از قبل برای من تجویز کرده‌اند حکم دهد.»

مشکلی: رنگ سیاه نشانه غم و اندوه، ترس، رازداری و مبهم بودن است. در اکثر جوامع غربی و اسلامی اگرچه رنگ سیاه یادآور مرگ، عزا و خاکسپاری است اما این رنگ، رنگ جهانی برای عزاداری نیست. در برخی از کشورهای آسیایی رنگ عزا، رنگ سفید است. در برزیل رنگ بنفش و در مکزیک رنگ زرد و در ساحل عاج رنگ قرمز تیره رنگ عزا هستند. همچنین رنگ سیاه با تاریکی و ترس از ناشناخته‌ها ارتباط دارد و نیروهای مافوق طبیعی یا جادویی را به خاطر می‌آورد. در دنیای مد، رنگ سیاه نشانه شیک پوشی، جذابیت و زیبایی است. در بریتانیا به عضوی از خانواده که باعث ننگ و رسوایی خانواده می‌شد «گوسفند سیاه خانواده» می‌نامند. در فرهنگ‌های غربی رنگ سیاه اغلب نشانه قدرت بسیار زیاد و پر رمز و راز بودن است.

اگر زیبایی را آواز سر دهی، حتی در تنهایی
بیابان، گوش شنوا خواهی یافت. (خلیل جبران)

ادامه مطلب رنگ ها در کشورها... از صفحه ۱۳

ها و چینی ها است رنگ زرد دلالت بر خاندان پادشاه دارد و به نوعی نشانه عمر زیاد است. در کشور ژاپن رنگ زرد نشانه وقار و نجابت است.

جنگجویان باستان این کشور در دوران خود، گل‌های زرد داوودی را به نشانه پیمان شجاعت، به خود آویزان می‌کردند. در بین پیشگویان قدیم، رنگ زرد توصیفی از شیر و خورشید بود. آن‌ها زرد بودن شیر را تنها عاملی می‌دانستند که او را در بین حیوانات به عنوان سلطان جنگل مطرح کرده است. مردم قرون وسطی معتقد بودند که سنگ‌های زرد، بیماری را از جسم او به درون خود جذب می‌کند. در یونان باستان، رنگ زرد نشان دهنده حالات زنانه بود و پوشیدن لباس زرد را برای مردا غیر قابل قبول می‌دانستند، آن‌ها الهه‌ها و دوشیزگان را با پیراهن زرد زعفرانی نقاشی می‌کردند. در چین باستان برای نشان دادن امپراطور به عنوان قدرت برتر از رنگ زرد استفاده می‌کردند. در آن زمان، تنها امپراطور حق داشت لباس زرد بپوشد و اگر کسی جرات می‌کرد لباس زرد بپوشد باید انتظار مرگ سختی را می‌کشید. اما در فرانسه قرون وسطی به آدم‌های ترسو و نامرد لقب زرد می‌دادند، در دوره انقلاب کبیر، درهای خانه‌های مردمی را که تصور می‌شد به دولت جدید خیانت کرده‌اند با رنگ زرد رنگ آمیزی می‌کردند. در قدیم رنگ زرد برای نشان دادن کسانی بود که علیه کلیسای کاتولیک حرف می‌زدند و به کفرگویانی که محکوم می‌شدند در هیزم سوزانده شوند، لباس زرد می‌پوشاندند. هم چنین در قرون وسطی، یهودیان را مجبور می‌کردند که لباس زرد بپوشند. ناری‌های آلمان نیز یهودیان را مجبور می‌کردند که به لباس خود ستاره زرد بدوزند.

سبزه: رنگ سبز به خاطر آرام بخش بودنش به عنوان رنگ ایمنی و سلامت در جهان معرفی شده است. برای نشان دادن علائم فیزیکی بی خطر از این رنگ استفاده می‌شود. در قرون وسطی رنگ سبز نشانه زندگی جدید و رشد بود، به همین دلیل رنگ سبز را برای لباس نو عروسان انتخاب می‌کردند. در اروپای قدیم اعتقاد بر این بود که رنگ سبز، رنگ مورد علاقه قدرت‌های بزرگ است و این قدرت‌ها می‌توانند کسی را که لباس سبز پوشیده، به بد شانسی ابدی محکوم کنند. این خرافات تا حدی ادامه پیدا کرده است که امروزه بسیاری از افراد با ماشین‌های سبز رانندگی نمی‌کنند و اعتقاد دارند که احتمال تصادفات با این اتومبیل‌ها بیشتر

همچنین در نیجریه این رنگ فقط توسط رؤسای قبایل پوشیده می‌شود، اما در غنا تنها به هنگام سوگواری قرمز می‌پوشند.

سفیید: رنگ سفید، در کشورهای غربی رنگ تولد است و هم چنین نمایان گر وقایع شیرین زندگی است که به صورت جشن ظاهر می‌شود. در حالی که در چین نشانه عزاداری است. در مصر باستان، سفید نماد «اوسیریس» (Osiris)، خدای مرگ و پاکی بوده است. همچنین در نزد بسیاری از فرهنگ‌ها سفید نشانه تقوا، بی گناهی، تازگی، صلح، پاکی، کمال، معنویت و سادگی است. ایرانیان باستان عقیده داشتند که فرشتگان لباس سفید بر تن دارند. از این رو این رنگ مورد علاقه ایرانیان است. رنگ سفید برای هندوها رنگ عزا و سوگواری است. در چین رنگ سفید به معنی مرگ است. در برزیل این رنگ نشانه جلال و شکوه است. در آمریکا هم رنگ سفید نشانه پاکی و خلوص است. **آبی:** آبی، رنگ مورد علاقه بسیاری از مردم و محبوب‌ترین رنگ در بین مردان است. رنگ آبی، احساس آرامش را به ذهن می‌آورد و معمولاً نشان‌گر صلح، امنیت و نظم است. در آمریکا رنگ آبی محبوبیت زیادی دارد و نشانه صداقت و امانت است. از این رو در نماد همه بانک‌های آمریکا از رنگ آبی استفاده می‌شود. در چین رنگ آبی نشانه ابدیت است. برای یهودی‌ها این رنگ مقدس است. در کشورهای عربی رنگ آبی به معنی ایمنی و محافظت است. در کلمبیا رنگ بیشتر صابون‌ها آبی است. در کشورهای مسیحی رنگ آبی مفهوم صلح و بهشت را همراه دارد. در هنگ کنگ رنگ آبی مورد علاقه مردم نیست. همچنین از نظر آمریکایی‌ها رنگ آبی، رنگ مردانه است در حالی که در بریتانیا و یا فرانسه بیشتر رنگ قرمز رنگ مردانه به شمار می‌رود، در آمریکا رنگ صورتی رنگ زنانه است در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر رنگ زرد زنانه است. در مصر باستان نیز خدای زندگی و تولید مثل، آبی بود. در این کشور آبی و بنفش نشان دهنده تقوا و ایمان است و مصریان در طول تاریخ همیشه به رنگ‌های آبی فیروزه‌ای و لاجوردی علاقه مند بوده‌اند.

زرد: رنگ زرد در بیشتر کشورها مفهوم خوشحالی و مطلوب بودن را دارد. در آسیا رنگ زرد نشانه تقدس و پرهیزکاری است. در کشورهای مسیحی زرد نشانه نور خورشید و دانایی است. در مالزی که جمعیت آن مخلوطی از مالایی‌ها، هندی

ادامه مطلب مهرگان ... از صفحه ۱۲

آن کتاب اوستا، آینه، شمعدان و شربت و شیرینی و گلاب و سبزی و میوه به خصوص انار و سیب و گلهای رنگارنگ بر روی سفره می گذاشتند و کناره های سفره را با آویشن خشک می آراستند، در ظرفی از آب گیاه خوشبوی آویشن با چند سکه نقره و سنجد و بادام و پسته می ریختند و با شمع و چراغ روشن بر سر سفره می نهادند و هنگام ظهر همه افراد خانه بر سر سفره مهرگان می نشستند و به جشن و شادی می پرداختند.

مراسم جشن مهرگان مانند نوروز پس از حمله عرب از میان نرفت و در دوره خلفای عباسی نیز باشکوه زیاد برگزار میشد، پس از دوران مغول از رونق پیشین خود افتاد ولی هرگز فراموش نشد و زرتشتیان یزد و کرمان هنوز همچون بسیاری سنت های دیگر باستانی آن را حفظ کرده اند و همچنان باشکوهی خاص برگزار می کنند. درواقع می توان این جشن را پیروزی نیکی بر بدی، و روشنائی بر تاریکی و داد بر بیداد دانست و همچنین می توان جشن مهر (خورشید) دانست که وجودش برپا دارنده و محافظ انسان ها و گیاهان و همه موجودات و جهان هستی است.

مراجع من در این نوشتار استادان بزرگوام، استاد پورداود و دکتر بهرام فره وشی هستند.

ادامه مطلب کاهش صادرات ... از صفحه ۱۳

۱۲۸ هزار بشکه در روز رسید. ژاپن نیز ماه اوت واردات نفت از ایران را بیش از شش درصد کاهش داد و به حدود ۲۰۲ هزار بشکه در روز رساند و در مجموع طی هشت ماه اول ۲۰۱۴ واردات نفت از ایران را با بیش از ۹ درصد کاهش نسبت به دوره مشابه سال گذشته به ۱۷۰ هزار و ۵۱۸ بشکه در روز رساند.

شدن آب بدن می شوند که مصرف آنها بایستی بسیار کم و یا متعادل باشد. بیماران کلیوی بایستی قادر به تفسیر نتایج آزمایش خون و ادرار خود باشند (از پزشکان خود بخواهند که به آنها یاد بدهند چگونه از این آزمایش ها نتیجه گیری کرد تا بتوانند رژیم های غذایی صحیح را انتخاب کرده و به بهتر شدن بیماری خود کمک کنند).

هر کس عادت کند که بدون دلیل هر حرفی را باور کند ، از صورت انسانی خارج است. ابوعلی سینا

ادامه مطلب سیر و سفری ... از صفحه ۱۸

خون جگرش بر بخ بر آمد
از دل بگذشت و بر سر آمد
چون شمع به ترک خواب گفته
ناسوده به روز و شب نخفته
می کشت ز درد خویشتن را
می کوفت سری بر آستانی
هر صبحدمی شدی شتابان
سرپای برهنه در بیابان
او بنده یار و یار در بند
از یکدگر ببوی خرسند
هر شب ز فراق بیت خوانان
پنهان بشدی به کوی جانان
در بوسه زدی و بازگشتی
باز آمدنش دراز گشتی
شب ها و روزها، قیس دلشکسته، با پای برهنه و موی آشفته کوی یار را در می نوردید و به همین خوشدل بود که سر بر خاک کوی معشوق بساید و ترانه های

سوزناک بخواند و در فراق معشوق اشک از دیده بیبارد.
هنگام طلوع خورشید با وزش نسیم بامدادی با باد صبا به گفتگو در می آمد.
ای باد صبا به صبح برخیز
در دامن زلف لیلی آویز
گو آنکه بباد داده تست...
بر خاک ره او افتاده تست
از باد صبا دم تو جوید
با خاک زمین غم تو گوید
بادی بفرستش از دیارت
خاکیش بده به یادگارت
هر کوه نه چو باد بر تو لرزد
نه باد، که خاک هم نیرزد
وانکس که نه جان به تو سپارد
آن به که ز غصه جان سپارد

دنباله مطلب در ماه آینده

ادامه مطلب خیلی قدیم های ... از صفحه ۱۷

در فاصله ای نه چندان دور، خانه دو طبقه ای بود که در طبقه دوم آن خانه مادر و دختر بسیار مهربانی زندگی میکردند که دختر، حدود بیست ساله یا همان حول و حوش را داشت و معلم دبستان بود و به علت مهربانی های زیادی که نسبت به من میکرد، در همان سن عاشقش شده بودم و از ته دل و جان دوستش داشتم. نامش پروانه بود و هروقت به نزدیک خانه ما می آمد و یا پشت پنجره خانه طبقه دومشان بود، مرا صدا میزد و میگفت منو دوست داری؟ منو میگیری؟ و منم سرخ میشدم و احساس گرما در تمام بدنم میکردم.

یکروز شایع شد که امروز بعد از ظهر خورشید گرفتگی خواهد شد و زمین کاملا تاریک میشود. اما اگر کسی به خورشید نگاه کند، کور میشود. ولی با عینک دودی پر رنگ میشود نگاه کرد. همانروز مادرم برای هر کدام از ما یک عینک کائوچویی (در آنزمان هنوز پلاستیک به بازار نیامده بود) دودی خرید که قیمتشان یکی یک

ریال بود و من با آن عینک در ملکوت سیر میکردم. چون عکسهایی را در جلو ویتترین عکاسخانه ها دیده بودم که مردانی با عینک، ژست هایی گرفته بودند که بنظرم خیلی ژست های مردانه بودند و وقتی آن عینک را میزد، خودم را شبیه یکی از آن مردانی میدیدم که عکسشانرا در عکاسخانه یا روزنامه دیده بودم ... آرام آرام خورشید رو به کم شدن کرد و نیم دایره ای سیاه در دل خورشید فرو میرفت. وقتی که یک دایره سیاه کامل جلو خورشید را گرفت، ناگهان همه جا تاریک گردید و باد سردی شروع به وزیدن کرد و هوا با سرعت سرد شد. بطوری که ظرف همان مدت کوتاه، در حالی که تابستان بود، سرمای غیرقابل تحمل گردید.

با عینکم به خورشید نگاه میکردم اما هنوز چشم را به شدت میزد. فقط یک زوار باریک نورانی بدور آن تاریکی بود که میدرخشید و پس از مدت نه چندان بلندی، سیاهی از سمت دیگر خورشید شروع به بیرون رفتن کرد. **ادامه داستان در ماه آینده**

ادامه مطلب تازه های دنیای ... از صفحه ۲۴

پتاسیم در بیشتر میوه ها و سبزیجات وجود دارد و بیماران کلیوی بایستی از آنها دوری کنند اغلب سبزیجات پس از جوشانده شدن در آب پتاسیم خود را از دست می دهند که به این فرم مصرف آنها بهتر است. میوه هایی نظیر موز و پرتقال دارای پتاسیم زیاد هستند. از طرف دیگر میوه های نظیر سیب، انگور، لیمو و جوانه های لوبیا و انواع توت ها

دارای پتاسیم کم می باشند که مصرف آنها خیلی بهتر است.
فسفات ها: در بیشتر بیماران کلیوی میزان فسفات ها در خون بالا می رود. بالا رفتن فسفات ها کلسیم را از استخوان ها جدا کرده و استخوان ها را ضعیف و شکننده می کند همین طور باعث خارش پوست می شود. در چنین مواردی داروهای داده می شوند که به فسفات

Continued from Page 60**Ebola virus...**

as surgical masks and gloves.

Prepare people for burial. The bodies of people who have died of Ebola or Marburg hemorrhagic fever are still contagious. Helping prepare these bodies for burial can increase your risk of developing the disease.

Complications

Both Ebola and Marburg hemorrhagic fevers lead to death for a high percentage of people who are affected. As the illness progresses, it can cause: Multiple organ failure, Severe bleeding, Jaundice, Delirium, Seizures, Coma, Shock

One reason the viruses are so deadly is that they interfere with the immune system's ability to mount a defense. But scientists don't understand why some people recover from Ebola and Marburg and others don't.

For people who survive, recovery is slow. It may take months to regain weight and strength, and the viruses remain in the body for weeks. People may experience: Hair loss, Sensory changes, Liver inflammation (hepatitis), Weakness, Fatigue, Headaches, Eye inflammation, Testicular inflammation.

Tests and diagnosis

Ebola and Marburg hemorrhagic fevers are difficult to diagnose because early signs and symptoms resemble those of other diseases, such as typhoid and malaria. If doctors suspect you have Ebola or Marburg viruses, they use blood tests to quickly identify the virus, including: Enzyme-linked immunosorbent assay (ELISA), Reverse transcriptase polymerase chain reaction (PCR)

The Centers for Disease Control and Prevention monitors the United States for conditions such as Ebola infection, and its labs can test for the Ebola virus. Mayo Clinic does not test for the Ebola and Marburg viruses.

Treatments and drugs

No antiviral medications have proved effective in treating infection with either virus. Supportive hospital care includes: Providing fluids, Maintaining blood pressure, Provid-

ing oxygen as needed, Replacing lost blood, Treating other infections that develop.

Prevention

Prevention focuses on avoiding contact with the viruses. The following precautions can help prevent infection and spread of Ebola and Marburg.

Avoid areas of known outbreaks. Before traveling to Africa, find out about current epidemics by checking the Centers for Disease Control and Prevention website.

Wash your hands frequently. As with other infectious diseases, one of the most important preventive measures is frequent hand-washing. Use soap and water, or use alcohol-based hand rubs containing at least 60 percent alcohol when soap and water aren't available.

Avoid bush meat. In developing countries, avoid buying or eating the wild animals, including nonhuman primates, sold in local markets.

Avoid contact with infected people. In particular, caregivers should avoid contact with the person's body fluids and tissues, including blood, semen, vaginal secretions and saliva. People with Ebola or Marburg are most contagious in the later stages of the disease.

Follow infection-control procedures. If you're a health care worker, wear protective clothing, such as gloves, masks, gowns and eye shields. Keep infected people isolated from others. Dispose of needles and sterilize other instruments.

Don't handle remains. The bodies of people who have died of Ebola or Marburg disease are still contagious. Specially organized and trained teams should bury the remains, using appropriate safety equipment.

Vaccine development

Scientists are working on a variety of vaccines that would protect people from Ebola or Marburg viruses. Some of the results have been promising, but further testing is needed.

By Mayo Clinic Staff

Continued from Page 60**Who will...**

Khamenei was an unexpected choice after Khomeini's death because he had not been seen as a senior cleric. But over the past 25 years he has solidified his grip on power, largely by gaining the support of the Revolutionary Guards.

The process for choosing a new Supreme Leader became more complicated in early June when the head of the Assembly of Experts, 83-year-old Ayatollah Mohammad Reza Mahdavi Kani, fell into a coma because of a heart condition, according to a report by the Islamic Republic News Agency.

This led to speculation that high level negotiations and jockeying for power in choosing a new Supreme Leader may have already begun within the body.

At a meeting of the Assembly in early September, Khamenei himself called for unity. "There are differences in taste on political issues, on political issues small and large," he said, according to a transcript posted on his personal website. "But these differences cannot destroy the unity of the country or empathy within the country. Everyone should be together."

One possible candidate to succeed Khamenei is Ayatollah Mahmoud Hashemi Shahroudi, a former judiciary head who is deputy head of the Assembly of Experts. Shahroudi is seen as a candidate

favored by Khamenei and, crucially, is thought to have the support of the Revolutionary Guards, experts say.

Another candidate is Ali Akbar Hashemi Rafsanjani, a former president who has been prominent in Iranian politics since 1979. But, at 80, Rafsanjani is seen as too old for the position and has a number of detractors among political hardliners. A third possible candidate is Ayatollah Sadeq Larijani, the current head of the judiciary who has been twice appointed to the position by Khamenei. Larijani comes from a family of political heavyweights; one brother is the speaker of parliament and another has also served in government positions. However, he is not regarded as a senior cleric and is unlikely to muster much support among the old guard.

Whoever replaces Khamenei is unlikely to wield as much power in the same position. "The clergy are looking for somebody to guarantee the interests of the clergy. The Revolutionary Guards are looking for someone to guarantee the interests of the Revolutionary Guards," said Khalaji. "Neither of them wants somebody who can come in and control them."

Disputed presidential elections in 2009 led to mass street protests followed by a wave of arrests, including of two candidates who remain detained at their homes.

If the freedom of speech is taken away then dumb and silent we may be led, like sheep to the slaughter.

George Washington

Pezhvak of Persia.**Connect With Consumers**

با درج آگهی در
ماهنامه پژواک،
بیزنس خود را به جامعه
ایرانی معرفی کنید!

www.pezhvak.com

(408) 221-8624



Continued from Page 59

Interview with...

I have 2 teenage daughters and a younger son.

Have you been to Iran since you left in 78?

No.

Do you ever consider going back?

I really want to. But, I have 2 daughters that I like to go with them.

Is your wife British?

Yes .Half British, half Irish.

Do you ever think of writing or making a movie about Iran?

My experience of Iran would be as an immigrant. The story that I know is leaving Iran in '78 and starting a new life and dealing with a little bit of racism when I first got to England. Now I see for my children who are half and half, how different it is. So, with my experience of being Iranian living in west, if I go to Iran to make a film I would not be part of that culture.

What do you think of Iranian cinema after the revolution? And who is your favorite director?

I am so proud of it. The one I know personally is Bahman Ghobadi. His movie *A Time for Drunken Horses* is pure genius. And the Oscar winning director for *A Separation...*

Asghar Farhadi, Have you seen his last film?

I have not seen his last film. But anytime an Iranian film does well, wins an Oscar, or when Kiarostami won an award at Cannes, I feel so proud.

DJ Alireza
Music at Its Best
(408)772-6463
www.djalireza.com
 Quality Mobile DJ Service
 State of The Art Lighting Services
 Complete Audio Visual Equipments
 Ambiance Lighting for Wedding Receptions
 Like Me on facebook

Halloween
Michelle Haghpanah
 DDS, MPH
drnichellehdds@gmail.com

Halloween is here and with it comes an increased consumption of candy and sweets. Halloween can be a great opportunity to teach children good dental health habits, including eating candy and sweets in moderation. Here are some reminders and helpful hints for you and your children to have a healthy and fun Halloween:

Eat a good meal. Feeding children a healthy dinner before they go trick-or-treating is a great way to decrease the likelihood of them filling up on candy.

Eat treats in one sitting. Choose candy that can be eaten quickly to limit the amount of time sugar is in contact with the teeth. Encourage children to eat a small amount of candy in one sitting followed by a glass of water or brushing.

Choose healthier treats. Encourage your child to eat the healthier treats and avoid hard, sour or chewy candies. These candies have high acidity and/or stick to the teeth longer, which can increase the risk of cavities.

A plain chocolate bar is a better option than sour, sticky or hard candies. Perform a "safety check." Take a look when your child returns from trick-or-treating to ensure there are no dangerous items in their collection. Include your child in this process to explain the decisions you make and allow them to learn good habits.

Limit availability. Candy should be enjoyed, but moderation is important. Have your child choose a few of their favorite candies and remove the rest.

Brush and floss. Set a specific time of day for candy consumption and then have your child follow-up by brushing and flossing their teeth. This is much healthier than allowing your child's teeth to be continuously exposed to sugary or acidic treats throughout the day.

Donate the candy. Children can sell their candy to local dentists who participate in the Halloween Candy Buyback program. The candy is donated to the troops overseas. Prospect Dental Care will be participating in the Halloween Candy Buyback program this year. Please email info@keyhandental.com or call for more information.

Have a healthy and happy Halloween!

Connect With Consumers

Pezhvak of Persia.

(408) 221-8624

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS



Interview with Film Director, Hossein Amini

By: Jamileh Davoudi

Every April, I look forward to the San Francisco International Film Festival press conference, wondering if they will be showing any Iranian film. This year, I was pleasantly surprised to find out the festival opens with *'Two Faces of January'* directed by Iranian-British Hossein Amini. *Two Faces of January* is an adaptation of a Patricia Highsmith suspense thriller gorgeously filmed on location in Greece and Turkey. In 1962, a well-heeled couple (Viggo Mortensen & Kirsten Dunst) come to know an American expatriate acting as an Athens tour guide (Oscar Isaac). But an incident at the couple's hotel puts all three in danger and creates a



precarious interdependence between them. A tense and dangerous battle of wits between the two men leads them from Greece to Turkey, and to a dramatic finale played out in the back alleys of Istanbul's Grand Bazaar. The movie opens October 10 in the Bay Area. I met Hussein Amini in the lobby of Hotel Zetta in San Francisco on April 25, where he was scheduled for number of press interviews before returning to London. I was unsure of his reaction to an interview for a Persian magazine. But, when I introduced myself and told him how happy I was to meet him, he replied how excited he was that one of his interviews was for an Iranian paper!

I know you were 11 years old when you left Iran.

Yes, I left in '78, a year before the revolution.

Do you speak Persian at all?

Yes, a bit. (لهجه انگلیسی دارم) I have a British accent. I speak Persian to my parents.

Are they in Iran?

No. My mother is in London and has not been back since '78. My father lives in Paris and he goes back sometimes.

What was the reason you left?

The reason I left was because my parents separated. My mom took my brother and me to London and a year later my father went to Paris.

So, you were not on your own.

No I was raised by my Mom who is a very strong woman. I am a big fan of Iranian women. Since the revolution, there has been a wave of women being more successful than men.

I totally agree with you. I think the strongest movement in Iran is women's movement.

I agree. And within Iran, they have shown so much courage.

I am very impressed with your work. I saw your film last night.

I have been following your work as a screenwriter and was very excited when your adapted screenplay for the movie *The Wings of*

the Dove was nominated for an Academy Award for Best writing in 1997. What got you interested in screen writing and movies?

My father was a big film buff and when he moved to Paris. I was living with my Mom. But, we would go and visit my father with my brother on holidays. As a single father, he didn't know what to do with us. So, he would take us to movies. We would go to Champs-Elysees and see a 2 o'clock movie, then a 4 o'clock movie and then a 6 o'clock movie. All we did was watch movies. That's how I got interested in films. My father was passionate about movies and I also got passionate about them.

What did you major in university?

I went to a boarding school in London. Then I went to Oxford to study history.

History! How did you end up in film?

There was a film society in Oxford. I made two short films there. When I left Oxford, I carried on writing.

Sometimes people, who pursue their passion and not necessarily their education, produce more beautiful work.

I was lucky that my parents didn't force me to become an engineer. Perhaps my father's interest in films helped.

I noticed you do mostly adaptations. Have you thought of doing your original work?

I have. I read a lot and I love that special relationship with books. With original work, sometimes you can work for a year on something and when it doesn't happen, it is so heart breaking. But, I definitely would like to do my original work.

Why did you choose this book for your first film?

I read this book when I was in the university but it had a very deep effect on me. For me the characters are more important than the plot.

What drew me to the book was that the relationship was not so much of father and son but of a younger man with an older man and his competition with him. For example, with respect to the



'Two Faces of January'

woman, it seems to me that they are more interested in each other than with the woman, which is pretty much how Patricia Highsmith books are; love and hate stories between men and specially between young and old or fathers and sons. This is just her inspiration of the psychology of men. Ironically, as a woman writer, she captures the sort of weak and cruel and more human side of men than most male writers.

You mentioned this book affected you very deeply. Can I ask a personal question? Does this have to do anything with your relationship with your father?

My father is a very kind, gentle, loving man. And unlike some of other Iranian fathers, he is not the strong, punishing and macho type. When I was younger, I saw him stronger and tougher, again part of male psyche looking for a father figure. But as I got older, I appreciated my father being a more gentle and kind man.

Do you have kids?

Continued on Page 58

Who will succeed Iran's Supreme Leader Khamenei?

Iranian media coverage blitz on the ayatollah's health raise questions about seriousness of his condition; power struggle predicted between Revolutionary Guard and traditional clergy on selection of successor.

BEIRUT - Images of Iran's Supreme Leader Ayatollah Ali Khamenei appearing frail and in bed have raised questions about the seriousness of his condition, and who might eventually succeed him.



In early September, Khamenei made a surprise announcement that he was having surgery and asked people to pray for his health. What followed was unprecedented in the 35-year history of the Islamic Republic.

Top officials including President Hassan Rouhani, the head of the judiciary and the speaker of parliament went to the 75-year-old Supreme Leader's bedside, with each visit reported with photos on Iranian news sites. Even former president Mahmoud Ahmadinejad, who has had a tense relationship with Khamenei in recent years, came for a visit.

Rumours about Khamenei have circulated for years. But there has never been such a media blitz on the health of the Supreme Leader, who holds substantial influence or constitutional authority over the executive, legislative and judicial branches of government as well as the military and media.

The head of the surgical team said Khamenei had an operation on his prostate which lasted less than half an hour and only local anesthetic had been used. He was completely awake and speaking during the procedure, the surgeon said.

But if Khamenei's health deteriorates, the traditional clergy and the Islamic Revolutionary Guard Corps - Iran's top military force

and an economic powerhouse - will need to settle on a successor quickly if the country is to avoid a period of political instability, experts say.

"The illness of leaders in undemocratic countries is seen as a national security issue," said Mehdi Khalaji, a former senior fellow at the Washington Institute for Near East Policy who is now the CEO of the Idea Center for Arts and Culture. So far, Iran has had only two Supreme Leaders since the 1979 revolution, with Khamenei succeeding the Islamic Republic's founder Ayatollah Ruhollah Khomeini in 1989.

Supreme Leaders are elected by the Assembly of Experts, which is made up mostly of the clerical old guard. But it is clear that the Revolutionary Guards will also play a major role, experts say.

In the past year, the Revolutionary Guards have pushed back hard against attempts by the Rouhani government to curb their influence on economic and foreign policy as well as the country's disputed nuclear program, the subject of negotiations between Iran and international powers.

Neither will they be easily sidelined on talks about a future Supreme Leader. "It's unlikely that the Revolutionary Guards will defer to a group of geriatric clerics regarding their next commander in chief," said Karim Sadjadpour, an Iran expert at the Carnegie Endowment for International Peace.

Ali Ansari, director of the Institute of Iranian Studies at the University of St. Andrews, predicted problems with the succession. "I don't think it's going to be smooth, whatever happens," he said. "There will be a tussle."

Continued on Page 57

Ebola virus and Marburg virus

Causes

Ebola virus has been found in African monkeys, chimps and other nonhuman primates. A milder strain of Ebola has been discovered in monkeys and pigs in the Philippines. Marburg virus has been found in monkeys, chimps and fruit bats in Africa.

Transmission from animals to humans
Experts suspect that both viruses are transmitted to humans through an infected animal's bodily fluids. Examples include: Blood. Butchering or eating infected animals can spread the viruses. Scientists who have operated on infected animals as part of their research have also contracted the virus.

Waste products. Tourists in certain African caves and some underground mine workers have been infected with the Marburg virus, possibly through contact with the feces or urine of infected bats.

Transmission from person to person
Infected people typically don't become contagious until they develop symptoms. Family members are often infected as they care for sick relatives or prepare the dead for burial.

Medical personnel can be infected if they don't use protective gear, such as surgical masks and gloves. Medical centers in Africa are often so poor that they must reuse needles and syringes. Some of the worst Ebola epidemics have occurred because contaminated injection equipment wasn't sterilized between uses.

There's no evidence that Ebola virus or Marburg virus can be spread via insect bites.

Definition

Ebola virus and Marburg virus are related viruses that cause hemorrhagic fevers — illnesses marked by severe bleeding (hemorrhage), organ failure and, in many cases, death. Both viruses are native to Africa, where sporadic outbreaks have occurred for decades.

Ebola virus and Marburg virus live in animal hosts, and humans can contract the viruses from infected ani-

mals. After the initial transmission, the viruses can spread from person to person through contact with body fluids or contaminated needles.

No drug has been approved to treat either virus. People diagnosed with Ebola or Marburg virus receive supportive care and treatment for complications. Scientists are coming closer to developing vaccines for these deadly diseases.

The Centers for Disease Control and Prevention monitors the United States for conditions such as Ebola infection, and its labs can test for the Ebola virus.

Symptoms

Signs and symptoms typically begin abruptly within five to 10 days of infection with Ebola or Marburg virus. Early signs and symptoms include: Fever, Severe headache, Joint and muscle aches, Chills, Weakness

Over time, symptoms become increasingly severe and may include: Nausea and vomiting, Diarrhea (may be bloody), Red eyes, Raised rash, Chest pain and cough, Stomach pain, Severe weight loss, Bleeding, usually from the eyes, and bruising (people near death may bleed from other orifices, such as ears, nose and rectum), Internal bleeding.

Risk factors

For most people, the risk of getting Ebola or Marburg viruses (hemorrhagic fevers) is low. The risk increases if you:

Travel to Africa. You're at increased risk if you visit or work in areas where Ebola virus or Marburg virus outbreaks have occurred.

Conduct animal research. People are more likely to contract the Ebola or Marburg virus if they conduct animal research with monkeys imported from Africa or the Philippines.

Provide medical or personal care. Family members are often infected as they care for sick relatives. Medical personnel also can be infected if they don't use protective gear, such

Continued on Page 57

Pezhvak of Persia

(408)221-8624

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
OPEN 24 HOURS

کاباره رستوران ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل کاباره رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

رستوران ساقی مجهز به کادر ورزیده کیترینگ،

به جشنها و میهمانی های شما جلوه بیشتری می دهد!

Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.

کیترینگ برای هفتاد نفر به بالا،

یک بره کامل، بطور رایگان، مهمان ما باشید!

هفت روز هفته ناهار را با انواع غذاهای خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید



بوفه کامل ۱۱,۹۹ دلار

(408) 998-0122

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ www.saaghi.com



Caroline Nasser
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: cnasser62@yahoo.com

Fax: (408) 278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112